مناسک

عمره مفرده

ویژه بانوان

مطابق با فتاوای

مراجع معظم تقلید دامت برکاتهم

ویرایش دوم

بسم الله الرحمن الرحیم

مناسک عمره مفرده - ویژه بانوان (محشی)

نویسنده:

محمدحسین فلاح زاده

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مناسک عمره مفرده (محشی ویژه بانوان)

مشخصات کتاب

سرشناسه : خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸ - ۱۲۷۹

عنوان و نام پدیدآور : مناسک عمره مفرده مطابق با فتاوای حضـرت آیه‌الله العظمی امام خمینی سـلام‌الله علیه با حواشی مراجع معظم تقلید دامت برکاتهم/ تهیه و تنظیم محمدحسین فلاح‌زاده [برای] حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت

مشخصات نشر : تهران: مشعر، ۱۳۸۱.

مشخصات ظاهری : ۲۵۰ ص.جدول

شابک : ۹۶۴-۶۲۹۳-۴۱-۰۰ ۷۶۵ریال

یادداشت : چاپ سوم: ۱۳۸۲؛ ۸۰۰۰ ریال

یادداشت : کتابنامه به‌صورت زیرنویس

موضوع : حج عمره

موضوع : فقه جعفری -- رساله عملیه

شناسه افزوده : فلاح‌زاده، محمدحسین، ۱۳۳۹ - ، مترجم

شناسه افزوده : حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت

رده بندی کنگره : BP۱۸۸/۹۲/خ۸م۸ ۱۳۸۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۷

شماره کتابشناسی ملی : م۸۱-۱۰۶۰۸

ص: ۱

اشاره

ص: ۲

ص: ۳

ص: ۴

ص: ۵

ص: ۶

ص: ۷

ص: ۸

ص: ۹

ص: ۱۰

پیشگفتار

ص: ۱۱

قبل از مطالعهٔ این کتاب، پیشگفتار را حتماً بخوانید.

در سالهای اخیر گامهای بلند و ارزشمندی در زمینهٔ تبیین مناسک و معارف حجّ و عمره توسط مؤسسات تحقیقاتی و انتشاراتی، به ویژه معاونت محترم آموزش و تحقیقات بعثهٔ مقام معظّم رهبری برداشته شده که شایان تقدیر است، لیکن در این میان جای مناسک ویژه برای بانوان خالی بود، مناسکی که آموزش اعمال را برای آنان سهل و آسان کند و به راحتی بتوانند احکام و آداب عُمره و حج را فراگیرند و وظیفهٔ خود را بازیابند و وقتشان صرف یافتن مسائل مورد نیازشان در بین صدها مسأله‌ای که ارتباطی با اعمال آنها ندارد، یا مسائلی که تنها در مواقع اضطراری و موقعیتهای استثنایی پیش می‌آید، مصروف نگردد.

البته چندین سال قبل، «احکام ویژهٔ بانوان در حج» گردآوری شد و با تنظیمی جدید سامان یافت که تا کنون بارها چاپ و منتشر

ص: ۱۲

شـده است، ولی آن کـار مقصود نهایی نبود و همیشه به دنبال فرصتی بودم که بتوانم مجموعه‌ای از مسائل مورد نیاز بانوان در عمره و حج را به چاپ برسانم. خوشبختانه در سال گذشته «مناسک حجّ، ویژهٔ بانوان» که دربردارندهٔ حدود ۵۰۰ مسأله مورد نیاز بانوان در حجّ می‌باشد، به سبکی جدید و نثری روان تدوین شد و در اختیار علاقمندان قرار گرفت.

سپس معـاونت محترم آموزش و تحقیقـات بعثـهٔ مقام معظّم رهبری تهیـهٔ مناسک عمرهٔ ویژهٔ بانوان را نیز پیشـنهاد دادنـد که به لطف الهی این کار نیز به انجام رسـید و به شـکل حاضـر به محضـر تمامی خواهران گرامی تقدیم می‌شود. امید آن که مورد اسـتفاده قرار گیرد.

از آنجـا کـه ایـن دو کتـاب اولیـن کـار در ایـن راسـتا است قطعـاً خـالی از نقص و عـاری از عیب نیست، لـذا از خواننـدگان محـترم خواهشمندیم با ارسال پیشنهادها و نظرات اصلاحیِ خود، ما را در تکمیل این اثر یاری دهند.

چند یادآوری:

۱- این نوشته شامل سه بخش است:

بخش اوّل، اعمال عمرهٔ مفرده.

بخش دوّم، محرّمات احرام.

بخش سوّم، عمره کودکان و برخی مسائل مورد نیاز دیگر.

ص: ۱۳

۲- نوشتهٔ حاضر، مطابق با فتاوای حضرت امام خمینی قدس سره همراه با حواشی هفت تن از مراجع معظم تقلید- دامت برکاتهم- می‌باشد، امید است در آینده، این مناسک مطابق با فتاوای سایر مراجع محترم نیز آماده و منتشر گردد.

۳- جهت حفظ اختصار در حواشی کتاب، تنها به آوردن لقب معروف مراجع معظّم تقلید- دامت برکاتهم-، اکتفا شده است.

۴- برای دستیابی به منابع اصلی و اطمینان بیشترِ مطالعه کنندگان، آدرس مسائل از تحریر الوسیله و مناسک مُحشّای حضرت امام خمینی قدس سره در پایان هر مسأله، با رمز «م» به نشانهٔ «مسأله» و «س» به نشانهٔ «سؤال»، همراه با شمارهٔ مسأله آمده است.

۵- هر چند در نگارش این کتاب سعی شده از به کار بردن اصطلاحات و لغات مشکل و نامأنوس پرهیز شود، لیکن لغات و اصطلاحاتی که ناگزیر از آوردن آنها بودیم، در پایان کتاب، همراه با معنای آنها و گاهی توضیح مختصری با عنوان «اصطلاحات و لغات» آورده شده است.

۶- این مناسک برای استفادهٔ بانوان و دختران نوشته شده و برای مردان و پسران قابل استفاده نیست، چون در موارد بسیاری وظیفهٔ آنان با آنچه در این کتاب آمده، تفاوت دارد.

۷- این نوشته، هر چند دربردارندهٔ مسائلی است که غالباً بانوان در عمرهٔ مفرده به آنها نیاز دارند ولی هرگز آنان را از شرکت

ص: ۱۴

در جلسات آموزشی روحانیون کاروانها بی‌نیاز نمی‌کند، چون برخی از نکات عملی و راهکارهای ویژه برای بهتر انجام دادن اعمال عمره مورد نیاز است که در آن جلسات مطرح می‌شود.

رَبَّنا تَقَبَّلْ مِنّا إنَّکَ أَنْتَ السَّمیعُ العَلیمْ

محمّد حسین فلاح‌زاده ابرقویی

بهار ۱۳۷۹ ه. ش.

ص: ۱۵

بخش اوّل اعمال عمرهٔ مُفرده

اشاره

۱- احرام

۲- طواف

۳- نماز طواف

۴- سعی

۵- تقصیر

۶- طواف نساء

۷- نماز طواف نساء

ص: ۱۶

ص: ۱۷

[کلیات مربوط به] عُمرهٔ مُفْرَده

معنای عمره

«عمره» در لغت به معنای زیارت است و در اصطلاحِ فقه، زیارت خانهٔ خداست، با آداب ویژهٔ آن.

اقسام عُمره

[۱] عمره بر دو قسم است، «تَمَتُّع» (۱) و «مُفرده» (۲) و هر یک از آنها، یا «واجب» است ویا «مستحب». (م ۱۷۱ و ۱۷۲ وص ۹۹)

۱- تمتّع: لـذت بردن، بهره‌منـد شـدن. نام نوعی از عمره و حـج است، و بدان‌جهت این نوع از عمره و حج را «تمتّع» نامیده‌اند که در مدتی که انسان از احرام عمره خارج می‌شود تا زمانی که بار دیگر برای حج محرم می‌شود، کارهایی که به سـبب احرام، حرام شده بود حلال می‌باشـد. این نوع از عمره و حـج وظیفـهٔ کسـانی است که از فاصـلهٔ بیش از ۱۶ فرسـخی مکّه برای انجـام اعمال به آنجا می‌روند.

۲- مُفرده: تک، یگانه، نوعی از عمره است که به تنهایی و جدای‌از حج انجام می‌شود.

ص: ۱۸

[۲] کسانی که از مکّه دور هستند (شانزده فرسخ شرعی و بیشتر از آن) و وظیفهٔ آنان «حج تمتّع» است، عمره‌ای که بر آنان واجب می‌شود، همراه با حج است و «عُمرهٔ تمتّع» نام دارد. (مناسک، ص ۹۶، اقسام حجّ)

[۳] کسی که می‌خواهد به شهر مکّه برود، واجب است با احرام وارد شود و برای احرام هم باید نیّت «عُمره» یا «حج» داشته باشد، و اگر وقت حج نیست، واجب است برای «عُمرهٔ مُفرده» محرم شود وبقیهٔ اعمال آن را بجا آورد (۱). (م ۱۷۲)

اعمال عمرهٔ مفرده

[۴] اعمال عُمرهٔ مُفرده به ترتیب عبارت است از:

* احرام

* طواف

* نماز طواف

* سعی

* تقصیر

* طواف نساء

* نماز طواف نساء (م ۱۷۵ و ۱۷۶)

۱- کسانی که شغلشان اقتضای آن را دارد که زیاد به مکه می‌روند، مانند رانندگان، از این حکم بیرونند.

ص: ۱۹

زمان انجام عمرهٔ مفرده

[۵] عمرهٔ مفرده زمـان معینی نـدارد و در تمام سال می‌توان آن را بجاآورد، ولی اگر فاصـلهٔ دو عمره کمتر از یک ماه باشـد، احتیاط آن است که عُمرهٔ دوّم را به قصد رَجاء (به امید مطلوب بودن و ثواب) بجا آورد. (۱) (م ۱۷۲ و ۱۷۳)

مکان اعمال عمرهٔ مفرده

[۶] مکانهایی که اعمال عمره در آنجا بجا آورده می‌شود، به‌طور اجمال بدین شرح است:

۱- آیـهٔ‌اللّه خـامنه‌ای: فاصـلهٔ معیّنی بین دو عمره شـرط نیست، ولی بنـابر احتیـاط در هر مـاه فقـط یک عمره برای خود می‌توانـد بجا آورد، ولی آوردن عمره برای غیر خود، هر نفر یک عمره جایز است.

آیات عظام فاضل، صافی، تبریزی، سیسـتانی، مکارم: اگر دو عمره در دو ماه باشـد مانعی ندارد، اگر چه یکی در آخر ماه و دیگری در اوّل مـاه بعـدی، ولی اگر بخواهـد در یک ماه دو عمره بجا آورد و هر دو برای خودش باشـد، عمرهٔ دوم را رجاءاً بجا آورد، ولی اگر آن دو عمره یا یکی از آنها برای شـخص دیگری باشـد، آیـهٔ‌اللّه صافی: اگر آن دو عمره برای دو نفر باشـد در یک ماه هم مانع ندارد.

آیـهٔ‌اللّه بهجت: افضل، بلکه‌احوط آن‌است که‌عمرهٔ‌دوّم در ماه دیگری غیر ازماهی باشـد که عمرهٔ‌اوّل را بجاآورده است یافاصـلهٔ بین آنها ده روز باشد، ولی اگر بخواهد یک عمره برای خود و یک عمره برای دیگری بجا آورد، فاصلهٔ یک ماه لازم نیست. و همچنین اگر هر دو عمره برای دیگری باشد.

ص: ۲۰

* احرام: در یکی از میقاتها؛ مثلًا جُحفه و مسجد شَجَره یا بیرون منطقهٔ حرم.

* طواف: در مسجدالحرام، به دور کعبه.

* نماز طواف: در مسجدالحرام، پشت مقام ابراهیم.

* سعی: فاصلهٔ بین دو کوهِ صفا و مروه، که امروزه به صورت سالنی ساخته شده است.

* تقصیر: مکان معینی ندارد.

* طواف نساء: در مسجدالحرام، به دور کعبه.

* نماز طواف نساء، در مسجد الحرام، پشتِ مقام ابراهیم. (مناسک)

تفصیل هر یک از اینها خواهد آمد.

ص: ۲۱

احرام

مکان احرام

[میقاتهای پنجگانه]

[۷] زائرانی که قبل از اعمال عمره، برای زیارت قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وائمهٔ بقیع علیهم السلام به مدینه می‌روند، آنگاه که روانـهٔ مکه می‌شوند، باید در مسـجد شَـجَره، که در نزدیکی مدینه و بر سـر راه مکّه واقع شده است، محرم شوند و کسانی که از جدّه به جُحفه می‌روند و از آنجا عازم مکّه می‌شوند، باید در جُحفه محرم شوند. (۱) (م ۲۰۰، اوّل و پنجم)

۱- بجز این دو مکان، جاهای دیگری نیز برای احرام مشخص شده است. مکانهایی که برای احرام مشخص شده، «میقات» نام دارد و عبارتند از:

مسجد شجره؛ در منطقهٔ ذوالحلیفه، نزدیک مدینه، برای کسانی که از مسیر مدینهٔ منوره به مکه می‌روند.

جُحفه؛ میقات کسانی است که از راه شام سوریه، لبنان و ... به مکه می‌رونـد و اکنون بسـیاری از زائران از جـدّه به جحفه می‌روند و از آنجـا محرم می‌شونـد همچون کاروانهای مـدینه بعـد که ابتـدا به مکّه می‌رونـد برای انجام عمره و سـپس به مـدینه می‌رونـد برای زیارت.

وادی عقیق؛ برای کسانی که از راه عراق و نجد به مکه می‌روند.

قرن المنازل: میقات کسانی است که از راه طائف به مکه می‌روند.

یَلَملَم؛ میقات اهل یمن و کسانی که از آن مسیر به مکه می‌روند.

ص: ۲۲

[۸] کسانی که با هواپیما به جدّه می‌روند، نمی‌توانند از جده یا تَنْعیم (۱) محرم شوند، بلکه باید به یکی از میقات‌ها؛ مثلًا جحفه بروند و از آنجا محرم شوند و اگر از مدینه بروند، باید از مسجد شجره محرم شوند. (م ۲۲۲)

[۹] اگر شخصی در مکه باشد و بخواهد عمرهٔ مفرده بجاآورد لازم است به خارج حرم؛ مثلًا تنعیم برود و از آنجا محرم شود. (م ۲۲۷)

[۱۰] کسانی که از مدینه به مکّه می‌روند، بنابراحتیاط واجب (۲)

۱- تنعیم نام محلّی است در ابتدای شهر مکّه و یکی از حدود منطقهٔ حرم‌است.

۲- آیات عظام تبریزی، مکارم، سیستانی، صافی: احرام در بیرون مسجد، طرف راست یا چپ آن نیز کفایت می‌کند، ولی بهتر است داخل مسجد محرم شود.

آیهٔاللّه خامنه‌ای: واجب است داخل مسجد محرم شوند.

آیهٔاللّه بهجت: باید در مسجد شجره و بنابراحتیاط واجب باید در قسمتی که از قدیم مسجد بوده است محرم شوند و بنا به تحقیق از اهل اطلاع، توسعهٔ مسجد در طرف راست و چپ و پشت به قبله بوده است، بنابر این در سمت محراب مسجد توسعه پیدا نکرده است و در صورتی که نتوانند در آن قسمت محرم شوند در طرف راست یا چپ همان قسمت محرم شوند و بنابر احتیاط واجب در جحفه یا محاذی آن تجدید احرام کنند.

ص: ۲۳

باید در داخل مسجد شجره مُحرم شوند و احرام در خارج مسجد، هرچند نزدیک آن باشد، صحیح نیست. (م ۲۰۲، ۲۰۵ و ۲۲۲)

[۱۱] در صحّت احرام، طهارت شرط نیست؛ یعنی کسی که وضو ندارد یا غسل بر عهده‌اش می‌باشد احرامش اشکال ندارد، پس زن حائض (۱) یا مُستَحاضَه هم می‌تواند در همان حال محرم شود ولی نسبت به احرام در مسجد شجره احکام خاصی دارد که در مسألهٔ بعد خواهد آمد. (م ۲۸۸)

وظیفهٔ زن حائض نسبت به احرام در مسجد شجره:

[۱۲] الف: می‌تواند بانذر قبل از میقات محرم شود؛ مثلًا در مدینه.

ب: اگر بانذر محرم نشده‌است می‌تواند (۲) درحال عبور از مسجد محرم شود ولی نباید در مسجد توقف کند. (م ۲۰۳ و ۲۱۷ و ۲۳۲)

ج: اگرنتواند درحال‌عبور درمسجد شجره‌محرم شودو نمی‌تواند تا وقت پاک شدن صبر کند، احتیاط واجب آن است که نزدیک

۱- برخی از احکام حائض در ص ۴۸ و برخی از احکام مستحاضه در ص ۵۳ خواهد آمد.

۲- به حاشیهٔ مسألهٔ ۱۰ مراجعه شود.

ص: ۲۴

مسجد مُحرم شود و در جُحْفَه یا مُحاذی (۱) آن احرام را تجدید کند (۲) و چنانچه حدود محاذات را تشخیص دهد و در تمام آن حد با نیت احرام لبّیک‌ها را تکرار کند، کفایت می‌کند. (م ۲۰۵ و ۲۳۰)

[۱۳] اگر زن حائض به گمان این‌که می‌توانـد در حال عبور از مسجدشـجره محرم شود، وارد مسـجد شـد ولی‌پس ازورودبه مسـجد متوجه شـد که نمی‌توانـد از در دیگر خـارج شود، بایـد فوراً از همـان دری که وارد شـده است خـارج شود و چنـانچه محرم شـده، احرامش صـحیح اسـت و اگر محرم نشـده، بایـد در حـال خـارج شـدن از مسـجد محرم شـود؛ یعنی به نیت احرام عمره، لبیک‌هـا را بگوید. (م ۲۳۴)

احرام از مُحاذی میقات

[۱۴] هر گاه انسان از راهی به مکه برود که از هیچ کدام از میقات‌ها عبور نکند باید از مُحاذی میقات محرم شود. (م ۲۰۷)

[۱۵] مُحاذی میقات برای کسی که به مکّه می‌رود جایی است که‌میقات به خطّ مستقیم در طرف راست یا چپ او باشد، به طوری

۱- به مسأله ۱۵ مراجعه شود.

۲- آیهٔ اللّه فاضل، آیهٔ اللّه صافی: باید نزدیک مسجد محرم شود و نیاز به تجدید احرام نیست.

آیهٔاللّه بهجت: باید طرف راست یا چپ مسجد محرم شود.

آیهٔاللّه خامنه‌ای: باید از جحفه یا محاذی آن محرم شود و می‌تواند با نذر شـرعی از منزل خود در مدینه احرام ببندد. به حاشیهٔ مسأله ۱۹ نیز مراجعه شود.

ص: ۲۵

که اگر از آنجا بگذرد، میقات متمایل به پشت سر او شود. (م ۲۱۳)

احرام قبل از میقات

[۱۶] محرم شدن (یعنی نیّت و گفتن لبیک‌ها) قبل از میقات صحیح نیست، ولی اگر نذر کند که پیش از میقات محرم شود، جایز است و باید از همانجا محرم شود، مثلًا نذر کند از مدینهٔ منوّره محرم شود. (م ۲۱۷)

[۱۷] نذر احرام برای زنی که عمره را به نیابت از دیگری انجام می‌دهد، اشکال ندارد. (م ۲۴۷)

[۱۸] در نذر باید صیغه خوانده شود و لازم نیست به عربی بخواند، پس اگر بگوید: «برای خداست بر من که از مدینه برای عمره محرم شوم» صحیح است. (توضیح المسائل، م ۲۶۴۱)

اجازهٔ شوهر برای نذر

[۱۹] زن شوهردار باید برای نذر از شوهرش اجازه بگیرد (۱)

۱- آیات عظام مکارم، سیستانی، بهجت، تبریزی: نذر زن اگر منافات با حقّ‌شوهر نداشته باشد، بدون اجازهٔ او هم صحیح است. آیهٔ‌اللّه خامنه‌ای: نذر زن برای احرام بستن قبل از میقات در غیاب شوهرش موقوف بر اذن او نیست ولی در صورت حضور شوهرش احتیاط آن است که بدون اذن او نذر نکند، پس اگر در این صورت نذر کند منعقد نمی‌شود.

ص: ۲۶

ولی اگر بعد از تمام شدن اعمال عمره بفهمد که بدون اجازهٔ شوهر، با نذر محرم شده، وقابل جبران نباشد عملش صحیح است.

(تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۸۸، م ۲ و مناسک م ۲۳۲ و ۳۴۶)

تأخیر احرام از میقات

[۲۰] تأخیر احرام از میقات، بدون عذر جایز نیست. (م ۲۱۸)

[۲۱] اگر بدون احرام از میقات بگذرد، پس اگر:

* میقات دیگری بعد از آن میقات وجود ندارد، واجب است برگردد و از همان میقات محرم شود.

* میقات دیگری بعد از آن وجود دارد؛ مثلًا از مسجد شجره گذشته است ولی میقات جُحفه در پیش است، باز هم بنابر احتیاط واجب (۱) باید برگردد به همان میقات و از آنجا محرم شود. (م ۲۱۹)

[۲۲] وظیفهٔ زن مُستحاضَه نسبت به احرام در مسجد شجره:

زن مستحاضه هم باید داخل مسجد شجره محرم شود و رفتن او به مسجد اشکال ندارد ولی اگر مستحاضهٔ متوسطه یا کثیره

۱- آیهٔالله سیستانی: کسی که بدون عذر از ذوالحلیفه مسجد شجره گذشته و به جحفه رسیده باشد، احرام از جحفه برای او کافی است، اگرچه گناهکار است.

آیات عظام خامنه‌ای، تبریزی، بهجت، صافی: در صورت‌امکان باید برگردد.

آیهٔالله مکارم: این احتیاط واجب نیست.

ص: ۲۷

است، احتیاط مستحب است برای رفتن به مسجد غسل کند. (العروۀالوثقی، ج ۱، ص ۲۵۳، م ۱۸)

احرام در میقات‌های دیگر

[۲۳] بجز مسجد شجره، در سایر میقات‌ها لازم نیست در مسجد محرم شود؛ مثلًا کسی که برای عمرۀ مفرده به جُحفه می‌رود می‌تواند در تمام جاهایی که جُحفه نامیده می‌شود محرم شود و کسی که از مکّه به تنعیم می‌رود لازم نیست داخل مسجدمُحرم شود بلکه احرام در خارج حرم، هرچند بیرون مسجد، صحیح است. (س ۲۳۶)

کیفیّت احرام

اشاره

[۲۴] مسائل احرام را به چهار دسته تقسیم می‌کنیم:

۱- واجبات ۲- مستحبات ۳- مکروهات ۴- محرّمات

واجبات احرام

اشاره

[۲۵] واجبات احرام برای بانوان دو چیز است.

۱- نیّت ۲- تَلْبِیَه (گفتن لَبّیک) (م ۲۵۱)

نیّت احرام

[۲۶] انسان، هنگام احرام باید به قصد انجام عمرۀ مفرده،

ص: ۲۸

اعمال را شروع کند و به همین نیّت، لبیک بگوید. (م ۲۵۱)

[۲۷] لازم نیست، نیّت را به زبان آورد، بلکه همین مقدار که بنا دارد اعمال عمرهٔ مفرده را آغاز کند و با همین قصد لبّیك بگوید کافی است و به عبارت دیگر، نیّت در عبادات و کارهای دیگر، در این جهت فرق ندارد، پس همان‌طور که انسان با قصد آب می‌خورد و راه می‌رود، اگر عبادت را همان‌طور بجا آورد، با نیّت بجا آورده است. (م ۵۳۹)

[۲۸] تمام اعمال عمره- حتّی احرام- از عبادات‌است و باید با نیّت خالص برای خداوند و بدون هرگونه ریا و خودنمایی انجام شود، ودر این جهت، عبادات با سایر کارها فرق دارد. (م ۲۵۳)

[۲۹] لازم نیست، هنگام نیت، قصد ترك مُحرّمات را نیز داشته باشد؛ یعنی لازم نیست که بنا داشته باشد محرّمات احرام را انجام ندهد (۱)، بجز محرّماتی که عمره را باطل می‌کند که این‌گونه محرّمات، اگر قصد ترك آنها را نداشته باشد، احرام باطل است، بلکه غیر ممکن است. (م ۲۵۱)

[۳۰] اگر به واسطهٔ ندانستن مسأله یا به جهتی دیگر به جای

۱- آیهٔ اللّه بهجت، آیهٔ اللّه صافی: لازم است قصد کند ترك کارهایی را که برمحرم حرام است.

آیهٔاللّه مکارم: نیّت احرام این است که قصد می‌کند تروك احرام را بر خود حرام کند و قصد اجمالی کافی است.

ص: ۲۹

نیت عمره، حج را قصد کند ولی در نظرش این باشد که همین کاری که همه به جا می‌آورند او هم بجا آورد، ولی گمان کرده که نامش حج است، احرامش صحیح است. (م ۲۵۷)

تَلْبِیَهْ

[۳۱] تلبیه؛ یعنی گفتن لبیک، و مقدار واجب آن، این جملات است:

«لَبَّیْکَ، اللّهُمَّ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ، لاشَرِیکَ لَکَ لَبَّیْکَ»

[۳۲] احتیاط مستحب (۱) است پس از آن بگوید:

«انَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَکَ وَالْمُلْکَ، لاشَرِیکَ لَکَ لَبَّیْکَ».

(م ۲۵۹)

[۳۳] مقدار واجب لبیک باید به عربی صحیح گفته شود. (م ۲۶۰)

[۳۴] اگر صحیح گفتن لبیک را نداند، باید سعی کند تا یاد بگیرد، یا هنگام احرام، شخص دیگری کلمه‌کلمه بگوید و او نیز به دنبال او به‌طور صحیح بگوید. (م ۲۶۱)

۱- آیهٔاللّه بهجت: بنا بر احتیاط واجب جملهٔ دوّم را نیز بگوید.

آیهٔاللّه صافی: احتیاط آن است جملهٔ دوم را نیز بگوید.

آیهٔاللّه مکارم: احتیاط واجب آن است که جملهٔ دوم را نیز بگوید، امّا در جملهٔ دوم لبیک پنجم را نگوید. البته گفتن آن به قصد احتیاط مانعی ندارد و در هر حال ضرری به صحت لبیک وارد نمی‌کند.

ص: ۳۰

[۳۵] اگر بدون گفتن لبیك از میقات بگذرد، باید به دستوری که در مسأله ۲۱ گذشت، عمل کند. (م ۲۶۶)

قطع تلبیه

[۳۶] کسی که برای عمرهٔ مفرده از میقات محرم شده است، وقتی که وارد منطقهٔ حرم شد، دیگر نباید لبّیک بگوید.

(العروة الوثقی، ج ۲، کتاب الحجّ، فی کیفیّة الاحرام، م ۲۱)

[۳۷] کسی که از داخل مکّه به بیرون حرم رفته و از آنجا محرم شده است وقتی که خانهٔ کعبه را دید، نباید لبّیك بگوید. (همان)

لباس احرام

[۳۸] بانوان می‌توانند در همان لباسی که بر تن دارند- در صورتی که دارای شرایط باشد- محرم شوند و بیرون آوردن لباسهای دوخته و پوشیدن دو تکه پارچه‌ای که مردانِ مُحرم می‌پوشند، واجب نیست. (م ۲۶۹، ۲۷۷)

[۳۹] لباس احرام باید شرایط لباس نمازگزار را داشته باشد و شرایط لباس بانوان در نماز، بدین شرح است:

* پاك باشد (نجس نباشد).
* مباح باشد (غصبی نباشد).
* از اجزای حیوان حرام گوشت نباشد؛ مثلًا از پوست پلنگ یا موی روباه تهیه نشده باشد.

ص: ۳۱

* از اجزای مردار نباشد؛ یعنی از پوست یا پشم یا موی حیوان مرده‌ای که به دستور اسلام ذبح نشده، تهیه نشده باشد.

(مناسک، م ۲۷۴ و توضیح المسائل، م ۷۹۸)

[۴۰] احتیاط واجب (۱) آن است که لباسِ احرامِ بانوان، از حریر خالص نباشد، بلکه احتیاط آن است که تا آخر احرام، حریر نپوشند. (م ۲۷۶)

[۴۱] اگر در حال احرام، بدن یا لباس محرم، نجس شود، بنا بر احتیاط واجب (۲) باید بدن را تطهیر و لباس را تطهیر یا تعویض کند. (م ۲۷۸)

[۴۲] اگر بدن یا لباس را تطهیر نکند، کفّاره ندارد و احرام او هم باطل نمی‌شود. (م ۲۷۹)

۱- آیات عظام خامنه‌ای، تبریزی، صافی، نباید از حریر خالص باشد.

آیۀاللّه بهجت: احتیاط مستحب است در جامۀ حریر محرم نشوند.

۲- آیۀاللّه بهجت: اگر بدن محرم نجس شود، از این جهت احرام اشکال‌ندارد و تطهیر آن از این جهت واجب نیست.

آیۀاللّه صافی: بنا بر احتیاط مستحب.

آیۀاللّه مکارم: واجب است.

آیۀاللّه سیستانی: تطهیر بدن واجب نیست.

آیۀاللّه فاضل: تطهیر بدن احتیاط مستحب است.

ص: ۳۲

مستحبّات احرام

قبل از احرام

[۴۳] پیش از محرم شدن، این کارها مستحب است:

۱- بدن خود را پاکیزه و موهای زاید را برطرف کند و ناخن خود را بگیرد.

۲- در میقات غسل کند، و این غسل از زن حائض، نفساء و مُستحاضه نیز صحیح است، و اگر خوف آن دارد که در میقات نتواند غسل کند، قبل از میقات؛ مثلًا در مدینه یا جدّه می‌تواند غسل کند و این غسل به نیّت غسل احرام انجام می‌شود.

اگر بعد از این غسل و پیش از احرام، یکی از مبطلات وضو از انسان سرزند، مستحب است دوباره غسل کند.

هنگام احرام

[۴۴] هنگام احرام این کارها مستحب است:

۱- در صورت امکان، پس از نماز ظهر مُحرم شود و اگر برایش امکان نداشت، پس از نماز واجب دیگر، و اگر آن هم ممکن نشد، پس از شش (۱) یا دو رکعت نماز مستحبّی.

۱- این نمازها، دو رکعتی و به نیّت نماز قبل از احرام خوانده می‌شود.

ص: ۳۳

۲- مستحب است در رکعت اول این نماز، پس از حمد، سورهٔ توحید (قل هو اللّه احد) و در رکعت دوم سورهٔ جَحْد (قل یا ایّها الکافرون) بخواند و خواندن شش رکعت افضل است.

۳- پس از نماز، حمد و ثنای الهی را بجا آورد و بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد. (م ۳۰۲)

مستحبّات تلبیه

[۴۵] پس از گفتن مقدار واجب تلبیه و آنچه احتیاط است، مستحب است بگوید:

«لَبَّیْکَ ذَا الْمَعارِجِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ داعِیاً إلَی دارِ السَّلام لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ غَفّارَ الذُّنُوب لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ أهْلَ التَّلْبِیَةِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ ذَا الْجَلالِ وَ الْاکْرام لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ تُبْدِئُ وَ الْمَعادُ إلَیْکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ تَسْتَغْنِی و یُفْتَقَرُ إلَیْکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ مَرْهُوباً وَ مَرْغُوباً إلَیْکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ إلَهَ الْحَقِّ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ ذَا النَّعْماءِ وَ الْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِیلِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ کَشّافَ الْکُرَبِ الْعِظامِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدَیْکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ یا کَرِیمُ لَبَّیْکَ».

۴- مستحب است تلبیه را در حال احرام تکرار کند، و برای هفت مرتبه گفتن لبیک، ثواب زیادی ذکر شده است. و لازم نیست آنچه را در حال احرام بستن گفته است تکرار کند، بلکه کافی است

ص: ۳۴

بگوید

«لَبَّیْکَ اللّهُمّ لَبَّیْکَ»

یا تنها کلمهٔ «لَبَّیْکَ» را تکرار کند. (م ۲۶۷)

[۴۶] تکرار لبیک، در این موارد بیشتر سفارش شده است:

* وقت برخاستن از خواب.

* بعد از هر نماز واجب یا مستحب.

* وقت رسیدن به شخص سواره.

* هنگام بالا رفتن از بلندی (تل) یا سرازیر شدن از آن.

* وقت سوار شدن یا پیاده شدن.

* آخر شب.

* هنگام سحر. (م ۳۰۲)

[۴۷] تکرار تلبیه بر زن حائض و نفساء نیز مستحب است. (م ۳۰۲)

مکروهات احرام

[۴۸] برای احرام و بر شخص مُحرم این کارها مکروه است:

۱- حنا بستن (۱) پیش از احرام، چنانچه اثرش تا وقت احرام

۱- آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه مکارم؛ اگر به قصد آرایش و زینت باشد بنا بر احتیاطواجب جایز نیست.

آیهٔاللّه مکارم: اگر قصد زینت داشته باشد اشکال دارد و فرقی بین حنا و رنگهای امروزی نیست.

آیهٔاللّه بهجت: حنا بستن پیش از احرام جایز است، هرچند اثر آن تا حال احرام باقی بماند.

ص: ۳۵

باقی می‌ماند.

۲- احرام در لباس سیاه، (۱)و بهتر آن است که لباس احرام سفید باشد.

۳- احرام، در لباس چرکین.

۴- احرام در لباس راه‌راه.

۵- لبیک گفتن (۲) در جواب کسی که او را صدا می‌کند.

۶- حمام رفتن (۳) در حال احرام و بهتر آن است که با کیسه و مانند آن بدن خود را نساید.

۷- خوابیدن بر رخت وبالش زرد رنگ در حال احرام. (م ۳۰۳)

۱- آیهٔاللّه سیستانی، آیهٔاللّه تبریزی: بلکه احوط ترک آن است.

۲- آیهٔاللّه سیستانی، آیهٔاللّه تبریزی: بلکه احوط ترک آن است.

۳- آیهٔاللّه مکارم: کراهت حمام رفتن ثابت نیست ولی بدن خود را با کیسه ومانند آن نساید.

آیهٔاللّه تبریزی: اولی و احوط آن است که مُحرم، بدن خود را با کیسه و مثل آن نساید.

ص: ۳۶

مُحرَّمات احرام

[۴۹] بانوان، پس از نیّت و گفتن لبّیک، محرم هستند و در مدت احرام باید از کارهایی که بر آنها حرام است پرهیز کنند.

[۵۰] مجموع محرّمات احرام برای بانوان، بیست‌تاست که فهرست آنها را در ذیل می‌آوریم و در بخش دوّم کتاب به شرح و توضیح و بیان احکام آن دسته از محرّماتی که بیشتر مورد ابتلا است می‌پردازیم. (۱)

[۵۱] آنچه بر بانوان در حال احرام حرام است، فهرست‌وار عبارتند از:

۱- استعمال عطریات.

۲- نگاه کردن در آینه.

۳- انگشتر به دست کردن و پوشیدن زیور برای زینت.

۴- حنا بستن.

۵- روغن مالیدن به بدن.

۶- زدودن مو از بدن.

۷- سرمه کشیدن.

۸- ناخن گرفتن.

۱- برای آشنایی با احکام محرمات احرام به بخش دوّم ص ۱۱۳ به بعد مراجعه فرمایید.

ص: ۳۷

۹- پوشاندن صورت.

۱۰- بیرون آوردن خون از بدن.

۱۱- کشیدن دندان.

۱۲- فسوق (دروغ، فحش، فخرفروشی).

۱۳- جدال (گفتن «لاواللّه» و «بَلی واللّه»).

۱۴- کشتن جانورانی که در بدن ساکن می‌شوند؛ مانند شپش و کنه.

۱۵- کندن درخت و گیاه حرم.

۱۶- سلاح همراه داشتن.

۱۷- شکار حیوان صحرایی.

۱۸- آمیزش، یا هرگونه استفادهٔ شهوانی دیگر؛ مانند لمس، بوسه و نگاه از روی شهوت.

۱۹- عقد کردن.

۲۰- استمنا. (۱)

۱- استمنا؛ کاری است که سبب بیرون آمدن مَنی از انسان می‌شود.

ص: ۳۸

حرکت به سوی مکّه

اشاره

زائران، پس از آنکه در میقات مُحرم شدند، برای انجام بقیهٔ اعمال عمره، روانه، مکّه می‌شوند. نزدیک شهر مکّه، ابتدا به منطقهٔ حرم می‌رسند. (۱) برای وارد شدن به حرم و شهر مکّه و مسجدالحرام ادعیه و آداب بسیاری در کتاب‌های مناسک و دعا وارد شده است که در اینجا برخی از آنها را که به‌طور غالب انجام آنها برای زائران ممکن است، می‌آوریم و کسانی که علاقه‌مند به آشنایی و عمل به تمام مستحبّات می‌باشند، به کتاب‌های مفصل مراجعه فرمایند.

دعای وارد شدن به منطقهٔ حرم

[۵۲] در ابتدای ورود به منطقهٔ حَرَم، خواندن این دعا مستحب است:
«اللّهُمَّ إنَّکَ قُلْتَ فِی کِتابِکَ وَقَوْلُکَ الْحَقُّ: وَ أَذِّنْ فِی النّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجالًا وَ عَلی کُلِّ ضامِرٍ یَأْتِینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ.

۱- یکی از حدود حرم، تنعیم است و اکنون شهر مکه از طرف تنعیم، توسعهٔبیشتری یافته و از حرم بیرون شده است.

ص: ۳۹

اللّهُمَّ إنّی ارْجُو انْ اکُونَ مِمَّنْ اجابَ دَعْوَتَکَ، وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِیدَةٍ وَفَجٍّ عَمِیقٍ سامِعاً لِنِدائِکَ وَمُستَجِیباً لَکَ مُطِیعاً لِامْرِکَ وَکُلُّ ذلِکَ بِفَضْلِکَ عَلَیَّ وَاحْسانِکَ إلَیَّ فَلَکَ الْحَمْدُ عَلی ما وَفَّقْتَنِی لَهُ أَبْتَغِیْ بِذلِکَ الزُّلْفَةَ عِنْدَکَ وَالْقُرْبَةَ إلَیْکَ وَالْمَنْزِلَةَ لَدَیْکَ وَالْمَغْفِرَةَ لِذُنُوبِی وَالتَّوْبَةَ عَلَیَّ مِنْها بِمَنِّکَ. أَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَرِّمْ بَدَنِی عَلَی النَّارِ وَآمِنِّی مِنْ عَذابِکَ وَعِقَابِکَ بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ».

مستحبات مسجدالحرام

[۵۳] برای وارد شدن به مسجدالحرام، این کارها مستحب است:

۱- برای رفتن به مسجدالحرام غسل کند.

۲- پابرهنه و با آرامش و وقار وارد مسجد شود.

۳- بر در مسجد بایستد و بگوید:

«السَّلامُ عَلَیْکَ أَ یُّهَا النَّبِیُّ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَکاتُهُ، بِسْمِ اللّهِ وَبِاللّهِ وَما شاءَ اللّهُ، السَّلامُ عَلی أَ نْبیاءِ اللّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلامُ عَلی رَسُولِ اللّهِ، السَّلامُ عَلی إبْراهِیمَ خَلِیلِ اللّهِ، وَالْحَمْدُ للّهِ رَبِّ الْعالَمِیْنَ».

۴- پس از ورود به مسجدالحرام، رو به کعبه کرده، دست‌ها را

ص: ۴۰

بلند کند و بگوید:

«أللَّهُمَّ إنِّی أَسْأَ لُکَ فِی مَقَامِی هَذَا وَفِی أوَّلِ مَنَاسِکِی أنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِی وأَنْ تَتَجَاوَزَ عَنْ خَطِیئَتی وَأنْ تَضَعَ عَنِّی وِزْرِی، أَلْحَمْدُ للّهِ الَّذِی بَلَّغَنِی بَیْتَهُ الْحَرَامَ أللَّهُمَّ إنِّی أشْهَدُ أنَّ هَذَا بَیْتُکَ الْحَرامُ الَّذِی جَعَلْتَهُ مَثابَةً لِلنَّاسِ وَأمْناً مُبارَکاً وَهُدیً لِلْعَالَمِینَ أللَّهُمَّ إنِّی عَبْدُکَ وَالْبَلَدَ بَلَدُکَ وَالْبَیْتَ بَیْتُکَ، جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَکَ وَأَؤُمُّ طَاعَتَکَ مُطِیعاً لِأَمْرِکَ رَاضِیاً بِقَدَرِکَ أَسْأَ لُکَ مَسْأَ لَةَ الْفَقِیرِ إلَیْکَ الْخائِفِ لِعُقُوبَتِکَ أللَّهُمَّ افْتَحْ لِی أَبْوابَ رَحْمَتِکَ واسْتَعْمِلْنِی بِطَاعَتِکَ وَمَرْضَاتِکَ».

۵- وقتی که نزدیک حجرالاسود رسید، دست‌های خود را بلند کند و حمد و ثنای الهی را به جای آورد و بر پیامبر صلوات بفرستد، و از خداوند قبولی اعمال خود را طلب کند.

۶- به حجرالاسود اشاره کند و بگوید:

«أَللَّهُمَّ أَمَانَتِی أَدَّیْتُهَا وَمِیثَاقِی تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِی بِالْمُوَافَاةِ أَللَّهُمَّ تَصْدِیقاً بِکِتَابِکَ وَعَلَی سُنَّةِ نَبِیِّکَ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ أَشْهَدُ أنْ لَا إلَهَ إلَّا اللّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللّهِ وَکَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّی وَعِبادَةِ الشَّیْطانِ وَعِبادَةِ کُلِّ نِدٍّ یُدْعَی مِنْ دُونِ اللّهِ».

ص: ۴۱

طواف

اشاره

[۵۴] کسی که برای انجام عمره محرم شده و وارد مکه می‌شود، باید به نیّت طواف، هفت مرتبه به دور خانهٔ کعبه، که در مسجدالحرام است، بگردد. (مناسک، ص ۲۱۶ و م ۵۳۱)

واجبات طواف

[۵۵] برای طواف، واجباتی را برشمرده‌اند که برخی از آنها از شرایط طواف‌کننده و برخی جزو حقیقت و کیفیت طواف است و اما شرایط طواف کننده بدین شرح است:

* نیّت (طواف را باید با قصد خالص برای خدا به جای آورد).

* طهارت از حدث (با وضو باشد و غسلی بر عهدهٔ او نباشد).

* بدن و لباسش پاک باشد.

* بدن را با لباسِ دارای شرایط بپوشاند.

و آنچه جزو حقیقت و کیفیت طواف است که در واقع شرایط طواف می‌باشد اینهاست:

ص: ۴۲

* شروع طواف از حجرالاسود و ختم آن به حجرالاسود.

* حفظ موالات بین دورهای طواف.

* در طرف چپ بودن کعبه به هنگام طواف.

* وارد نشدن به حجر اسماعیل در حال طواف.

* طواف کردن در فاصلهٔ مقام ابراهیم و کعبه.

* بیرون بودن از کعبه.

* هفت دور طواف کردن. (مناسک، ص ۲۱۸، واجبات طواف)

احکام واجبات طواف

نیّت

[۵۶] طواف از عبادات است و باید برای اطاعت خداوند انجام شود و از هرگونه ریا و خودنمایی به دور باشد.
(م، اول از واجبات طواف و مسأله ۵۴۰)

[۵۷] همانگونه که در نیّت احرام گفته شد، به زبان آوردن نیّت لازم نیست. بلکه، همینکه بنا دارد برای اطاعت خداوند طواف عمره بجا آورد، کفایت می‌کند. (م ۵۳۹)

طهارت از حدث

[نیاز طواف به طهارت]

[۵۸] برای آشنایی با احکام این شرط، لازم است اقسام طواف شناخته شود.

ص: ۴۳

طواف بر دو نوع است: واجب و مستحب.

۱- طواف واجب؛ جزئی از اعمال عمره یا حج است- هرچند عمره یا حج مستحبی باشد. و آن چهار تا است:

* طواف عمرهٔ تمتّع

* طواف عمرهٔ مفرده

* طواف حج (طواف زیارت)

* طواف نساء

۲- طواف مستحب؛ جدای از اعمال عمره و حج انجام می‌شود، یعنی هفت دور گشتن به دور کعبه، قربةً الی اللّٰه، که یکی از کارهای مستحب در مکه است و هرچه انسان بتواند طواف کند خوب است. (م ۵۴۷)

[۵۹] کسی که طواف واجب انجام می‌دهد، باید از حدث اکبر؛ مثل حیض‌ونفاس (۱) وجنابت پاک باشد و با وضو طواف کند. (م ۵۴۵)

[۶۰] کسی که عمرهٔ مستحبی بجا می‌آورد، چون با شروع این اعمال، اتمام آن واجب می‌شود، باید با طهارت طواف کند. (همان)

[۶۱] در طواف مستحبی، طهارت شرط نیست، پس کسی که جنب، حائض یا نفساء (۲) است، جایز نیست به مسجدالحرام برود،

۱- ایّام عادت ماهانه قاعدگی ایام حیض بانوان است، و ایّامی که پس از زایمان خونی می‌بینند، ایّام نفاس است.

۲- به زنی که در ایّام حیض است حائض و زنی که پس از زایمان خون‌می‌بینند، نَفْساء گفته می‌شود و احکام حیض در ص ۴۸ خواهد آمد.

ص: ۴۴

پس، از این جهت نمی‌تواند، طواف بجا آورد. (م ۵۴۶)

[۶۲] اگر انسان بدون طهارت، طواف واجب انجام دهد، باطل است؛ چه از روی عمد باشد، یا از روی غفلت و فراموشی و یا به جهت ندانستن مسأله. (م ۵۴۸ و ۶۳۲)

[۶۳] در بین اعمال عمره، تنها طواف و نماز طواف است که نیاز به طهارت دارد. در سایر اعمال، اگر انسان با طهارت باشد بهتر است.

[۶۴] زن حائض یا نفساء، بعد از پاک شدن از حیض یا نفاس باید برای انجام طواف و نماز غسل کند و وضو هم بگیرد (۱) و اگر نتواند غسل (۲) کند، باید به جای آن تیمم کند و وضو هم بگیرد (۳) و اگر نتواند وضو بگیرد باید به جای آن نیز تیمّم کند. (۴) (تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۵۴ و ۶۲ و مناسک، م ۵۵۲)

شک در طهارت

[۶۵] کسی که در طهارت شک کند، اگر:

۱- آیات عظام تبریزی، سیستانی، مکارم: لازم نیست وضو بگیرد.

۲- آیةاللّه مکارم، اگر عذر داشته باشد و نتواند صبر کند تا عذر برطرف شود.

۳- آیةاللّه سیستانی، آیةاللّه مکارم: لازم نیست وضو بگیرد.

۴- آیةاللّه تبریزی: در صورتی که نتواند غسل کند و مأیوس شود از توانایی بر غسل، واجب است با تیمم طواف کند و احتیاط مستحب است، نایب نیز بگیرد.

ص: ۴۵

* شک کند وضو گرفته یا نه، باید وضو بگیرد.

* شک کند غسل کرده یا نه باید غسل کند.

* با وضو بود و شک کند وضویش باطل شده یا نه لازم نیست وضو بگیرد.

* قبلًا پاک بوده ولی‌شک دارد حدث‌اکبر حاصل شده یا نه؛ مثلًا نمی‌داند حائض شده یا نه-- لازم نیست غسل کند.

* پس از طواف شک کند، طواف را با طهارت انجام داده یا نه (۱)-- طوافش صحیح است ولی برای اعمال بعدی که نیاز به طهارت دارد، باید طهارت تحصیل کند.

* در بین طواف، شک کند حدثی از او سر زده یا نه؛ مثلًا شک کند وضویش باطل شده یا نه، یا شک کند حائض شده یا نه-- به‌شک خوداعتنانکند و بنا بر طهارت بگذارد.

* در بین طواف شک کند وضو داشته یا نه (۲)-- اگر پس از

۱- آیهٔاللّه تبریزی: اگر بعد از حدث اصغر مُبطل وضو شک کند در این که‌قبل از طواف غسل کرده یا نه، باید غسل کرده و طواف را اعاده کند و برای اعمال بعدی وضو بگیرد.

۲- آیهٔاللّه صافی: در این صورت باید وضو بگیرد و بعد طواف را از سربگیرد، چه قبل از تمام شدن دور چهارم باشد یا بعد از آن.

آیهٔاللّه خامنه‌ای، آیهٔاللّه تبریزی: اگر سابقهٔ طهارت داشته، به شک خود اعتنا نکند و الّا بهتر است طواف را با طهارت از سر بگیرد.

آیهٔاللّه بهجت: حکم شک در طهارت در اثنای نماز را دارد.

آیهٔاللّه سیستانی: و سابقهٔ طهارت نداشته باشد، [یعنی می‌داند قبل از طواف وضو نداشته ولی شک دارد برای طواف وضو گرفته یا نه]

آیهٔاللّه مکارم: و حالت سابقهٔ خود را از وضو و حدث نداند، [یعنی نداند قبل از طواف وضو داشته یا نه]

آیهٔاللّه فاضل: اگر در بین طواف شک کند که وضو داشته یا خیر، مسأله سه صورت دارد، اوّل: حالت سابق خود را بداند که طاهر بوده در این فرض جایز است طواف را تمام کند. و برای اتمام آن وضو واجب نیست و اعادهٔ طواف نیز لازم نیست و در این صورت فرقی نیست که شک بعد از دور چهارم عارض شده باشد یا قبل از آن. دوّم: حالت سابق خود را بداند که‌محدث بوده، در این فرض ظاهراً هر مقدار طوافی که انجام داده محکوم‌به بطلان است چه شک بعد از دور چهارم عارض شده باشد یا قبل از آن، و باید بعد از وضو از نو طواف کند. سوم: حالت سابق خود را نداند، که در این صورت به احتیاط واجب پس از وضو طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند و پس از آن طواف و نماز آن را اعاده کند و در این صورت فرقی نیست که شک بعد از دور چهارم یا قبل از آن عارض شده باشد.

ص: ۴۶

کامل شـدن دور چهارم؛ مثلًا در دور شـشم شک کنـد، بایـد طواف را رها کنـد و وضو بگیرد و طواف را از همانجا ادامه دهـد و به پایان ببرد. (۱) و اگر قبل از تمام شـدن دور چهارم شک کند، (۲) بنابراحتیاط واجب پس از وضو، آن طواف را تکمیل کنـد (۳) و دوباره انجام دهد.

۱- آیۀاللّه مکارم: و سپس اعاده کند.

۲- آیۀاللّه مکارم: طواف او باطل است.

۳- آیۀاللّه سیستانی: اتمام لازم نیست، بلکه اعاده کند.

ص: ۴۷

* در بین طواف، شک کنـد که غسل کرده یا نه؛ مثلًا قبلًا حائض‌بوده و از خون پاک شـده است و نمی‌داند غسل کرده است یا نه-- باید فوراً از مسـجد خارج شود، (۱) پس اگر دور چهـارم طواف را تمام کرده بود، پس از غسل، بقیـهٔ آن را بجاآورد (۲) و صحیح است، هر چنـد احتیاط مسـتحب است، طواف‌رااز‌سـربگیرد واگر قبل از تمام شـدن دور چهارم، شک کرده است بعـدازغسل، طواف رااز سربگیرد. (م ۵۵۵ تا ۵۵۸)

[۶۶] در تمـام مواردی که گفته شـد، بنا بر طهارت بگـذارد، یا طواف صـحیح است، بهتر است تجدیـد وضو کنـد و رجاءاً غسل بجا آورد، چون ممکن است، بعداً معلوم شود وضو یا غسل نداشته و اشکال پیدا شود. (م ۵۵۹)

وظیفهٔ حائض

[۶۷] یکی از خونهایی که زن از خود می‌بیند، خون

۱- آیات عظام صافی، خامنه‌ای، تبریزی، بهجت: در هر صورت باید پس ازغسل، طواف را از سر بگیرد.
آیـهٔ‌اللّه سیسـتانی: برای خارج شدن از مسـجد، اگر تیمم کردن کمتر از بیرون رفتن وقت می‌گیرد باید فوراً تیمم کند و بیرون رود و چنانچه تیمم کردن بیشتر از بیرون رفتن وقت می‌گیرد، باید فوراً بیرون رود و بقیه کارها را مطابق متن انجام دهد.
۲- آیهٔ‌اللّه فاضل: و به احتیاط واجب طواف را اعاده کند.

ص: ۴۸

قاعدگی (حیض) است و زن را در مدّتی که خون می‌بیند «حائض» می‌گویند. (توضیح المسائل، ص ۵۵)

احکام حیض، به طور مفصّل در رساله‌های توضیح المسائل آمده است ولی از آنجا که ممکن است، بانوان در ایامی که در مکّه هستند دسترسی به توضیح المسائل نداشته باشند، به طور مختصر به نشانه‌ها و برخی از احکام آن اشاره می‌کنیم و سپس به بیان وظیفهٔ بانوان حائض نسبت به طواف و نماز می‌پردازیم.

[۶۸] نشانه‌های خون حیض بدین شرح است:

* قبل از بلوغ دیده نمی‌شود و اگر دختری قبل از بلوغ خونی ببیند حکم حیض ندارد. (۱)

* زنهای سیّده پس از ۶۰ سالگی و زنهای غیر سیّده پس از ۵۰ سالگی، خون حیض نمی‌بینند و چنانچه پس از آن سنین خونی ببینند حکم حیض ندارد. (۲)

۱- ممکن است دختری بالغ باشد ولی خونریزی قاعدگی نداشته باشد چون وراثت و تغذیه و آب و هوا نیز در این مسأله تأثیر دارد.

۲- آیهٔ‌اللّه تبریزی: واجب است بر زنهای غیر سیده و زنهای سیّده بعد از تمام شدن ۵۰ سال تا تمام شدن ۶۰ سال چنانچه با نشانه‌های حیض یا در روزهای عادت خون ببیند احتیاط کنند.

آیهٔ‌اللّه سیستانی: خونی که زنها پس از تمام شدن ۶۰ سال می‌بینند حکم حیض را ندارد و احتیاط مستحب آن است که زنهایی که قرشیه [سیّده] نیستند بعد از تمام شدن ۵۰ سال تا تمام شدن ۶۰ سال چنانچه خون را طوری ببینند که اگر پیش از ۵۰ سال می‌دیدند قطعاً حکم حیض را داشت میان کارهای مستحاضه و تروک حائض جمع نمایند.

ص: ۴۹

* دورهٔ قاعدگی کمتر از سه روز نیست، پس اگر جریان خون قبل از سه روز قطع شود حکم حیض ندارد.

* دورهٔ قاعدگی بیش از ده روز طول نمی‌کشد و چنانچه خونریزی بیش از ده روز طول بکشد، پس از ده روز حکم حیض ندارد.

* خونریزی در سه روز اوّل به طور مستمر می‌باشد (۱)- هر چند در داخل، خون باشد و بیرون نیاید- پس اگر مثلًا دو روز خون ببیند سپس به طور کامل قطع شود و یک روز دیگر دوباره خون ببیند، (۲) از آغاز حیض نبوده است.

* فاصلهٔ دو حیض حداقل ده روز می‌باشد، (۳) پس اگر بعد از تمام شدن دورهٔ قاعدگی قبل از آن که ده روز فاصله شود خون ببیند، خون دوّم حکم حیض را ندارد. (۴)

۱- آیهٔاللّه بهجت: قید «هر چند در داخل خون باشد و بیرون نیاید» را ندارد.

۲- آیهٔاللّه صافی: بنابر احتیاط لازم در روزهایی که خون می‌بینند باید جمع کند میان کارهای مستحاضه و تروک حائض و در روزهایی که خون نمی‌بیند، هم کارهایی که بر حائض حرام است ترک کند و هم عبادتهای خود را بجا آورد.

۳- نظر آیهٔاللّه بهجت یافت نشد.

۴- مگر آنکه ابتدا سه روز یا بیشتر خون ببیند و پاک شود و دوباره چند روزی خون ببیند و مجموع خونریزی اوّل و دوّم و پاکی در وسط بیش از ده روز نباشد.

ص: ۵۰

* خون حیض معمولًا غلیظ و گرم و پر رنگ (۱) است و با فشار و کمی سوزش می‌آید.

(العروهٔ الوثقی، ج ۱، ص ۳۱۵ و ۳۱۶؛ توضیح المسائل، م ۴۳۴ تا ۴۴۱)

احکام دوران قاعدگی

[۶۹] در مدّت قاعدگی، این کارها بر بانوان حرام است:

* نماز و طواف کعبه.

* کارهایی که بر جنب حرام است؛ مانند توقّف در مسجد.

* آمیزش با همسر، برای زن و مرد، هر دو حرام است. (توضیح المسائل، م ۴۵۰)

[۷۰] نمازهایی که بانوان در حال حیض نخوانده‌اند قضا ندارد ولی قضای روزه‌های واجب را باید پس از ماه مبارک رمضان بجاآورند. (توضیح المسائل، م ۴۶۹)

وظیفهٔ زن پس از قطع خونریزی

[۷۱] بانوان پس از پایان دورهٔ قاعدگی و قطع خونریزی، باید غُسل حیض بجا آورند و نماز و سایر عبادتهای خود را انجام دهند. (توضیح المسائل، م ۴۶۶)

۱- آیات عظام سیستانی، صافی، تبریزی، مکارم: رنگ آن سیاه یا سرخ است.

ص: ۵۱

[۷۲] بـا غسـل حیض به تنهایی نمی‌توان نماز خوانـد، یا طواف واجب بجا آورد، بلکه به علاوهٔ غسل، وضو هم لازم است (۱) و اگر پیش از غسل وضو بگیرد بهتر است.

(توضیح المسائل، م ۴۶۶)

وظیفهٔ حائض نسبت به طواف

[۷۳] اگر زنی پس از احرام عمره و قبل از طواف حائض شود مسأله دو صورت دارد:

۱- اگر می‌تواند تا زمان پاک شدن از خون در مکّه بماند، باید صبر کند تا از خون پاک شود. سپس بقیهٔ اعمال عمره را بجا آورد.

۲- اگر می‌دانـد که نمی‌توانـد صبر کنـد یا صبر کرد ولی تا آخر وقتی که می‌تواند در مکّه بماند، پاک نشد، برای طواف و نماز آن نـایب بگیرد و پس از آنکه نـایب، طواف عمره و نمـاز آن را بجـا آورد، سـعی را خودش بجا آورد و تقصـیر نمایـد و سـپس نایبش طواف نساء و نماز آن را از طرفش انجام دهد.

(تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۰۸، م ۷)

۱- آیات عظام سیستانی، تبریزی، فاضل، مکارم: وضو لازم نیست ولی بهتر آن‌است که وضو هم بگیرد.

ص: ۵۲

جلوگیری از عادت ماهانه

[۷۴] خوردن قرص برای جلوگیری از عادت ماهانه یا عقب انـداختن آن در ایام عمره، چنانچه برای بدن ضـرر نداشـته باشد اشـکال ندارد. (استفتاآت، ج ۱، ص ۴۷۰، س ۱۱۱)

[۷۵] خانمی که برای‌جلوگیری ازعادت ماهانه قرص می‌خورد، و گاهی در ایام عادت لکه‌های زردرنگ می‌بینـد که نمی‌دانـد خون است یا نه، حکم خون ندارد، و اعمال عمرهٔ او صحیح است.

وچنانچه بدانـد این لکه خون است ولی حداقل سه روز به‌طور مسـتمر و متصل به هم نباشد، حکم اسـتحاضه را دارد و باید به وظیفهٔ مُستحاضه (۱) عمل‌کند. (استفتاآت، ج ۱، ص ۷۱، س ۱۶۷ و مناسک، س ۷۳۶)

[۷۶] خـانمی که به جهت خـوردن قرص نظم عـادت ماهـانه‌اش به هم می‌خورد، به طوری که گـاهی در مـدت طولانـی خون و لکه می‌بیند، اگر طوری است که خون حداقل سه روز اسـتمرار دارد، هرچند بیرون نیاید ولی در داخل آلوده به خون باشد، حکم حیض دارد و اگر کمتر از سه روز ادامه دارد، یا به‌طور مستمر نیست؛ یعنی گاهی آلودگی وجود دارد و گاهی وجود ندارد باید به وظایف مستحاضه عمل کند. (۲) (س ۷۲۰)

۱- وظیفهٔ مستحاضه در صفحهٔ بعد خواهد آمد.

۲- آیهٔ‌اللّه صافی: در صورتی که سه روز اول، پشت سر هم نباشد، مثل آنکه دو روز خون ببیند و یک روز پاک شود و دوباره یک روز خون ببینـد، بنـا بر احتیـاط واجب در روزهایی که خون می‌بینـد بایـد جمع کنـد میان کارهای مسـتحاضه و تروک حائض و در روزهایی که خون می‌بیند، هم کارهایی که بر حائض حرام است ترک کند و هم عبادت‌های خود را بجا آورد.

ص: ۵۳

وظیفهٔ مُستحاضه نسبت به طواف و نماز

اشاره

[۷۷] یکی دیگر از خونهایی که گاهی اوقات، زنها از خود می‌بینند، «استحاضه» است، و به خانمی که خونریزی استحاضه دارد «مُستَحاضه» می گویند. (توضیح المسائل، ص ۵۰)

[۷۸] خون استحاضه، معمولًا زرد رنگ و سرد است و بدون فشار بیرون می‌آید و غلیظ نیست ولی ممکن است گاهی پررنگ و گرم و غلیظ باشد و با فشار بیرون آید.

(توضیح المسائل، م ۳۹۲)

[۷۹] خونریزی استحاضه از نظر مدّت، حدّ ندارد و ممکن است یک لحظه باشد و امکان دارد از ده روز هم بگذرد، و بانوان در سن یائسگی هم ممکن است، خونریزی استحاضه داشته باشند. (تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۵۶، فصل فی الاستحاضه)

اقسام استحاضه

اشاره

[۸۰] خون استحاضه بر اساس کمی و زیادی آن به سه دستهٔ

ص: ۵۴

قلیله، متوسّطه و کثیره، (۱) تقسیم می‌شود و بر اساس همین تقسیم وظیفهٔ زن نیز متفاوت است.

مستحاضهٔ قلیله

[۸۱] اگر جریان خون، تنها یک طرفِ پنبه‌ای را که برای تشخیص مقدار خون گذاشته است آلوده کرده و به درون آن نفوذ کرده باشد، ولی از طرف دیگر ظاهر نشده، قلیله است (۲) و باید برای طواف، یا نماز، یا سایر عبادتهایی که نیاز به طهارت دارد، بدن را تطهیر کرده (۳) و بنابر احتیاط واجب پنبه را عوض کند و وضو بگیرد. (۴) بنابراین استحاضهٔ قلیله، غسل ندارد.

(توضیح المسائل، م ۳۹۳ و ۳۹۴)

۱- آیهٔالّله مکارم: استحاضه فقط دو قسم است: قلیله و کثیره.

۲- آیات عظام صافی، تبریزی، بهجت، سیستانی: خون فقط روی پنبه را آلوده کند و در آن فرو نرود.

آیهٔالّله مکارم: ولی از طرف دیگر خارج نشود، خواه خون در پنبه فرو رود یا نه.

۳- آیهٔالّله سیستانی: بنابر احتیاط مستحب، پنبه را آب بکشد یا عوض کند.

آیهٔالّله صافی: باید پنبه را عوض کند.

۴- آیهٔالّله مکارم: باید زن برای هر نماز یک وضو بگیرد بنابر احتیاط واجب و واجب است از سرایت خون به سایر اعضا جلوگیری کند، امّا عوض کردن پنبه و دستمال واجب نیست هر چند احتیاط است.

ص: ۵۵

مستحاضهٔ متوسّطه

[۸۲] اگر خونریزی به قدری است که (۱) به درون پنبه نفوذ کرده و از طرف دیگر آن ظاهر شده ولی لباس یا پارچهٔ روی پنبه را آلوده نکرده باشد، استحاضهٔ متوسّطه است و زن باید برای نماز، افزون بر وظایفی که برای قلیله گفته شد، (۲) برای نمازی که قبل از آن،

۱- آیات عظام تبریزی، صافی، سیستانی: خون در پنبه فرو رود گرچه در یک‌گوشه آن باشد ولی از پنبه به دستمالی که معمولًا زنها برای جلوگیری از خون می‌بندند نرسد.
آیهٔ اللّه بهجت: خون در پنبه فرو رود ولی از طرف دیگر نگذرد.
۲- آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه تبریزی: در استحاضهٔ متوسط باید برای نماز صبح غسل کند و تا صبح دیگر برای هر نماز کارهای استحاضهٔ قلیله را انجام دهد.
آیهٔ اللّه سیستانی: در استحاضهٔ متوسطه باید بنابر احتیاط لازم، زن برای نمازهای خود روزانه یک غسل نماید و نیز باید کارهای استحاضهٔ قلیله را انجام دهد.
آیهٔ اللّه بهجت: در استحاضهٔ متوسطه باید زن برای نماز صبح غسل کند و تا صبح دیگر برای نمازهای خود بنابر احتیاط واجب پنبه را اگر خونی شده عوض کند یا آب بکشد و همچنین ظاهر بدن اگر نجس شده است آب بکشد و برای هر نماز وضو بگیرد و این در صورتی است که استحاضهٔ متوسطه پیش از نماز صبح یا در بین آن پیدا شود ولی اگر بعد از نماز صبح تا پیش از نماز ظهر یا بین آن حاصل شود باید برای نماز ظهر غسل کند و به همین ترتیب پیش از هر نماز یا بین هر نمازی که استحاضهٔ متوسطه شده باید برای آن غسل کند.
آیهٔ اللّه فاضل: اگر پیش از نماز یا در بین نماز خون استحاضهٔ متوسطه ببیند باید برای آن نماز غسل کند ولی در استحاضهٔ متوسطه اگر قبل از نماز صبح غسل نماید تا صبح روز دیگر برای هر نماز کارهای استحاضهٔ قلیله انجام دهد.

ص: ۵۶

یا دربین آن، مستحاضه شده است غسل کند و تا زمانی که خونریزی مستحاضهٔ متوسطه ادامه دارد هر روز قبل از نماز صبح غسل کند. بنابر این، در استحاضهٔ متوسطه در هر شبانه روز یک غسل کافی است، البته پس از قطع خونریزی نیز باید غسل کند. (توضیح المسائل، م ۳۹۳ و ۳۹۵)

[۸۳] مستحاضهٔ قلیله، برای انجام طواف واجب، باید همان وظایفی را که برای نماز گفته شد انجام دهد. (مناسک، س ۷۲۷)

[۸۴] مستحاضهٔ قلیله، می‌تواند طواف مستحبی انجام دهد، و عمل کردن به دستوری که‌برای طواف واجب گفته شد، لازم نیست. (م ۵۴۷)

مستحاضهٔ کثیره

[۸۵] اگر خونریزی به قدری است (۱) که به پنبه نفوذ کرده و از طرف دیگر آن ظاهر شده و لباس یا پارچهٔ روی پنبه را آلوده کرده، استحاضهٔ کثیره است (۲) و زن باید برای هر نماز علاوه بر وظایفی

۱- آیهٔ اللّه مکارم: خون در پنبه فرو رود و از آن بگذرد و جاری شود.

۲- آیهٔ اللّه مکارم: در استحاضهٔ کثیره واجب است سه غسل انجام دهد؛- یک غسل برای نماز صبح و دیگر برای نماز ظهر و عصر و سوم برای مغرب و عشا و باید میان این نمازها فاصله نیندازد.

ص: ۵۷

که برای قلیله گفته شد، (۱) دستمال را عوض کند یا آب بکشد و غسلی هم انجام دهد ولی اگر نماز ظهر و عصر را با هم بخواند و فاصله نیندازد، یک غسل برای هر دو کافی است و همچنین برای نماز مغرب و عشا. (۲) (توضیح المسائل، م ۳۹۶)

[۸۶] مستحاضهٔ کثیره بایـد تمـام وظایفی را که برای نماز یومیه لازم است، برای طواف واجب و نماز آن نیز جـداگانه انجام دهـد و بنابر احتیاط واجب به وظایفی که برای نمازهای یومیّه انجام داده اکتفا نکنـد، ولی اگر از وقت غسل برای طواف تا آخر نماز طواف خون قطع باشد، غسل دیگری برای نماز

۱- آیهٔ اللّه سیستانی و آیهٔ اللّه تبریزی: بنابر احتیاط واجب.

۲- آیـهٔ اللّه سیسـتانی: اینهـا همه در صـورتی است که خون پی در پی از پنبه به دسـتمال برسـد، امـا چنـانچه رسـیدن خون از پنبه به دسـتمال با قـدری فاصـله باشد که زن بتواند در آن فاصـله یک نماز یا بیشتر بخواند احتیاط لازم آن است که هر گاه خون از پنبه به دستمال برسد، پنبه و دستمال را عوض کرده و یا آب بکشد و غسل نمایـد، بنابر این اگر زن غسل کرد و نماز ظهر را مثلًا خواند ولی قبـل از نمـاز عصـر یـا در میان آن خون دوباره از پنبه به دسـتمال رسـید بایـد برای نماز عصـر نیز غسل نمایـد ولی چنانچه فاصـله به مقداری باشد که زن بتواند در آن میان دو نماز یا بیشتر بخواند مثل اینکه بتواند نماز مغرب و عشا را نیز قبل از آنکه خون دوباره به دستمال برسد بخواند ظاهر آن است که برای آن نمازها لازم نیست غسل دیگری بکند.

ص: ۵۸

طواف لازم نیست. (۱) (مناسک، س ۷۲۵ و ۷۲۷)

۱- آیـهٔاللّه صافی: اگر بعـد از غسل برای نماز یومیه خون نبینـد، تجدید غسل لازم نیست و اگر خون ببیند برای هرکدام از طواف و نمازِ طواف، یـک غسـل احتیاطاً بجا آورد و اگر فاصـلهٔ بین غسل و طواف زیاد می‌شود مثل اینکه در نزدیک مسـجد الحرام نتواند غسل کند احتیاطاً در موقع ورود به مسجد الحرام تیمم بدل از غسل هم بنماید.

آیهٔاللّه بهجت: زنی که در حال اسـتحاضه است به همان دسـتوری که برای نماز خود طهارت می‌گیرد برای طواف نیز همان طهارت کافی است.

آیهٔاللّه تبریزی: بنابر احتیاط برای طواف و نماز آن یک غسل کند و برای هریک از آن‌دو یک وضو بگیرد.

آیـهٔاللّه مکـارم: مسـتحاضهٔ کثیره هنگـامی که غسـلهای نماز خود را به موقع بجا آورد غسل دیگری برای طواف بر او واجب نیست، تنها وضو بگیرد بنابر احتیاط.

آیـهٔاللّه سیسـتانی: اگر خون ادامه داشـته باشد و قطع نشود یک غسل کافی است، اگرچه احتیاط مسـتحب برای هر کدام یک غسـل است و اگر چنین نباشـد و به طوری باشـد که بتوانـد پس از طواف بـا غسـلی دیگر نماز را انجام دهـد در حالی که خون بیرون نزده باشد در این صورت اگر پس از غسل و انجام طواف خون بیرون نیامده بود می‌تواند با همان غسل نماز را بخواند و اگر بیرون آمده بود به احتیاط واجب برای نماز دوباره غسل کند.

آیهٔاللّه فاضل: احتیاط واجب آن است که مسـتحاضهٔ کثیره و متوسـطه علاوه بر غسـلهایی که برای نمازهای یومیّه انجام می‌دهد یک غسل برای طواف و نماز آن انجام دهد و اگر کاری که وضو را باطل می‌کند از او سر زده باشد، وضو هم بگیرد.

ص: ۵۹

[۸۷] مستحاضهٔ متوسطه و کثیره می‌توانند طواف مستحبی انجام دهند و عمل کردن به وظایفی که برای طواف واجب گفته شد لازم نیست، ولی برای وارد شدن به مسجدالحرام، احتیاط مستحب است غسل کنند. (العروةالوثقی، ج ۱، ص ۲۵۳، م ۱۷ و ۱۸، تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۵۷، م ۸، مناسک، س ۷۲۵ و ۷۲۷)

[۸۸] مستحاضهٔ متوسطه و کثیره باید پس از قطع خونریزی غسل کنند. (۱) (توضیح المسائل، م ۴۱۸)

طهارت بدن و لباس

[طواف با لباس نجس]

[۸۹] بدن و لباس طواف کننده باید پاک باشد، و بنا بر احتیاط واجب (۲)لباس‌های کوچک او؛ مانند جوراب و دستکش و دستمال نیز پاک باشد. (م ۵۶۲)

۱- آیهٔ اللّه سیستانی: مستحاضهٔ کثیره وقتی که به کلی از خون پاک شد، اگر بداند از وقتی که برای نماز پیش مشغول غسل شده دیگر خون نیامده، لازم نیست دوباره غسل نماید و در غیر این صورت باید غسل نماید هر چند کلیّت این حکم بنابر احتیاط است و امّا در مستحاضهٔ متوسّطه لازم نیست برای آنکه از خون به کلّی پاک شده غسل نماید.

۲- آیهٔاللّه فاضل: باید لباس‌های کوچک نیز پاک باشد. ولی در انگشتر ومانند آن که لباس گفته نمی‌شود طهارت شرط نیست. آیات عظام خامنه‌ای، تبریزی، بهجت، مکارم: در چیزهایی مانند جوراب و دستمال و انگشتر، طهارت شرط نیست.

ص: ۶۰

[۹۰] هرچنـد در نمـاز، آلودگی بـدن یـا لباس به خون، که مقـدار آن از «دِرْهَم» (۱) کمتر باشـد، بی‌اشـکال است ولی بنا بر احتیاط واجب، (۲) بدن و لباس طواف‌کننده، همین مقدار هم نباید آلوده باشد. (م ۵۶۲)

[۹۱] اگر جایی ازبدن زخم‌باشد چنانچه‌تطهیر آن مشقّت داشته باشد، تطهیر آن لازم نیست، (۳) ولی بنا بر احتیاط واجب تا اندازه‌ای که می‌شود، باید تطهیر نماید و لباس را عوض کند. (م ۵۶۳ و ۵۶۴)

[۹۲] اگر بتوانـد طواف را تأخیر بینـدازد تا بدون مشـقت، بدن را تطهیر کند، بنا بر احتیاط واجب، باید تأخیر بیندازد. به شـرط آنکه وقت تنگ نشود. (م ۵۶۵)

[۹۳] اگر شک داشته باشد که لباسش یا بدنش نجس است،

۱- یک درهم، تقریباً به اندازهٔ یک سکهٔ دو ریالی قدیم یا صدریالی جدید یا یک بند انگشت است.

۲- آیهٔاللّه‌مکارم: به‌این مقدار هم نباید، بدن و لباس طواف‌کننده، نجس باشد.

آیهٔاللّه خامنه‌ای: خون کمتر از درهم که در نماز بی‌اشکال است، در طواف نیز مانعی ندارد.

۳- آیهٔاللّه صافی: و احتیاط آن است که با همان حال، خودش طواف کند ونایب هم بگیرد تا برای او طواف نماید.

آیهٔاللّه تبریزی: اگر تطهیر آن برای او حرجی نباشد، احتیاط واجب این است که آن را تطهیر نماید.

ص: ۶۱

می‌توانـد بـا آن حال طواف کنـد و صـحیح است. ولی اگر بدانـد قبلًا نجس بوده و شک دارد که تطهیر کرده یا نه، نمی‌توانـد با آن حال طواف کند. (م ۵۶۷)

[۹۴] اگر بعد از طواف متوجه شود که لباسش نجس بوده، طواف صحیح است. (م ۵۶۶)

[۹۵] اگر در بین طواف، بـدن یـا لباسـش نجس شود؛ مثلًا بر اثر ازدحام جمعیت پایش زخم شود، طواف را رها کنـد، بـدن یا لباس نجس شده را تطهیر نماید و طواف را از همانجا تکمیل کند و صحیح است. (۱) (م ۵۶۸)

۱- آیهٔاللّه صافی: اگر در بین طواف لباس یا بدنش نجس شود یا بفهمد که از پیش نجس بوده و بدون رها کردن طواف شسـتن آن ممکن نباشد، طواف را رها نماید، و اگر چهار دور طواف کرده بعد از تطهیر بدن یا لباس بقیهٔ طواف را تمام کند، و اگر به سه دور و نیم نرسیده طواف او باطل است و باید بعد از تطهیر از سر بگیرد و اگر از سه دور و نیم گذشته و چهار دور را تمام نکرده احتیاط آن است که بعـد از تطهیر از همانجـا که رهـا کرده طواف را تمـام کنـد و نمـاز طواف را بخوانـد و دوبـاره طواف و نماز آن را بجا آورد.

آیهٔاللّه مکارم: خواه قبل از تکمیل شوط چهارم باشد یا بعد از آن.

آیـهٔاللّه تبریزی: هرگاه نجس بودن بدن یا لباس خود را نمی‌دانسـته و در اثنای طواف دانست یا آنکه پیش از فراغت از طواف، بدن یا لباسـش نجس شد، اگر جامهٔ پاکی داشـته باشد همان جا جامهٔ نجس را کنده و با جامهٔ پاک طواف خود را تمام نماید، و چنانچه جامـهٔ پاک همراه نداشـته باشـد. و اگر این حادثه بعد از تمام شدن شوط چهارم بوده، طواف را قطع نموده و پس از ازالهٔ نجاست از بدن یا لباس، باقیماندهٔ طواف را بجا آورد. و چنانچه علم به نجاست یا حدوثش پیش از تمام شدن شوط چهارم باشد، باز هم طواف را قطع و نجاست را زایل نموده و بنابر احتیاط یک طواف کامل به قصد؛ اعم از تمام یا اتمام بجا آورد.

آیـهٔاللّه خامنه‌ای: اگر بـدون رها کردن طواف، تطهیر ممکن نباشـد بایـد دست از طواف بردارد و جامه یا بـدن را تطهیر کنـد و فوراً برگردد و طواف را از همانجا ادامه دهد و طواف او صحیح است.

ص: ۶۲

[۹۶] اگر در بین طواف نجاستی به بـدن یا لباس خود ببینـد و احتمال بدهد که در این حال نجس شده (یعنی از ابتدای طواف نجس نبوده) حکم مسألهٔ قبل را دارد. (۱) (م ۵۶۹)

[۹۷] اگر فراموش کنـد، بدن یا لباسـش نجس است و با همان حال طواف کند و در بین طواف یا پس از اتمام آن یادش بیاید، بنا بر احتیاط واجب (۲) باید طواف را دوباره انجام دهد. (م ۵۷۱)

لباس طواف کننده

[۹۸] بنابر احتیاط واجب بانوان باید در طواف، تمام بدن را

۱- به حواشی مسأله قبل مراجعه شود.

۲- آیات عظام تبریزی، مکارم، سیستانی، فاضل: طوافش صحیح است و لازم نیست دوباره انجام دهد.

آیـهٔالله بهجت: اگر بعـد از طواف یادش بیایـد طواف صـحیح است و اگر در بین طواف یادش بیاید، تطهیر می‌کند و طواف را تمام می‌کند.

ص: ۶۳

بپوشانند، بجز صورت، به مقداری که در وضو شسته می‌شود و دست‌ها تا مچ، بنابراین، فرق پوشش بدن در نماز با طواف در این است که چنانچه نامحرمی نبیند، می‌توانند پاها را در نماز نپوشانند ولی در طواف پوشاندن پاها نیز مانند سایر قسمت‌های بدن لازم است. (مناسك، پنجم از شرايط طواف و س ۷۵۴)

[۹۹] لباس طواف‌کننده، علاوه بر طهارت باید مباح باشد (۱) و بنابر احتیاط واجب سایر شرایط لباس نمازگزار (۲) را داشته باشد. (مناسک، پنجم از شرایط طواف)

[۱۰۰] اگر با پول خمس نداده لباس تهیّه کند ودر طواف و نماز، آن را به‌تن داشته باشد، طواف و نمازش صحیح نیست. (۳) (س ۶۷۷)

شروع و ختم طواف به حجرالأسود

[۱۰۱] طواف را باید از مقابل گوشه‌ای از کعبه که
حَجَرالأَسوَدْ (۴)

۱- آیات عظام فاضل، سیستانی، بهجت: بنا بر احتیاط واجب.

۲- شرایط لباس نمازگزار در مسألهٔ ۳۹ گذشت.

۳- آیات عظام: سیستانی، تبریزی، صافی، بهجت: اگر همان طور که متعارف است به ذمّه خریداری کرده باشد [یعنی لباس را که خریده قیمت آن را به فروشنده بدهکار شده و با آن پول بدهی خود را می‌پردازد] کفایت می کند.

۴- سنگی است بیضی‌شکل و سیاه‌رنگ در گوشهٔ شرقی دیوار کعبه، باارتفاع ۱/۵ متر از سطح مسجد نصب شده است.

ص: ۶۴

در آن‌است آغاز کند ودر همان جا به پایان ببرد. (۱) (مناسک، ص ۲۳۰)

[۱۰۲] طواف کننده می‌تواند، قبل از رسیدن به مقابل حجرالأسود نیّت کند که ابتدای طوافش از مقابل حجرالأسود باشد. (مناسک، شرط چهارم طواف، ص ۲۳۳)

[۱۰۳] در طواف، باید همان طوری که همهٔ مسلمانان طواف می‌کنند، از مقابل حجرالاسود، بدون دقت‌های اهل وسوسه طواف را شروع کند و در هر دور لازم نیست مقابل حجرالاسود توقف کند. (م ۵۷۸)

[۱۰۴] گاهی دیده می‌شود که اشخاص نا آگاه در هر دور از طواف، مقابل حجرالاسود می‌ایستند و عقب و جلو می‌روند تا مطمئن شوند، مقابل حجرالاسود رسیده‌اند، این کار اشکال دارد و گاهی حرام است. (م ۵۷۹)

رعایت مُوالات

[۱۰۵] احتیاط واجب آن است که در طواف، موالات بین دورها و اجزای آن مراعات شود؛ (۲) یعنی به قدری بین آنها فاصله نیندازد

۱- هم‌اکنون مقابل حجرالاسود از کنار کعبه تا آخر صحن مسجدالحرام، خط سیاهی کشیده شده است که افراد می‌توانند هنگام رسیدن به همان خط، طواف را آغاز و به همان جا ختم کنند.

۲- آیهٔ‌اللّه سیستانی، آیهٔ‌اللّه تبریزی، مراعات موالات لازم است.

آیهٔ‌اللّه بهجت: مراعات موالات لازم است، مگر در صورت پیش آمدن عذری، پس از شوط چهارم.

آیهٔ‌اللّه مکارم: در طواف واجب موالات لازم است و در مستحب شرط نیست.

آیهٔ‌اللّه خامنه‌ای: رعایت موالات بنا بر احتیاط واجب لازم است مگر در مورد قطع طواف پس از گذشتن از نیمه، به خاطر نماز و امثال آن.

ص: ۶۵

که از صورت یک طواف خارج شود. (م ۵۷۴)

در طرف چپ بودنِ کعبه

[۱۰۶] طواف‌کننده باید طوری به دور کعبه بگردد که خانهٔ کعبه در حال طواف در طرف چپ او باشد؛ یعنی همانگونه که همهٔ مسلمانان طواف می‌کنند، بنابراین اگر در حال طواف رو به کعبه باشد، یا عقب عقب برود، صحیح نیست. (م، ص ۲۳۲)

[۱۰۷] در مقابل گوشه‌های کعبه، هنگام دور زدن، در طرفی که حِجر اسماعیل قرار دارد، اگر در حالی که به‌طور متعارف دور می‌زند، شانهٔ چپ از طرف کعبه منحرف شود، اشکال ندارد. (۱) (م ۵۸۰ و ۵۸۱)

۱- آیةاللّه تبریزی: خانهٔ خدا در تمام حالت‌های طواف باید در طرف چپ باشد، پس‌اگر مقداری این چنین نبود، آن مقدار، از طواف شمرده نمی‌شود.

آیةاللّه مکارم: بهتر است به‌جای این‌گونه کارهای غیرمتعارف؛ مانند همهٔ مسلمین طواف کند و حضور قلب داشته باشد و با خداوند راز و نیاز کند.

ص: ۶۶

[۱۰۸] اگر به سبب زیادی جمعیت و مزاحمت طواف کنندگان مقداری از دور زدن، خلاف متعارف شد؛ مثلًا رو به کعبه حرکت کرد، یا پشتش به طرف کعبه واقع شد، یا عقب عقب طواف کرد، باید آن مقدار را جبران کند و از سر بگیرد. (۱) (م ۵۸۴)

وارد نشدن در حِجر اسماعیل علیه السلام

[۱۰۹] حجر اسماعیل، فضایی است بین کعبه و دیواری نیمدایره، که از زاویهٔ شمالی تا زاویهٔ غربی کعبه امتداد دارد، و طواف‌کننده باید به دور آن نیز بگردد؛ یعنی در حال طواف، داخل حِجر نرود. (مناسک، ص ۲۳۳)

[۱۱۰] اگر طواف‌کننده، دور حجر اسماعیل نگردد و از داخل آن طواف کند، طوافش باطل است، و باید دوباره طواف کند. (م ۵۸۷)

[۱۱۱] اگر در بعضی از دورها، داخل حجر طواف کرد، احتیاط واجب آن است که آن دور را از سر بگیرد (۲) و احتیاط مستحب است طواف را نیز اعاده کند. (م ۵۹۰)

۱- آیهٔ‌اللّه سیستانی: اگر بر اثر ازدحام جمعیت نتواند برگردد، و آن مقدار را جبران کند، می‌تواند بدون قصد طواف برود و از همانجا شوط را کاملًا اعاده کند.

۲- آیات عظام صافی، فاضل، تبریزی، سیستانی، بهجت، مکارم: باید آن دور رادوباره انجام دهد. آیهٔ‌اللّه صافی و احتیاط آن است که تمام طواف را نیز دوباره انجام دهد.

ص: ۶۷

رعایت فاصله با کعبه

[۱۱۲] طواف کننده، در تمام اطراف کعبه باید در محدودهٔ فاصلهٔ بین کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام که‌حدود ۱۳ متر (۵/ ۲۶ ذراع) می‌باشد، طواف کند (۱) بنابراین، درطرف حجراسماعیل علیه السلام این فاصله کم می‌شود و حدود ۵/ ۶ ذراع باقی می‌ماند. (۲)
(مناسک، ص ۲۳۴ و م ۵۹۲ و ۵۹۵)

[۱۱۳] اگر انسان بر اثر بیماری یا پیری، یا زیادی جمعیت

۱- آیات عظام خامنه‌ای، مکارم، صافی، سیستانی: مراعات این فاصله واجب‌نیست و طواف خارج این محدوده نیز صحیح است، هرچند بهتر است در همین محدوده طواف کند. آیهٔالله صافی: اضافه کرده‌اند: تا جایی که جمعیت طواف‌کننده متصل به یکدیگر مشغول طوافند، صحیح است.

آیهٔالله بهجت: برای کسانی که نتوانند در این محدوده طواف کنند یا مشقّت داشته باشد، در فاصلهٔ بیشتر نیز صحیح است.

آیهٔالله تبریزی: در صورت امکان، بنا بر احتیاط طواف باید در همین محدوده باشد ولی در موارد ازدحام جمعیت، طواف در خارج این محدوده هم کافی است.

آیهٔالله فاضل: چنانچه ضرورت عرفی اقتضا کند، طواف در خارج از این محدوده با رعایت الأقرب فالأقرب صحیح است.

۲- آیهٔالله فاضل: در طرف حجر اسماعیل فاصله از دیوار حجر حساب می‌شود و فاصله در آن طرف نیز کم نمی‌شود ولی احتیاط مستحب است که در آن طرف در محدودهٔ ۵/ ۶ ذراع طواف کند.

ص: ۶۸

نتوانـد در این محـدوده طواف کنـد، طواف در خارج این حدّ اشـکال ندارد، ولی‌هرچه بتواندنزدیکتر به‌کعبه طواف کند، باید چنین کند. (م ۶۳۸)

ص: ۶۹

بیرون بودن از کعبه

[۱۱۴] امروزه در حال طواف، وارد شـدن به کعبه برای مردم ممکن نیست، ولی در کنار دیوار کعبه یک برآمدگی (۱) وجود دارد، که فضای بالای آن جزو کعبه حساب می‌شود، یعنی مساحت کعبه از لبهٔ آن پیش‌آمدگی است، نه از دیوار، لذا اگر کسـی در حال طواف روی آن راه برود، باطل است. (۲) (م ۵۹۷ و ۵۹۸)

[۱۱۵] دست گذاشـتن به دیوار کعبه، در حال طواف، جایز است و به طواف ضرر نمی‌رساند، گرچه احتیاط مستحب است در طرفی که پیش‌آمدگی وجود دارد دست به دیوار کعبه نگذارد. (۳) (م ۵۹۹)

[۱۱۶] در حال طواف، دست گذاشـتن روی دیوار حجر اسـماعیل علیه السلام اشکال ندارد (۴) و به طواف ضرر نمی‌رساند، هرچند احتیاط مستحب ترک آن است. (م ۶۰۰)

۱- این برآمدگی را «شاذَرْوان» می‌گویند.

۲- آیهْاللّه تبریزی: و احتیاط این است که آن مقدار را تدارک کند و طواف خود را تمام، سپس طواف را اعاده نماید.

۳- آیات عظام صافی، فاضل، بهجت: بنا بر احتیاط واجب در طرفی که پیش‌آمدگی وجود دارد جایز نیست و باید همان قسمتی که در حال طواف دست به کعبه گذاشته، دوباره انجام دهد.

۴- آیهْاللّه بهجت، آیهْاللّه فاضل: بنابر احتیاط واجب جایز نیست و باید همان‌قسمت را دوباره انجام دهد.

ص: ۷۰

هفت دور طواف کردن

[طواف خانهٔ خدا باید هفت دور باشد]

[۱۱۷] طواف خانهٔ خدا باید هفت دور باشد، نه کمتر و نه بیشتر.

(هفتم از شرایط طواف)

[۱۱۸] اگر کسی طواف را از روی عمد و با توجه، کمتر یا بیشتر از هفت دور بجا آورد باطل است. (۱) (م ۶۰۱)

[۱۱۹] اگر کسی، طواف رااز روی جهل یا اشتباه و غفلت، کمتر یا بیشتراز هفت دور بجا آورد، بنابر احتیاط واجب، باطل است. (۲) (م ۶۰۱)

[۱۲۰] اگر بعد از طواف واجب، که هفت دور است به خیال آنکه یک دور نیز مستحبی جداگانه است، هشت دور بجا آورد، طوافش صحیح است. (م ۶۰۵)

قطع طواف

[۱۲۱] رها کردن طواف واجب بدون عذر مکروه است، (۳) بلکه

۱- آیهٔاللّه تبریزی: بنا بر احتیاط، طوافش باطل است.

۲- آیات عظام تبریزی، سیستانی، فاضل، بهجت: اگر به هفت دور تمام کند، اعادهٔ طواف لازم نیست.

۳- آیهٔ اللّه صافی: قطع طواف واجب بدون عذر جایز نیست.

آیهٔاللّه مکارم، آیهٔاللّه بهجت: بنا بر احتیاط واجب قطع نکند.

آیهٔاللّه سیستانی: قطع طواف جایز است، مطلقاً.

ص: ۷۱

احتیاط مستحب آن است که رها نکند. (م ۶۱۵)

[۱۲۲] رها کردن طواف مستحبی اشکال ندارد. (م ۶۱۵)

[۱۲۳] کسی که طواف واجب را بدون عذر قطع کند، اگر:

* هنوز موالات از بین نرفته است- اگر برگردد و طواف را تمام کند، صحیح است.

* موالات از بین رفته است:

۱- قبل ازتکمیل‌دورچهارم (۱) قطع کرده است-- باطل است.

۲- پس از تکمیل دور چهارم قطع کرده است-- بنا بر احتیاط واجب باید طواف را تمام کند و دوباره انجام دهد. (۲)

(م ۶۱۶ و ۶۱۷)

[۱۲۴] برای رسیدن به نماز جماعت یا رسیدن به وقت فضیلت نماز واجب، مستحب است طواف را قطع کند و از هر جا قطع کرد از همانجا بعد از نماز ادامه دهد، (۳) و صحیح است، هر

۱- آیةاللّه‌تبریزی: قبل‌از نصف طواف ۳/۵ دور در این‌فرض‌وفرض بعدی.

آیةاللّه بهجت: هرچند پس از شوط چهارم قطع کرده باشد، باید طواف را دوباره انجام دهد.

۲- آیةاللّه مکارم: تمام‌کردن آن طواف لازم‌نیست، بلکه‌باید دوباره‌انجام دهد.

آیةاللّه فاضل: احتیاط مستحب است.

۳- آیـةاللّه بهجت: اگر موالاـت بهم نخورده باشـد و اگر بهم بخورد و قبـل ازتکمیـل دور چهارم آن را رها کرده باشـد، احتیاط آن است که طواف را کامل کند و دوباره از سربگیرد.

ص: ۷۲

چند احتیاط مستحب است به دستوری که در مسأله قبل گفته شد عمل کند. (م ۶۲۱)

نشستن و استراحت کردن در حال طواف

[۱۲۵] نشستن و استراحت کردن در بین طواف، به دو شرط اشکال ندارد:

* زیاد طول ندهد که مُوالات طواف بهم بخورد.

* از همانجا که طواف را رها کرده و نشسته یا استراحت کرده ادامه دهد و تمام کند. (م ۶۳۶)

[۱۲۶] اگر در بین طواف، برای رفع خستگی و استراحت بنشیند یا دراز بکشد و آنقدر طول دهد که موالات بهم بخورد. (۱) احتیاط آن است که پس از اتمام (۲) آن طواف، دوباره انجام دهد. (همان)

شکّیات طواف

زائران محترم سعی کنند، در حال طواف از هر کاری که سبب

۱- آیهٔاللّه سیستانی، آیهٔاللّه تبریزی: در این صورت، طوافش باطل است و بایداز نو شروع کند.

۲- آیهٔاللّه مکارم: اتمام آن طواف لازم نیست.

آیهٔاللّه خامنه‌ای: ولی اگر بعد از نصف دور چهارم باشد اتمام همان طواف کافی است.

ص: ۷۳

حواس‌پرتی و شکّ و وسوسه است بپرهیزنـد و تعـداد دورهای طواف را نگه دارنـد، چون اگر در تعـداد دورهای طواف شک کنند در اکثر موارد طواف باطل است و باید طواف را دوباره انجام دهند.

[۱۲۷] اگر در حال طواف، شک بین تعـداد دورهای طواف پیش آید که عدد هفت در کار نباشد؛ مثلًا شک کند دور پنجم است یا ششم، چهارم است یا پنجم، سوم است یا چهارم، طواف باطل است. (م ۶۲۶)

[۱۲۸] اگر شک بین هفت و کمتر از آن پیش آید؛ مثلًا شک بین ششم و هفتم یا پنجم و هفتم، طواف باطل است. (۱) (م ۶۲۶)

[۱۲۹] اگر شک بین هفت و بیشتر از آن پیش آید، مثلًا شک بین هفتم و هشـتم، اگر در وسط دور باشد، طواف باطل است (۲) ولی اگر به حجرالاسود رسـیده باشد؛ یعنی دور را به پایان برده و شک کند طوافش هفت دور بود یا هشت دور، طواف صحیح است. (م ۶۲۴ و ۶۲۵)

۱- آیهٔاللّه مکارم: بنا بر احتیاط واجب، طوافش باطل است.

۲- آیهٔاللّه بهجت: بنابر احتیاط، طوافش باطل است.

آیهٔاللّه فاضل، آیهٔاللّه مکارم: آن دور را تمام کند و طوافش صحیح است.

آیهٔاللّه تبریزی، آیهٔاللّه سیستانی: طوافش باطل است و احتیاطاً به قصد رجاء، آن دور را به پایان ببرد و طواف را اعاده کند.

آیهٔاللّه صافی: لیکن احتیاط آن است که نماز طواف را بخواند و طواف و نمازش را دوباره انجام دهد.

ص: ۷۴

[۱۳۰] در این موارد نیز به شک اعتنا نمی‌شود:

* بعد از اتمام طواف و انصراف از آن؛ مثلًا پس از شروع نماز طواف شک کند که هفت دور بجا آورده یا بیشتر.

* بعد از اتمام طواف و انصراف از آن، شک کند که هفت دور بجا آورده یا کمتر (۱) ولی در این مورد احتیاط مستحب است که طواف را دوباره انجام دهد.

* پس از اتمام تمام یا جزئی از آن شک کند صحیح بجا آورده یا نه، مثلًا شک می‌کند جمعیت او را هل دادند یا نه، یا شانهٔ چپش از کعبه منحرف شد یا نه.

* کسی که در طواف زیاد شک می‌کند (کثیرالشک) به شک خود اعتنا نکند (۲) ولی احتیاط مستحب است کسی را وادار کند که تعداد دورها را بشمارد. (م ۶۲۲ و ۶۲۳ و ۶۲۸)

[۱۳۱] گمان در عدد دورها حکم شک را دارد؛ (۳) یعنی اگر مثلًا گمان کند دور ششم طواف است ولی نمی‌داند پنجم است

۱- آیـۀاللّه تـبریزی: در این صورت طواف باطـل است، مگر این‌که پس از واردشـدن در نمـازطواف شـک کنـد، که در این‌صورت به‌شک خود اعتنا نمی‌کند.

آیـۀاللّه سیسـتانی: اگر در عـدد شوطها یا در صـحّت آنها بعد از تمام شدن طواف‌یابعد از تجاوز ازمحل‌شک کند، نبایدبه‌شک خود اعتنانماید؛ مثلًا پس از به هم خوردن موالات یا بعد از وارد شدن در نماز طواف شک کند.

۲- آیۀاللّه مکارم: و بنا بر آنچه به نفع اوست بگذارد.

۳- آیۀاللّه بهجت: حکم گمان در نماز را دارد.

ص: ۷۵

یا ششم، مانند کسی است که شک بین پنج و شش دارد و طوافش باطل است. (م ۶۲۹)

ترک طواف

[۱۳۲] اگر کسی عمداً طواف را انجام ندهد عمرهٔ او باطل است، چه حکم را بداند یا نداند. (۱) (م ۵۳۲)

[۱۳۳] اگر سهواً طواف را ترک کند، (۲) هر وقت باشد، باید انجام دهد، حتّی اگر به محل خود برگشته باشد (۳) و اگر نتواند خودش به مکه برگردد و انجام دهد یا مشقّت داشته باشد، باید شخص مورد اطمینانی را نایب بگیرد تا برایش طواف کند. (۴) (م ۵۳۵)

[۱۳۴] اگر در بین سعیِ صفا و مروه یادش بیاید که طواف را بجا نیاورده، باید سعی را رها کند و طواف را بجا آورد و پس از آن

۱- آیهٔ‌اللّه بهجت: بنا بر احتیاط باید یک شتر ذبح کند.
آیهٔ‌اللّه سیستانی: بنا بر احتیاط، جاهل به حکم باید یک شتر کفاره بدهد.
۲- آیهٔ‌اللّه سیستانی: یا آن را به طور صحیح انجام نداده باشد.
۳- آیهٔ‌اللّه فاضل: و سعی را نیز بنا بر احتیاط اعاده کند.
آیهٔ‌اللّه تبریزی: اگر قبل از گذشتن وقت یادش بیاید باید تا وقت نگذشته، بجا آورد.
۴- آیهٔ‌اللّه مکارم: در این مدت چیزی بر او حرام نیست و احتیاط آن است که یک گوسفند قربانی به مکّه بفرستد و اگر فرستادن به مکه ممکن نیست، در محل خود ذبح کند.

ص: ۷۶

سعی را دوباره انجام دهد. (۱) (م ۶۳۰)

[۱۳۵] اگر در بین سعی، یادش بیاید که طواف را ناقص بجا آورده؛ مثلًا شش دور طواف کرده است، باید سعی را رها کند و بقیهٔ طواف را بجا آورد. و سپس بقیهٔ سعی را انجام دهد. و احتیاط مستحب (۲) است که اگر مقدار انجام‌شدهٔ طواف یا سعی، کمتر از چهار شوط است، پس از اتمام، دوباره آن را انجام دهد. (م ۶۳۱)

[۱۳۶] اگر پس از انجام سعی، متوجه شود، طواف را بجا نیاورده است، بنا بر احتیاط واجب (۳) باید پس از طواف و نماز طواف، سعی را دوباره انجام دهد.

۱- آیهٔ‌اللّه صافی: اگر پس از شوط چهارم سعی متوجه شود، سعی را قطع کند و بعد از انجام طواف، سعی را اتمام و به احتیاط واجب آن را اعاده کند.

۲- آیهٔ‌اللّه سیستانی: در صورتی که موالات به هم خورده باشد، احتیاطواجب است اینگونه عمل کند.

آیهٔ‌اللّه بهجت: احتیاط آن است که طواف را تمام کند و دوباره انجام دهد.

آیات عظام مکارم، فاضل، تبریزی: این احتیاط ترک نشود آیهٔ‌اللّه تبریزی و همچنین نسبت به سعی، ولی اگر سعی فراموش شده یک شوط باشد، اعاده لازم نیست.

۳- آیات عظام فاضل، خامنه‌ای، سیستانی: باید سعی را دوباره انجام دهد. آیهٔ‌اللّه سیستانی مگر در صورتی که وقت آن گذشته باشد، مثلًا در وقوف عرفات متوجه شود طواف عمرهٔ تمتع را به‌جا نیاورده است که در این صورت اعادهٔ سعی لازم نیست، گرچه بهتر است.

آیهٔ‌اللّه مکارم: این احتیاط در مورد سعی، مستحب است.

ص: ۷۷

احکام طواف

[۱۳۷] نگـاه کردن به راست و چپ در حـال طواف، حتی برگردانـدن صورت به عقب اشـکال نـدارد، (۱) ولی باید کعبه در سـمت چپ او باشد. (م ۶۳۵ و ص ۲۳۲)

[۱۳۸] اگر در طواف خانـهٔ خـدا؛ مثلًا در چنـد قـدم از طواف اشـکالی پیش آمـد، مثل این‌که بر اثر ازدحام جمعیت، بی‌اختیار برود، همان مقدار را باید از سربگیرد و اگر از حجرالاسود به قصد طواف شروع کند، اشکال دارد. (۲) (م ۵۸۵، ۶۳۹ و ۶۴۰)

۱– آیهٔ‌اللّه سیستانی: احتیاط واجب آن است که به حدّی رو نگرداند که بتواندمقداری از پشت سر را نگاه کند.

آیهٔ‌اللّه بهجت: نظر ایشان نسبت به نگاه کردن به عقب در حال طواف، به دست نیامد.

۲– آیـهٔ‌اللّه خـامنه‌ای، آیـهٔ‌اللّه‌مکارم: از اوّل نیّت می‌کنـد که خود را در وسـط جمعیت قرار دهـد و طواف کنـد هرچنـد او را ببرنـد، بنابراین اعاده لازم نیست.

آیـهٔ‌اللّه بهجت: اگر بتواند برگردد و از همانجا طوافش را ادامه دهد، باید این کار را بکند وگرنه، بدون نیّت دور می‌زند تا به محلی که اشکال پیش آمده برسد تا از همانجا طواف را ادامه دهد.

آیـهٔ‌اللّه فاضل، آیـهٔ‌اللّه سیسـتانی: اگر نتوانـد برگردد و جبران کنـد می‌توانـد، بـدون قصد طواف تا حجرالاسود برود و آن دور را از سربگیرد.

آیهٔ‌اللّه تبریزی: صِرف بردن جمعیت، موجب بطلان طواف نمی‌شود، مادامی که سایر شرایط موجود باشد.

ص: ۷۸

[۱۳۹] انسان در طواف، می‌تواند، آهسته یا تند برود یا بدود و می‌تواند پیاده یا سواره؛ مثلًا با ویلچر، (به شرطی که ویلچر را خودش براند) طواف کند، ولی بهتر است نه تند، نه کند برود و پیاده طواف کند. (م ۵۸۶)

طواف مستحب

[۱۴۰] یکی از اعمال مستحب در مکّهٔ معظّمه طواف کعبه است. (م ۵۴۷)

[۱۴۱] طواف مستحب با طواف واجب فرقی ندارد ولی در این طواف، طهارت شرط نیست؛ یعنی بدون وضو و با لباس نجس نیز صحیح است و بجا آوردن نماز آن نیز مستحب است.

(م ۵۴۷ و ۷۶۵ و ۷۶۷)

[۱۴۲] اگر در تعداد دورهای طواف مستحب، شک کند، بنا بر کمتر بگذارد و طواف صحیح است. (م ۶۲۷)

[۱۴۳] طواف مستحب را نیز مانند طواف واجب، باید در محدودهٔ مقام ابراهیم و خانهٔ کعبه بجا آورد مگر در مورد ضرورت. (۱)

(مناسک، ص ۲۳۴، پنجم از واجبات طواف وم ۷۷۰)

[۱۴۴] نمی‌توان هر شوط از طواف مستحب را به نیّت یک نفر

۱- به حاشیهٔ مسأله ۱۱۲ مراجعه شود.

ص: ۷۹

بجا آورد، ولی‌می‌توان هفت‌شوط طواف رابه نیّت‌چندنفر انجام داد. (۱) (م ۷۶۹)

مستحبّات طواف

[۱۴۵] مستحب است در حال طواف مشغول دعا و ذکر خدا و تلاوت قرآن باشد. (م ۶۳۴)

در حال طواف مستحب است بگوید:

«اللّهُمَّ إِنّی أَسْأَ لُکَ باسْمِکَ الَّذِی یُمْشیٰ بِهِ عَلیٰ طَلَلِ الْماءِ کَما یُمْشیٰ بِهِ عَلیٰ جُدَدِ الْأَرْضِ وَأَسْأَ لُکَ باسْمِکَ الَّذِی یَهْتَزُّ لَهُ عَرْشُکَ، وَأَسْأَ لُکَ باسْمِکَ الَّذِی تَهْتَزُّ لَهُ اقْدامُ مَلائِکَتِکَ، وَأَسْأَ لُکَ باسْمِکَ الَّذِی دَعاکَ بِهِ مُوسیٰ مِنْ جانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَأَ لْقَیْتَ عَلَیْهِ مَحَبَّةً مِنْکَ، وَأَسْأَ لُکَ باسْمِکَ الَّذِی غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَما تَأَخَّرَ، وأَتْمَمْتَ عَلَیْهِ نِعْمَتَکَ»

سپس حاجات خود را بطلبد.

و نیز مستحب است در حال طواف بگوید:

۱- آیـةاللّه سیستانی: نیابت در یـک شوط نیز صـحیح است، ولی در این صورت نبایـد مجموع هفت شوط را به عنوان یک طواف انجام دهد.

آیةاللّه مکارم: و نیز می‌تواند ثواب هر شوط را به یک نفر اهدا کند.

ص: ۸۰

«أَللَّهُمَّ إِنِّی إِلَیْکَ فَقِیْرٌ وَإِنِّی خائِفٌ مُسْتَجِیْرٌ، فَلا تُغَیِّرْ جِسْمِی وَلا تُبَدِّلْ إِسْمِی».

و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد بخصوص وقتی که به در خانهٔ کعبه می‌رسد، و بخواند این دعا را:

«سائِلُکَ فَقِیْرُکَ مِسْکِیْنُکَ بِبابِکَ، فَتَصَدَّقْ عَلَیْهِ بِالْجَنَّةِ، أَللَّهُمَّ الْبَیْتُ بَیْتُکَ، وَالْحَرَمُ حَرَمُکَ، وَالْعَبْدُ عَبْدُکَ، وَهذا مَقامُ الْعائِذِ بِکَ، الْمُسْتَجِیرِ بِکَ مِنَ النَّارِ، فَأَعْتِقْنِی وَوَالِدَیَّ، وَأَهْلِی وَوُلْدِی وَإِخْوانِیَ الْمُؤْمِنِینَ مِنَ النَّارِ، یا جَوادُ یا کَرِیمُ».

و وقتی که به حجر اسماعیل رسید رو به ناودان سر را بلند کند و بگوید:

«أَللَّهُمَّ أَدْخِلْنِی الْجَنَّةَ، وَأَجِرْنِی مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِکَ، وَعافِنِی مِنَ السُّقْمِ وَأَوْسِعْ عَلَیَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلالِ، وَادْرَأْ عَنِّی شَرَّ فَسَقَةِ الجِنِّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَم».

و چون از حجر گذشت و به پشت کعبه رسید بگوید:

«یا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ، یاذَا الْجُودِ وَالْکَرَم، إِنَّ عَمَلِی ضَعِیفٌ فَضاعِفْهُ لِی، وَتَقَبَّلْهُ مِنِّی إِنَّکَ أَ نْتَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ».

و چون به رکن یمانی رسید، دست بردارد و بگوید:

ص: ۸۱

«یا أَللّهُ یا وَلِیَّ الْعافِیَهِ، وَخالِقَ الْعافِیَهِ، وَرازِقَ الْعافِیَهِ، وَالْمُنْعِمُ بِالْعافِیَهِ، وَالْمَنّانُ بِالْعافِیَهِ، والمُتَفَضِّلُ بِالْعافِیَهِ عَلَیَّ وَعَلی جَمیعِ خَلْقِکَ، یا رَحْمنَ الدُّنْیا وَالْآخِرَهِ، وَرَحیمَهُما صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنَا الْعافِیَهَ، وَتَمامَ الْعافِیَهِ، وَشُکْرَ الْعافِیَهِ فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَهِ، یا أَرْحَمَ الرّاحِمِیْنَ».

پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذی شَرَّفَکِ وَعَظَّمَکِ، وَالْحَمْدُ لِلّهِ الَّذی بَعَثَ مُحَمَّداً نَبِیّاً وَجَعَلَ عَلِیّاً اماماً، أَللّهُمَّ اهْدِ لَهُ خِیارَ خَلْقِکَ وَجَنِّبْهُ شِرارَ خَلْقِکَ».

و چون میان رکن یمانی و حجرالأسود رسید بگوید:

«رَبَّنا آتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَهً وَفِی الْآخِرَهِ حَسَنَهً وَقِنا عَذابَ النّارِ».

مکروهات طواف

[۱۴۶] در حال طواف، سخن گفتن- غیر از ذکر و دعا و تلاوت قرآن- مکروه است. (م ۶۳۳)

[۱۴۷] شعر خواندن و خندیدن در حال طواف، مکروه است. (م ۶۳۳)

ص: ۸۲

نماز طواف

اشاره

[۱۴۸] پس از طواف عمره، واجب است دو رکعت نماز به نیّت نماز طواف بخواند. (م ۷۷۳)

کیفیّت نماز طواف

[۱۴۹] احکام این نماز، مانند نمازهای یومیّه است ولی اذان و اقامه ندارد. و پس از حمد هر سوره‌ای که بخواهد می‌تواند بخواند.

امّا مستحب است در رکعت اوّل، پس از حمد، سورهٔ

«قل هواللّه احد»

و در رکعت دوّم، پس از حمد، سورهٔ

«قل یا ایها الکافرون»

را بخواند. (م ۷۷۵ و ۷۷۶)

زمان نماز طواف

[۱۵۰] بنابر احتیاط واجب، (۱) باید پس از طواف، نماز طواف را

۱- آیهٔ‌اللّه تبریزی: بایستی بعد از طواف، نماز را بخواند به طوری که درعرف نگویند بین آنها فاصله افتاده است.

آیـهٔ‌اللّه سیسـتانی: به این معنی که بین آنها به نظر عرف فاصـله‌ای نباشـد ولی فاصـله به مقـدار ده دقیقه برای استراحت یا یافتن جای مناسب و مانند آن اشکال ندارد ولی کاری دیگر مانند نماز قضا، به احتیاط واجب نباید انجام دهد.

ص: ۸۳

زود بجا آورد، به طوری که مردم نگویند، بین آنها فاصله افتاده است. (م ۷۷۷)

مکان نماز طواف

[۱۵۱] بنابر احتیاط واجب، (۱) نماز طواف واجب را بایـد پشت مقام ابراهیم (۲) بجـا آورد، به‌طوری که مقام ابراهیم بین او و خانهٔ کعبه واقع شود و بهتر است هرچه می‌توانـد نزدیک‌تر بایستد (نه به‌طوری که مزاحم دیگران باشـد) و اگر به واسـطهٔ زیادی جمعیت نتواند پشت مقام بخواند، در یکی از دو طرف آن، نزدیک

۱- آیات عظام خامنه‌ای، تبریزی، سیستانی، فاضل: واجب است پشت مقام‌ابراهیم خوانده شود.
آیهٔاللّه مکارم: واجب است نماز طواف را در صورت امکان پشت مقام بخواند.

۲- مقـام ابراهیم؛ سـنگی است که حضـرت ابراهیم علیه السـلام هنگـام بنـای کعبه بر آن‌می‌ایسـتاد و اثر پای آن حضـرت- به معجزهٔ الهی- بر آن مانده است و اکنون در مسـجدالحرام در فاصـله ۱۳ متری کعبه در محفظه‌ای بلورین با یک ضـریح کوچک نگهـداری می‌شود.

ص: ۸۴

مقام بجا آورد. (۱) (م ۷۷۸ و ۷۸۰)

[۱۵۲] نماز طواف مستحب را هر جای مسجدالحرام بجا آورد کافی است و مناسب است که در مواقع ازدحام جمعیت، نماز طواف را پشت مقام‌ابراهیم نخوانند و مزاحم طواف‌کنندگان نباشند. (م ۷۸۱)

تصحیح نماز

[۱۵۳] بر تمام افراد بالغ و عاقل واجب است که نمازها را به‌طور صحیح یاد بگیرند تا تکلیف الهی را درست انجام دهند؛ بخصوص کسی که قصد عمره یا حج دارد، باید نماز خود را تصحیح کند تا این نماز نیز مانند سایر نمازها به‌طور صحیح خوانده شود. چون گفته‌اند اگر نماز او درست نباشد، عمره و حج او باطل است، (۲)

۱- آیهٔاللّه خامنه‌ای: کافی است در هر نقطه‌ای که بگویند پشت مقام است، گرچه از مقام دور باشد نماز را بخواند.
آیهٔاللّه بهجت: در صورتی که نتواند پشت مقام بجا آورد و فاصله خیلی زیاد باشد، در یکی از دو طرف آن بجا آورد.
آیهٔاللّه تبریزی: در صورتی که نتواند نزدیک مقام بخواند، بنا بر احتیاط در دورتر با مراعات نزدیک‌ترین مکان پشت مقام بخواند.
آیهٔاللّه سیستانی: اگر نتواند پشت مقام و نزدیک آن بجا آورد، احتیاط واجب است که در سمت چپ یا راست مقام نزدیک آن، و هم در دورتر ولی پشت مقام بجا آورد.

۲- آیهٔاللّه تبریزی: در صورتی که در یاد گرفتن نماز صحیح کوتاهی کرده یامعتقد به صحت قرائت باشد، و عمداً نماز غیر صحیح بخواند اعمال او نیز باطل است.
آیهٔاللّه مکارم: البته دقّت‌های علمای تجوید شرط نیست، همین اندازه که عربی صحیح صدق کند، کافی است.

ص: ۸۵

مقام ابراهیم علیه السلام و جایگاه نماز طواف

ص: ۸۶

و عمره بر عهدهٔ او می‌ماند و ممکن است چیزهایی که در احرام شده بود، حلال نشود. (م ۷۸۸)

[۱۵۴] اگر شخصی نتوانست قرائت یا ذکرهای واجب نماز را یاد بگیرد، باید نماز را به هر ترتیبی که می‌تواند خودش بجا آورد و کافی است و اگر ممکن است کسی را بگمارد که نماز را به او تلقین کند؛ یعنی کلمه به کلمه به‌طور صحیح بخواند تا او هم همراهش بگوید. و احتیاط مستحب است که همانجا به شخص عادلی اقتدا کند و نماز طواف را بخواند، (۱) لکن به نماز جماعت اکتفا نکند، بلکه خودش نیز بخواند. (م ۷۸۹)

۱- آیهٔالله خامنه‌ای: نماز طواف، به جماعت صحیح نیست، پس هر طورمی‌تواند بخواند و احتیاطاً نایب هم بگیرد.

آیهٔالله بهجت: اگر می‌تواند باید به جماعت بخواند.

آیهٔالله سیستانی: اگر بتواند مقدار زیادی از سورهٔ حمد را به طور صحیح بخواند، خواندن حمد به همین مقدار کافی است و اگر نتواند به احتیاط واجب مقداری از قرآن را که می‌تواند صحیح بخواند به آن اضافه کند و اگر این را نیز نتواند، تسبیح بگوید.

آیهٔالله مکارم: نماز جماعت و گرفتن نایب لزومی ندارد.

آیهٔالله صافی: نماز طواف را به جماعت بخواند و واجب است خودش نیز به‌طور فرادی بخواند و اگر نایب هم برای نماز بگیرد، بهتر و مطابق احتیاط است.

ص: ۸۷

ترک نماز طواف

[۱۵۵] اگر خواندن نماز طواف را فراموش کند، و در بین سعی یادش بیاید، از همانجا سعی را رها کند و برگردد و دو رکعت نماز را بخواند وسپس سعی را از همانجا ادامه دهد و طواف کند. (۱) (م ۷۸۳)

[۱۵۶] اگر نماز طواف را فراموش کند و اعمال پس از آن را انجام دهد، باید نماز طواف را بخواند، ولی لازم نیست اعمال بعدی را دوباره انجام دهد، گرچه احتیاط مستحب است، دوباره بجاآورد. (م ۷۸۴)

شکیات نماز طواف

[۱۵۷] اگر انسان در تعداد رکعت‌های نماز طواف شک کند، نمازش باطل است و باید دوباره بخواند. (م ۷۷۶)

[۱۵۸] اگر در انجام جزئی از اجزای نماز طواف شک کند؛ یعنی نمی‌داند آن جزء را به‌جا آورده است یا نه، اگر جزء بعدی را شروع نکرده است؛ یعنی هنوز از محل آن جزء نگذشته است، باید آن را بجا آورد، ولی اگر از محل آن گذشته است، به چنین شکی اعتنا نمی‌کند و نماز را ادامه می‌دهد و صحیح است؛ مثلًا اگر در رکعت

۱- آیـةاللّه صافی: اگر از نصف سـعی گذشـته است، اتمام سعی کافی است و چنانچه قبل از نصف سعی یادش بیایـد، همـهٔ آن را مجدداً انجام دهد.

آیةاللّه بهجت: سعی را اعاده کند.

ص: ۸۸

دوّم پس از سجده، قبل از شروع کردن تشهّد، شک کند یک سجده به‌جا آورده یا دو سجده، باید یک سجدهٔ دیگر بجا آورد، ولی اگر تشهد را شروع کرده باشد، لازم نیست سجدهٔ دیگری انجام دهد و نماز صحیح است. (توضیح‌المسائل، م ۱۱۶۸)

[۱۵۹] اگر در صحّتِ جزئی از نماز طواف شک کند؛ یعنی نمی‌داند جزئی که بجا آورد، صحیح انجام شده یا نه، بنا می‌گذارد بر صحیح بودن آن و نماز را ادامه می‌دهد و صحیح است؛ مثلًا در صحّت کلمه یا آیه‌ای که خوانده است شک می‌کند، به شک خود اعتنا نکند. (همان)

وظیفهٔ حائض نسبت به نماز طواف

[۱۶۰] اگر زن، بعد از طواف عمره و قبل از نماز آن یا در بین نماز حائض شود، باید فوراً از مسجد خارج شود و در این فرض، مسأله دو صورت دارد:

* اگر می‌تواند صبر کند تا از حیض پاک شود، باید صبر کند و پس از پاک شدن، نماز طواف و بقیهٔ اعمال عمره را بجا آورد و عمرهٔ او صحیح است.

* اگر نمی‌تواند صبر کند باید برای نماز نایب بگیرد و سعی و تقصیر را خودش بجا آورد، با مراعات ترتیب بین اعمال. (س ۸۱۱)

[۱۶۱] اگر زن، در احرام عمره، پس از نمازطواف‌حائض شود، مشکلی برای سعی و تقصیر پیش نمی‌آید، هرچند بین سعی

ص: ۸۹

حائض شود، چون در سعی وتقصیر، طهارت شرط نیست و محل سعی جزو مسجد نمی‌باشد، بنابراین باید سعی و تقصیر را انجام دهد و وظیفهٔ او نسبت به طواف نساء همان است که در مسألهٔ قبل گفته شد. (س، ۸۳۱ و ۸۶۲)

وظیفهٔ مستحاضه

[۱۶۲] وظیفهٔ مستحاضه، همانگونه است که برای طواف در صفحهٔ ۵۳ گذشت.

مستحبّات نماز طواف

[۱۶۳] در نماز طواف مستحب است بعد از حمد در رکعت اول سورهٔ توحید قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ و در رکعت دوم سورهٔ جَحْد قُلْ یا أَیُّهَا الْکافِرُونَ را بخواند، (۱) و پس از نماز، حمد و ثنای الهی را به‌جا آورد و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از خداوند عالم، طلب قبول نماید و بگوید:

«أَللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنّی، وَلا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنّی. أَ لْحَمْدُ للّٰهِ بِمَحامِدِهِ کُلِّها عَلیٰ نَعْمائِهِ کُلِّها، حَتّیٰ یَنْتَهِیَ الْحَمْدُ إلیٰ ما

۱- چون نماز طواف باید به طور صحیح خوانده شود، بنابراین توصیه‌می‌شود افرادی که قرائت صحیح این سوره را نمی‌دانند در رکعت دوّم نیز، همان سورهٔ توحید قل هواللّه احد را بخوانند.

ص: ۹۰

يُحِبُّ وَيَرْضى، أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنِّى وَطَهِّرْ قَلْبِى وَزَكِّ عَمَلِى».

مستحبّات قبل از سعی

[۱۶۴] مستحب‌است پس از نماز طواف و پیش از سعی، قدری از آب زمزم بیاشامد و بر سر و پشت و شکم خود بریزد و بگوید:

«أَللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْماً نافِعاً، وَرِزْقاً واسِعاً، وَشِفاءً مِنْ كُلِّ داءٍ وَسُقْمٍ».

سپس با آرامی دل و بـدن، بالای صـفا رفته و به خانهٔ کعبه نگاه کند و به رکن حجرالأسود رو نماید و حمد و ثنای الهی را بجاآورد و نعمتهای الهی را بخاطر بیاورد، و این ذکرها را بگوید:

«أَللّهُ اكْبَرُ»

هفت مرتبه.

«الحَمْدُللّهِ»

هفت مرتبه.

«لا إِلهَ الَّا اللّهُ»

هفت مرتبه.

«لا إِلهَ الَّا اللّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِى وَيُمِيْتُ وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ»

سه مرتبه.

پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد.

سپس بگوید:

«الحَمْدُ للّهِ»

صد مرتبه.

«سُبْحانَ اللّهِ»

صد مرتبه.

ص: ۹۱

سعی بین صفا و مروه

[واجبات سعی]

[۱۶۵] پس از انجام نماز طواف، باید هفت مرتبه فاصلهٔ بین «صفا» تا «مروه» را که امروزه به صورت سالنی ساخته شده و کنار مسجدالحرام قرار دارد، بپیماید و این عمل، «سعی» نامیده می‌شود. (م ۸۲۵)

[۱۶۶] سعی باید از صفا آغاز و به مروه ختم شود. (م ۸۲۸)

[۱۶۷] پیمودن فاصلهٔ صفا تا مروه یک مرتبه و برگشتن از مروه به صفا مرتبهٔ دوّم به حساب می‌آید؛ بنابراین شَوْطِ (۱) هفتم سعی بر مروه ختم می‌شود. (م ۸۲۷)

[۱۶۸] نشستن و استراحت کردن و رفع خستگی بر بالای صفا و مروه و در بین آنها (۲) جایز است و اگر در بین سعی باشد، باید از همانجا که سعی را قطع کرده، ادامه دهد. (م ۸۳۸)

۱- شوط: در لغت به معنای نهایت دویدن تا هدف و در این جا به معنای یک‌بار دور زدن اطراف کعبه و یک بار پیمودن فاصلهٔ صفا تا مروه، یا مروه تا صفا می‌باشد.

۲- آیهٔاللّه بهجت: احتیاط آن است که بدون عذر بین صفا و مروه ننشیند.

آیات عظام تبریزی، سیستانی، فاضل، مکارم: بنا بر احتیاط واجب باید به مقداری نباشد که موالات به هم بخورد.

ص: ۹۲

[۱۶۹] سعی بین صفا و مروه لازم نیست با وضو و طهارت انجام شود، گرچه احتیاط مستحب است، بنابراین زن حائض نیز باید سعی را خودش بجا آورد. (م ۸۳۱)

[۱۷۰] سعی در طبقهٔ دوّم و در پشت بام چون بالاتر از دو کوه می‌باشد، اشکال دارد. (۱) (م ۸۷۶)

[۱۷۱] در سعی، وقتی که به طرف مروه می‌رود واجب است رو به مروه و وقتی که به طرف صفا می‌رود، رو به صفا باشد، پس اگر عقب‌عقب برود، یا به پهلو به طرف صفا یا مروه برود، باطل است، ولی نگاه کردن به چپ و راست و گاهی به پشت سر مثلًا برای آنکه ببیند همراهان او می‌آیند یا نه اشکال ندارد. (۲) (م ۸۳۷)

[۱۷۲] تأخیر انداختن سعی و فاصله زیاد بین نماز طواف و سعی؛ مثلًا برای برطرف شدن خستگی یا تمام شدن طواف دوستان، اشکال ندارد ولی تأخیر انداختن سعی به روز بعد، بدون عذر جایز نیست. (۳) (م ۸۳۹ و ۸۴۰)

۱- آیهٔ‌اللّه بهجت: اگر احراز شود که سعی بین صفا و مروه واقع می‌شود، کفایت می‌کند.

۲- آیهٔ‌اللّه صافی: در صورتی که توقف کند و نگاه کند یا صورت و سینه و شانه‌ها در حال رفتن به مروه به‌طرف مروه و در حال رفتن به صفا به‌طرف صفا باشد، اشکال ندارد.

۳- آیهٔ‌اللّه مکارم: ولی اگر تأخیر انداخت، سعی او باطل نخواهد شد، هرچند گناه کرده است.

آیهٔ‌اللّه تبریزی: اگر تأخیر انداخت گناه نکرده است ولی باید طواف و نماز را اعاده کند.

ص: ۹۳

[۱۷۳] اگر شخصی متوجه شود که سعی را از مروه شروع کرده، باید سعی را دوباره انجام دهد و اگر تقصیر نکرده، تقصیر کند. (۱) (م ۸۵۸)

[۱۷۴] محل سعی مسجد نیست، بنابراین کسی که نباید به مسجدالحرام برود، مانند زن حائض، می‌تواند به محل سعی برود و سعی را نیز باید خودش بجا آورد. با مراعات ترتیب بین طواف و نماز طواف و سعی. (م ۸۶۲)

[۱۷۵] در قسمتی (۲) از سعی که مردان هَرْوَلَهْ می‌کنند؛ یعنی کمی تندتر می‌روند، این عمل تنها بر مردان مستحب است و برای بانوان مستحب نمی‌باشد. (مناسک، ص ۳۳۹)

۱- آیات عظام صافی، سیستانی، تبریزی: اگر تقصیر هم کرده باشد باید دوباره تقصیر کند.

آیةاللّه فاضل: اگر با اعتقاد صحت تقصیر کرده، تقصیر اعاده ندارد، مگر از باب احتیاط و در غیر این صورت باید تقصیر را اعاده کند.

آیةاللّه مکارم: اگر آن دور را که از مروه شروع کرده نادیده بگیرد و بقیه را تکمیل کند، صحیح است.

۲- آن قسمت، امروزه با خط و چراغ سبزرنگ معین شده است که در سابق‌حدّ فاصل بین بازار عطاران و منارهٔ میانه بوده است.

ص: ۹۴

کم و زیاد کردن سعی

زیاد کردن سعی

[۱۷۶] اگر عمداً بیش از هفت شوط سعی کند، باطل است. (م ۸۴۳)

[۱۷۷] اگر سهواً بیش از هفت شوط بجا آورد، سعی صحیح است و اگر در بین سعی متوجه شود، بهتر است از همانجا رها کند گرچه می‌تواند هفت دور دوّم را نیز تکمیل کند. (۱) (م ۸۴۴)

کم کردن سعی

[۱۷۸] اگر سهواً سعی را کمتر از هفت شوط بجا آورد، هر وقت یادش بیاید واجب است آن را تمام کند (۲) و اگر از مکه رفته است در صورتی که مشقّت نداشته باشد، باید برگردد و اگر نمی‌تواند برگردد، باید برای اتمام سعی، نایب بگیرد. (م ۸۴۵)

[۱۷۹] اگر مقدار فراموش شده بیش از سه شوط است؛ یعنی

۱- آیۀاللّه سیستانی، آیۀاللّه بهجت: اگر زیادی، یک شوط آیۀاللّه سیستانی: یا بیشتر باشد مستحب است آن را به هفت برساند.

۲- آیۀاللّه فاضل: چنانچه قبل از تمام کردن شوط چهارم باشد، بنابر احتیاط‌واجب، سعی را از سر بگیرد، ولی اگر شوط چهارم را تمام کرده است واجب است آن را تمام کند.

ص: ۹۵

کمتر از چهار شوط سعی بجا آورده، احتیاط مستحب (۱) است، همان سعی را تمام کند و هفت شوط دیگر بجا آورد، مگر آن‌که مقدار سعی انجام‌شده کمتر از یک شوط باشد که در این صورت احتیاط واجب است که سعی را به‌طور کامل دوباره انجام دهد. (۲) (م ۸۴۶)

۱- آیهًاللّه فاضل: بنا بر احتیاط واجب، سعی را از سر بگیرد.

آیهًاللّه بهجت: اگر کمبود سعی از روی فراموشی و بعد از شوط چهارم بوده، واجب است باقی را هر وقت یادش آمد، هرچند بعد از تمام شدن اعمال، تدارک کند و در صورتی که خودش نتواند تدارک کند یا سخت باشد واجب است نایب بگیرد و اگر کمبودش پیش از شوط چهارم و از روی فراموشی بوده، احتیاط این است که خودش یک سعی کامل بجا آورد و در صورت دشواری آن، نایب بگیرد.

آیهًاللّه تبریزی: اگر سعی انجام‌شده کمتر از چهار شوط نباشد، واجب است بقیه را هر وقت یادش آمد بجا آورد، و اگر خودش نتواند بجا آورد یا مشقّت داشته باشد، واجب است نایب بگیرد و در این صورت احتیاط این است که نایب یک سعی کامل بجا آورد به نیّت این‌که هرچه بر عهدهٔ منوب‌عنه می‌باشد- انجام بقیه سعی یا از سر گرفتن آن- و اگر کمبود سعی بیش از سه شوط باشد، احتیاط آن است که خودش یک سعی کامل به قصد این‌که اگر وظیفه‌ام اتمام همان سعی است، اتمام باشد و اگر از سر گرفتن سعی باشد، یک سعی کامل باشد بجا آورد.

۲- آیهًاللّه‌فاضل: در دو صورت، احتیاط واجب آن است که سعی را از سر بگیرد.

ص: ۹۶

شکّیات سعی

شکّ در تعداد شوطها

[۱۸۰] اگر در بین سعی، در تعداد دورها شک کند، مسأله دو صورت دارد:

الف: شکّ بین هفت و بیشتر:

۱- قبل از پایان دور- سعی باطل است.

۲- بعد از پایان دور- اعتنا نکند و سعی صحیح است.

ب: شک بین هفت و کمتر و عددهای کمتر از هفت؛ مثلًا شک دارد سه شوط بجا آورده یا پنج شوط- سعی باطل است.

[۱۸۱] و اگر پس از سعی، در تعداد دورها شک کند، این مسأله نیز دو صورت دارد: (۱)

۱- آیـهٔاللّه صافی: اگر بعد از منصـرف شدن از سـعی، در تعداد دورها شک کند، به شک اعتنا نکند و سـعیش صـحیح است، لیکن اگر احتمال می‌دهد که کمتر از هفت مرتبه سعی کرده، احتیاط آن است که دوباره سعی کند.

آیـهٔاللّه سیسـتانی: اگر احتمال زیاد بودن آنها را بدهـد، بنا بر صـحت بگـذارد واگر احتمال کم‌بودن آنها را می‌دهـد در صورتی که شک او قبل از بهم خوردن موالات باشد، سعی باطل است و بنابر احتیاط اگر بعد باشد نیز باطل است.

ص: ۹۷

الف: قبل از تقصیر:

۱- شک بین هفت و بیشتر از هفت- اعتبار ندارد و سعی صحیح است.

۲- در شک بین هفت و کمتر از آن- کمبود احتمالی را بجاآورد و سعی صحیح است.

ب: پس از تقصیر- به این شک اعتنا نکند و سعیش صحیح است. (۱) (م ۸۵۰ و ۸۵۲)

شک در صحّت سعی

[۱۸۲] اگر بعد از فارغ شدن از سعی یا هر دوری از آن شک کند که دُرست بجا آورده یا نه، به این شک اعتنا نکند و سعیش صحیح است و همینطور اگر در بین رفت و آمد شک کند که جزء پیش از آن صحیح بوده یا نه، اعتنا نکند. (م ۸۵۱)

مستحبات سعی

[۱۸۳] مستحب است سعی را پیاده بجا آورد.

وآنگاه که از صفا می‌آید، وقتی به محل هروله (۲)

۱- آیهٔاللّه تبریزی: شک در تعداد شوطهای سعی، سعی را باطل می‌کند.

۲- به مسألهٔ ۱۷۵ مراجعه شود.

ص: ۹۸

رسید بگوید:

«بِسْمِ اللّهِ وَبِاللّهِ، وَاللّهُ أَکْبَرُ، وَصَلَّی اللّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَیْتِهِ، أَللَّهُمَّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجاوَزْ عَمّا تَعْلَمْ، إنَّکَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَکْرَمُ، وَاهْدِنِی لِلَّتِی هِیَ أَقْوَمُ، اللَّهُمَّ إنَّ عَمَلِی ضَعِیفٌ، فَضاعِفْهُ لِی وَتَقَبَّلْهُ مِنِّی، أَللَّهُمَّ لَکَ سَعْیِی، وَبِکَ حَوْلِی وَقُوَّتِی، تَقَبَّلْ مِنِّی عَمَلِی یامَنْ یَقْبَلُ عَمَلَ الْمُتَّقِینَ».

و همین که از محل هَروَله گذشت بگوید:

«یا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ وَالْکَرَمِ وَالنَّعْماءِ وَالْجُودِ، اغْفِرْ لی ذُنُوبِی، انَّهُ لا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ الّا أَنْتَ».

و هنگامی که به مروه رسید، آنچه را که در صفا گفته شد بجا آورد و بخواند دعاهای آنجا را به ترتیبی که بیان شد. (۱)

و پس از آن بگوید:

«أَللَّهُمَّ یا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ، یا مَنْ یُحِبُّ الْعَفْوَ، یا مَنْ یُعْطِی عَلَی الْعَفْوِ، یا مَنْ یَعْفُو عَلَی الْعَفْوِ، یا رَبَّ الْعَفْوِ، الْعَفْوَ الْعَفْوَ».

و مستحب است در گریه کردن کوشش کند و خود را به گریه

۱- آنچه بر صفا مستحب است، در ص ۹۰ گذشت.

ص: ۹۹

وادارد و در حال سعی دعا بسیار کند و بخواند این دعا را:
«أَللّهُمَّ إِنِّی أَسْأَ لُکَ حُسْنَ الظَّنِّ بِکَ عَلی کُلِّ حالٍ، وَصِدْقَ النِّیَّهِٔ فِی التَّوَکُّلِ عَلَیْکَ».

ص: ۱۰۰

تَقْصیر

[وجوب تقصیر]

[۱۸۴] پس از سعی باید تقصیر کند؛ یعنی قدری از ناخن یا موی سر خود را بچیند و احتیاط مستحب (۱) است به چیدن ناخن اکتفا نکند بلکه قدری از مو را نیز بچیند که با این عمل، اعمال عمرهٔ تمتّع به پایان می‌رسد. (م ۸۸۸)

[۱۸۵] پس از تقصیر، هرچه به واسطهٔ احرام بر انسان حرام شده بود، حلال می‌شود. بجز حرام بودن زن و مرد بر یکدیگر که آن هم پس از طواف نساء و نمازش، حلال می‌شود. (م ۸۹۳)

[۱۸۶] تقصیر نیز مانند سایر اعمال عمره، از عبادات است و باید به قصد اطاعت دستور خداوند و بدون هرگونه ریا و خودنمایی انجام شود. (م ۸۸۹)

۱- آیهٔاللّه مکارم: احتیاط واجب است.

آیهٔاللّه سیستانی: احتیاط واجب است و اگر خواست ناخن بگیرد پس از کوتاه کردن مو باشد.

ص: ۱۰۱

زمان تقصیر

[۱۸۷] زمان تقصیر، بعد از سعی وقبل ازطواف نساء است، گرچه لازم نیست فوراً تقصیر کند، ولی تا وقتی که تقصیر نکرده است، هیچ یک از محرّمات احرام بر او حلال نمی‌شود. (م ۸۹۰ و ۸۹۱)

مکان تقصیر

[۱۸۸] تقصیر مکان معینی ندارد، گرچه اکنون متعارف است که بعد از سعی در مکان مروه تقصیر می‌کنند. (س ۸۹۸ و ۹۰۴)

(بانوان اگر در جایی که مردان نامحرم حضور دارند تقصیر می‌کنند، مواظب باشند، نامحرم موی آنها را نبیند)

دو مسأله:

[۱۸۹] در تقصیر، کندن مو کافی نیست. بلکه باید مو را بچیند و کوتاه کند به هر وسیله‌ای که باشد، با قیچی، ناخن‌گیر یا وسیله‌ای دیگر. (م ۸۹۴)

[۱۹۰] کسی که خودش تقصیر نکرده، نمی‌تواند موی شخص دیگری را بچیند ولی چیدن ناخن اشکال ندارد. (م ۱۱۴۶)

ص: ۱۰۲

طواف نساء و نماز آن

[۱۹۱] کیفیّت طواف نساء و نماز آن، ماننـد طواف عمره و نماز آن است ولی باید به نیّت طواف نساء و نماز طواف نساء انجام شود. (م ۱۱۷۴)

[۱۹۲] طواف نسـاء و نمـاز آن اختصـاص به مردان نـدارد، بلکه بر تمـام کسـانی که عمرهٔ مفرده بجـا می‌آورنـد، واجب است، حـتی کودکانی که عمرهٔ مفرده بجا می‌آورند لازم است طواف نساء و نماز آن‌را بجاآورند. (م ۱۱۸۱)

[۱۹۳] اگر زن طواف نساء را بجا نیاورد شوهرش بر او حرام است و اگر ازدواج نکرده باشد، ازدواج حرام است. (م ۱۱۸۱ و ۱۱۸۲)

[۱۹۴] پس از سعی، لازم نیست فوراً طواف نساء را بجا آورد و تأخیر انداختن آن تا چند روز بعد هم اشکال ندارد ولی تا زمانی که طواف نساء و نماز آن را بجا نیاورد، همچنان شوهرش بر او حرام است. (س ۱۲۰۶)

[۱۹۵] طواف نساء بایـد بعـد از سـعی و تقصـیر انجام شود و بـدون عذر جایز نیست مقدّم بدارد و اگر مقدّم داشت باید اعاده کند تا ترتیب بین اعمال حاصل شود. (م ۱۱۸۳)

[۱۹۶] مقدّم داشتن طواف نساء و نماز آن بر سعی در حال

ص: ۱۰۳

ضرورت اشکال نـدارد؛ مثلًا خانمی که خوف آن دارد حائض شود و نتوانـد تا وقت پاک شدن صبر کند، می‌تواند پس از طواف و نماز آن، طواف نساء و نماز آن را بجا آورد و سپس سعی کنـد. (۱) ولی چنانچه‌حائض شد، بازهم احتیاط مستحب (۲) است که پس از سعی، نایب بگیرد که برایش طواف نساء و نمازش را بجا آورد. (م ۱۱۸۴)

[۱۹۷] اگر سهواً یـا به جهت ندانستن مسأله، طواف نساء را قبل از سعی بجا آورد، طواف و سعیش صحیح است (۳) ولی احتیاط مستحب است طواف را دوباره انجام دهد. (م ۱۱۸۵)

[۱۹۸] بعد از بجا آوردن طواف نساء و نماز آن، شوهر حلال می‌شود و ازدواج برای دختر جایز می‌گردد. بنابراین هر آنچه به واسطهٔ احرام حرام شده بود حلال می‌گردد، مگر صید در حرم (۴) و کندن درخت و گیاه حرم، که این دو برای همه کس حرام است، چه مُحرم و چه غیر مُحرم. (۵) (م ۱۱۷۹)

۱- آیـةاللّه سیستانی: جایز نیست قبل از سعی طواف نساء را انجام دهـد و اگرنتوانست در مکه بماند تا پاک شود، می‌تواند از مکه خارج شود و بنا بر احتیاط واجب برای طواف نساء نایب بگیرد.

۲- آیةاللّه مکارم: احتیاط واجب است.

۳- آیةاللّه تبریزی: بنا بر احتیاط واجب باید آنها را پس از سعی، اعاده کند.

۴- آیةاللّه سیستانی، آیةاللّه تبریزی: بنا بر احتیاط واجب، صید همچنان حرام‌است تا روز سیزدهم ذی‌حجه، هرچند در خارج حرم.

۵- به مسألهٔ ۱۸۵ نیز مراجعه شود.

ص: ۱۰۴

ص: ۱۰۵

بخش دوّم محرّمات احرام

اشاره

۱- محرّمات کفّاره دار

۲- محرّمات بدون کفّاره

۳- احکام محرّمات احرام

ص: ۱۰۶

محرّمات احرام

اشاره

ص: ۱۰۷

در بخش اوّل کتاب، فهرست محرّمات احرام را آوردیم و در این بخش به بیان احکام آن دسته از محرماتی که بیشتر مورد ابتلای زائران است می‌پردازیم. برخی از این محرّمات در حالت عادی (غیر احرام) جایز و برخی حرام است. بدیهی است که انجام دستهٔ دوم در حال احرام گناهش بیشتر از حالت عادی است.

محرمات کفاره‌دار

[۱۹۹] برخی از این محرمات علاوه بر این که گناه است، کفاره هم دارد، ولی برخی دیگر کفاره ندارد و محرمات کفاره‌دار و کفارهٔ آنها بدین شرح است:

ص: ۱۰۸

محرّمات کفاره‌دار

ردیف کار حرام کفّاره

۱ استعمال بوی خوش (عطریات) یک گوسفند (به احتیاط واجب) (۱)

۲ گرفتن تمام ناخنهای دست‌ها یک گوسفند

۳ گرفتن تمام ناخنهای پاها یک گوسفند

۴ گرفتن کمتر از ده ناخن برای هر کدام یک مدّ طعام

۵ کندن درخت بزرگ حرم یک گاو (به احتیاط واجب) (۲)

۶ کندن درخت کوچک حرم یک‌گوسفند (به‌احتیاط واجب)

۷ کندن قسمتی از یک درخت حرم قیمت آن

۸ قسم‌راست‌خوردن سه‌مرتبه وبیشتر یک گوسفند (۳)

۱- آیـۀاللّه سیسـتانی: اگر چیز خوشـبویی بخورد یا چیزی را بپوشـد که اثر بوی خوش از سابق در آن مانـده باشد بنابراحتیاط واجب باید یک گوسفند کفاره بدهد ولی در غیر این دو مورد احتیاط مستحب است.

۲- آیۀاللّه تبریزی: کفارۀ کندن درخت از بیخ، قیمت همان درخت و کفارۀ قطع مقداری از آن قیمت همان مقدار است.

آیۀاللّه سیستانی: بنابر احتیاط کفارۀ کندن هر درختی، قیمت همان درخت است.

آیۀاللّه زنجانی: کندن درخت حرم، یک گاو کفاره دارد و فرقی بین درخت بزرگ و کوچک نیست.

۳- آیۀاللّه بهجت: اگر سه مرتبه پی‌درپی باشد ولی اگر پی‌درپی نباشد محلّ تأمّل است.

ص: ۱۰۹

ردیف کار حرام‌کفّاره

۹ قسم دروغ، یک مرتبه یک گوسفند (۱) ۱۰ قسم دروغ، دو مرتبه یک گاو (۲) ۱۱ قسم دروغ، سه مرتبه یک شتر (۳)

۱۲ کندن دندان یک‌گوسفند (به‌احتیاط واجب) (۴)

۱۳ زدودن موی زیر هر دو بغل یک گوسفند

۱۴ زدودن موی زیر یک بغل یک‌گوسفند (بنابراحتیاط واجب) (۵)

۱- آیةاللّه زنجانی: قسم دروغ چنانچه با توجه به دروغ بودن، عمداً صورت‌گیرد، به احتیاط واجب یک شتر کفاره دارد.

۲- آیةاللّه سیستانی: کفارهٔ قسم دروغ در مرتبه دوم، دو گوسفند و در مرتبهٔسوم، یک گاو است.

آیةاللّه تبریزی: در مرتبهٔ اوّل یک گوسفند، و در مرتبهٔ دوّم بنابر احتیاط یک گوسفند دیگر و در مرتبهٔ سوّم یک گاو کفّاره بدهد.

آیـةاللّه فاضل: در مرتبـهٔ اول یک گوسـفند کفاره بدهـد و احتیاط واجب آن است که در مرتبـهٔ دوّم یک گاو و در مرتبهٔ سوّم یک شتر کفاره بدهد.

۳- آیةاللّه بهجت: در مرتبه سوّم مخیّر است بین کفّاره دادن یک گاو و یا یک شتر.

یادآوری: اگر کفّارهٔ هر بار قسم خوردن را پرداخته باشد- تفصیلی دارد که در مناسک مراجع آمده است.

۴- آیهٔ اللّه بهجت، تبریزی، سیستانی، خامنه‌ای: اگر کندن یا کشیدن دندان سبب بیرون آمدن خون نباشد حرام نیست.

۵- آیةاللّه زنجانی: بنابر احتیاط مستحب.

آیةاللّه مکارم: این حکم واجب است.

آیةاللّه فاضل: سه فقیر را اطعام کند.

ص: ۱۱۰

ردیف کار حرام‌کفّاره

۱۵ زدودن موی سر یک گوسفند (بنابر احتیاط واجب) (۱)

۱۶ جماع (آمیزش) و استمناء یک‌شتر (با تفصیلی که در کتب فقهی آمده است) (۲)

[۲۰۰] اگراز روی‌فراموشی، برخی از محرمات احرام را انجام دهد، کفّاره بر او واجب نیست مگر صید که در هر صورت کفّاره دارد. و صید هر حیوانی کفّارهٔ خاصّی دارد که احکام و مسائل آن مفصّل است و چندان مورد نیاز زائران نیست بدین جهت از آوردن آنها خودداری شد.

[۲۰۱] کفّارات محرمات احرام، باید به فقراء و مساکین داده شود. و کفّاره دهنده نباید از گوشت حیوانی که به عنوان کفّاره ذبح کرده بخورد.

[۲۰۲] شرایطی که برای قربانی حج لازم است (۳) در حیوانی که به‌عنوان کفاره ذبح می‌شود شرط نیست، بنابراین، حیوان لاغر یا ناقص هم کفایت می‌کند.

۱- آیهٔاللّه زنجانی: بنابر احتیاط مستحب.

۲- کفارهٔ جماع آمیزش و استفادهٔ شهوانی از جنس مخالف و استمناء و عقد کردن زن، در بسیاری موارد، یک شتر است که تفصیل آن در کتب مفصّل فقهی و مناسک مراجع آمده است.

۳- شرایط قربانی حج در مسأله ۱۰۲۳ مناسک امام خمینی قدس سره آمده است.

ص: ۱۱۱

[۲۰۳] کفاره‌دهنده نمی‌تواند از گوشت حیوانی که به‌عنوان کفاره ذبح می‌کند بخورد (۱) ولی از قربانی حج و قربانیِ مستحبی اشکال ندارد.

محرّمات بدون کفّاره

[۲۰۴] کارهایی که در حال احرام حرام است ولی کفاره ندارد، بدین شرح است:

۱- سرمه کشیدن اگر بوی خوش ندارد. (۲)

۲- نگاه کردن در آینه. (۳)

۳- پوشیدن آنچه روی پا را می‌گیرد. (۴)

۱- آیهٔالله تبریزی: عیبی ندارد که مقداری را خودش بخورد و قیمت آن را به‌فقرا بدهد.

آیهٔالله سیستانی، آیهٔالله فاضل: احتیاط آن است که خودش نخورد.

۲- آیهٔالله تبریزی: اگر سرمهٔ سیاه را به قصد زینت بکشد، بنابراحتیاط واجب کفاره‌اش یک گوسفند است.

۳- آیات عظام خامنه‌ای، تبریزی، سیستانی، مکارم، بهجت: نگاه به آینه بدون قصد زینت حرام نیست.

۴- آیهٔالله فاضل، آیهٔالله تبریزی: بنابر احتیاط واجب یک گوسفند کفارهٔ آن است.

آیهٔالله سیستانی: در پوشیدن‌چکمه ومانندآن کفّاره‌ای واجب نیست ولی اگر عمداً جوراب و مانند آن بپوشد بنابر احتیاط یک گوسفند کفاره بدهد.

ص: ۱۱۲

۴- فسوق.

۵- جدال، قسم راست کمتر از سه مرتبه.

۶- انگشتر به دست کردن برای زینت.

۷- حنا بستن.

۸- پوشیدن زیور.

۹- روغن مالیدن به بدن (مانند کِرِم)، اگر بوی خوش نداشته باشد. (۱)

۱۰- پوشاندن صورت برای بانوان. (۲)

۱۱- بیرون آوردن خون از بدن. (۳)

۱۲- کشتن حشرات تَن مانند کک. (۴)

۱۳- قطع گیاه حرم.

۱- آیهٔ اللّه تبریزی: بنابر احتیاط واجب در صورت علم و عمد یک گوسفند و در صورت جهل اطعام یک فقیر کفاره دارد.

آیهٔ اللّه مکارم: بنابر احتیاط کفارهٔ آن یک گوسفند است.

۲- آیهٔاللّه صافی: باید یک گوسفند کفاره بدهد.

آیهٔاللّه تبریزی: بنابر احتیاط واجب باید یک گوسفند کفاره بدهد.

آیهٔاللّه بهجت: نقل شده که یک گوسفند کفاره دارد.

۳- آیهٔاللّه تبریزی: بنابر احتیاط کفارهٔ آن یک گوسفند است.

۴- آیهٔاللّه بهجت، آیهٔاللّه تبریزی: بنابراحتیاط واجب باید یک مشت طعام به فقیر کفاره بدهد.

ص: ۱۱۳

احکام مُحرّمات احرام

استعمال عطریّات

[۲۰۵] استفاده از انواع عطرها؛ مانند مشک، عنبر (۱) در حال احرام جایز نیست. (پنجم از محرمات احرام)

[۲۰۶] عطرزدن به بدن یا لباس و پوشیدن لباسی که بوی عطر می‌دهد، هرچند قبلًا به آن عطر زده باشند، جایز نیست. (م ۳۳۵)

[۲۰۷] بوییدن گلها و سبزی‌های خوشبو، نیز حرام است. (۲) (م ۳۳۸)

۱- آیةاللّه تبریزی، آیةاللّه بهجت: پرهیز از غیر زعفران، عود، عنبر، مشک وورس احتیاط مستحب است. آیةاللّه بهجت، عود را ذکر نکرده‌اند.

آیةاللّه سیستانی: استعمال هر ماده‌ای که برای خوشبو کردن بدن یا لباس یا خوراک یا غیر آن مورد استفاده قرار می‌گیرد چه استعمال به بوییدن باشد یا خوردن یا مالیدن به بدن و لباس یا رنگ کردن یا بخور دادن و احتیاط واجب آن است که از شامپو و صابون و سیگاری که بوی خوش دارد نیز اجتناب کنند.

۲- آیةاللّه سیستانی: این حکم مخصوص گیاهانی است که برای بوییدن مورد استفاده واقع می‌شود، چه از آن عطر گرفته شود چه نشود.

آیةاللّه صافی، آیةاللّه مکارم: بنا بر احتیاط واجب از تمام گلها باید پرهیز کرد.

به حاشیهٔ مسألهٔ قبل نیز مراجعه شود.

آیةاللّه خویی، آیةاللّه بهجت: بنا بر احتیاط واجب از هر بوی خوش پرهیز کنند.

آیةاللّه خامنه‌ای: بنا بر احتیاط واجب از بوییدن هر چیز معطری که به آن عطر گفته نمی‌شود، نیز پرهیز کنند.

ص: ۱۱۴

[۲۰۸] خوردن غذایی که در آن چیزی است که بوی خوش می‌دهد، مثل زعفران جایز نیست. (م ۳۳۶)

[۲۰۹] بنا بر احتیاط مستحب مُحرم باید از دارچین، زنجبیل، هل و مانند اینها نیز پرهیز کند. (۱) (م ۳۳۹)

[۲۱۰] خوردن وبوییدن میوه‌های‌خوشبو؛ مانندسیب‌وبه اشکال ندارد، هرچند احتیاط مستحب (۲) است که آنها را نبویند. (م ۳۴۰)

[۲۱۱] اگر مُحرم ناچار شود، لباسی را که بوی خوش می‌دهد بپوشد، یا غذای خوشبو را بخورد، باید (۳) بینی خود را بگیرد که بوی خوش به آن نرسد. (م ۳۳۷)

[۲۱۲] گرفتن بینی از بوی بد حرام است (۴) ولی تند رفتن و فرار کردن از آن اشکال ندارد. (م ۳۴۱)

[۲۱۳] خرید و فروش عطریات در حال احرام اشکال ندارد ولی

۱- آیهٔاللّه سیستانی: اینها نیز حرام است.

به حاشیهٔ مسألهٔ قبل نیز مراجعه شود.

۲- آیهٔاللّه خامنه‌ای، آیهٔاللّه سیستانی: احتیاط واجب.

۳- آیهٔاللّه تبریزی، آیهٔاللّه خامنه‌ای: بنابر احتیاط لازم.

۴- آیهٔاللّه تبریزی: بنا بر احتیاط واجب حرام است.

ص: ۱۱۵

نباید آنها را برای امتحان ببوید یا استفاده کند. (م ۳۴۲)

[۲۱۴] استفاده از صابون و شامپوهای خوشبو در حال احرام جایز نیست (۱). (م ۴۹۶)

نگاه در آینه

[۲۱۵] یکی از محرمات احرام، نگاه کردن در آینه است به قصد آرایش و زینت کردن. و احتیاط واجب آن است که بدون قصد (۲) زینت هم به آینه نگاه نکند. (هشتم از محرمات احرام و م ۳۶۸)

[۲۱۶] نگاه کردن به اجسام صافِ صیقل داده شده و آب زلال که تصویر در آن پیداست اشکال ندارد. (۳) (م ۳۶۴)

[۲۱۷] عینک زدن در حال احرام اگر زینت نباشد (۴) اشکال ندارد. (م ۳۶۵)

[۲۱۸] اگر محرم در اتاقی که ساکن است آینه باشد و بداند که گاهی چشم او سهواً به آینه می‌افتد اشکال ندارد ولی احتیاط

۱- آیات عظام خامنه‌ای، بهجت، سیستانی: بنابر احتیاط واجب حرام است.

۲- آیات عظام سیستانی، خامنه‌ای، مکارم، تبریزی، بهجت: بدون قصد زینت وآرایش اشکال ندارد.

۳- آیهٔ‌اللّه خامنه‌ای، آیهٔ‌اللّه مکارم: اگر به قصد تزیین نباشد.

آیهٔ‌اللّه سیستانی: اجسام صیقلی دیگری که خاصیت آینه را داشته باشد حکم آینه را دارد.

۴- آیهٔ‌اللّه فاضل، آیهٔ‌اللّه بهجت: اگر به قصد زینت نباشد اشکال ندارد.

ص: ۱۱۶

مستحب است که آن را بردارد یا چیزی روی آن بیندازد. (م ۳۶۷)

[۲۱۹] در نگاه به آینه فرقی نیست که تصویر خود را ببیند یا نبیند. (۱) (س ۴۹۷)

[۲۲۰] در حال احرام تصویربرداری با دوربین عکاسی یا فیلم‌برداری، چون معلوم نیست، نگاه به آینه باشد، اشکال ندارد. (س ۴۹۸)

انگشتر به دست کردن و پوشیدن زیور برای زینت

[۲۲۱] اگر برای استحباب انگشتر به دست کند اشکال ندارد. (۲) (سیزدهم از محرمات احرام)

[۲۲۲] اگر انگشتر را، نه برای استحباب و نه برای زینت به دست کند؛ مثلًا خاصیت طبّی داشته باشد، اشکال ندارد. (م ۳۸۷)

[۲۲۳] اگر چیزی بپوشد، که زیور به حساب آید، هرچند قصد زینت و خودآرایی نداشته باشد، حرام است. (۳) (م ۳۹۱)

۱- به حواشی مسائل قبل مراجعه فرمایید.

۲- آیةاللّه مکارم: انگشتر زینتی به هر قصد باشد حرام است.

آیةاللّه خامنه‌ای: بنا بر احتیاط واجب از هر کاری که زینت حساب شود، پرهیز کند، هرچند قصد زینت نکند.

۳- آیةاللّه سیستانی: انگشتر به دست کردن برای زینت، بنابر احتیاط واجب جایز نیست ولی برای استحباب و یا نگهداری آن اشکال ندارد.

ص: ۱۱۷

[۲۲۴] انگشتر و زیورهایی که قبلًا می‌پوشیده، لازم نیست، (۱) برای احرام از تن بیرون آورد. (م ۳۹۲)

[۲۲۵] زیورهـایی که قبلًا می‌پوشـیده، هرچنـد برای احرام لازم نیست از تن بیرون آورد ولی نبایـد به مرد نشان دهـد، حتّی به شوهر خودش. (۲) (م ۳۹۳)

حنا بستن

[۲۲۶] درحال احرام حنابستن، چه‌به قصـد زینت و خودآرایی باشد وچه بدین قصد نباشد ولی‌زینت به حساب آید، حرام است. (۳) (م ۳۸۸)

[۲۲۷] اگر قبل از احرام حنا ببندد، چه به قصد زینت و آرایش باشد، چه بدون چنین قصدی و چه اثرش تا وقت احرام باقی بماند

۱- آیۀاللّه فاضل: اگر قصد زینت و خودآرایی با آنها را نداشته باشد، لازم‌نیست بیرون آورد.

آیۀاللّه مکارم: ولی آن را بپوشاند.

۲- آیۀاللّه سیستانی: نسبت به شوهر و مردانی که با او محرم هستند، بنا بر احتیاط مستحب نشان ندهد.

۳- آیۀاللّه خامنه‌ای، آیۀاللّه سیستانی: حنا بستن و هر کاری که زینت به حساب آید بنا بر احتیاط واجب حرام است.

آیۀاللّه بهجت: حنا بستن اگر برای زینت باشد جواز آن مورد تأمّل است.

آیۀاللّه تبریزی، آیۀاللّه مکارم: حنا بستن در صورتی که زینت گفته شود حرام است.

ص: ۱۱۸

یا نماند، اشکال ندارد (۱) ولی احتیاط خوب است. (م ۳۸۹)

روغن مالیدن به بدن

[۲۲۸] در حال احرام، مالیدن روغن به بدن؛ مثلًا کِرِم زدن، هرچند بوی خوشی نداشته باشد، حرام است. (م ۳۹۵)

[۲۲۹] روغنی که بوی خوش دارد (۲)، اگر اثر آن تا وقت احرام باقی می‌ماند، قبل از احرام نیز نباید استعمال کند. (م ۳۹۶)

[۲۳۰] در حال احرام، خوردن روغن اگر بوی خوش نداشته باشد، اشکال ندارد. (م ۳۹۸)

[۲۳۱] در حال ناچاری و نیاز؛ مثلًا برای مداوا، استفاده از روغن اشکال ندارد. (م ۳۹۷)

زدودن مو از بدن

[۲۳۲] در حال احرام چیدن و زدودن مو از بدن حرام است و فرقی بین این موارد نیست:

- کم باشد یا زیاد.

۱- آیهٔاللّه صافی: در صورتی که اثرش تا حال احرام باقی می‌ماند بنا بر احتیاط باید خودداری کند.

آیهٔاللّه مکارم: اگرقصدش ادامهٔ زینت برای حال احرام باشد اشکال دارد.

۲- آیهٔاللّه سیستانی: اگر در آن عطر نباشد ولی خودش خوشبو باشداشکال ندارد.

ص: ۱۱۹

- از بدن خودش یا از بدن دیگری.

- چیدن باشد یا تراشیدن یا کندن.

- از موی سر باشد یا جای دیگر بدن.

(شانزدهم از محرمات احرام و مسأله ۴۰۱ و ۴۰۴)

[۲۳۳] اگر هنگام وضو یا غسل، بدون قصد، مویی کنده شود اشکال ندارد. (م ۴۰۳)

[۲۳۴] زدودن مو در حال ناچاری اشکال ندارد، (۱) مثل موی چشم اگر اذیت می‌کند. (م ۴۰۲)

ناخن گرفتن

[۲۳۵] یکی از محرمات احرام ناخن گرفتن است و در این مسأله فرقی میان موارد ذیل نیست:

- ناخن دست باشد یا پا.

- تمام ناخن را بچیند یا مقداری از آن را.

- بچیند یا کوتاه کند یا بکند.

- با قیچی بچیند یا چاقو یا وسیله‌ای دیگر. (م ۴۵۴ تا ۴۵۶)

[۲۳۶] چیدن‌ناخن درحال ناچاری اشکال ندارد؛ مثل آنکه مقداری از آن افتاده باشد و قسمت باقیماندهٔ آن موجب آزار انسان باشد. (۲) (م ۴۵۴)

۱- آیهٔاللّٰه صافی: گناه ندارد ولی کفاره دارد.

۲- آیهٔاللّٰه صافی: ولی کفاره دارد و کفارهٔ آن، یک مُدّ طعام است.

آیهٔاللّٰه تبریزی، آیهٔاللّٰه بهجت: ولی کفارهٔ آن یک مشت طعام است.

ص: ۱۲۰

پوشاندن صورت

[۲۳۷] زن مُحْرِم نبایـد تمام یا قسـمتی از صورت خود را با نقاب یا روبنـد وماننـد اینها بپوشانـد. و صورت به مقـداری که در وضـو شسته می‌شود باید باز باشد. (هیجدهم از محرمات احرام)

[۲۳۸] قسمتی از صورت، حکم تمام صورت را دارد و در حال احرام نباید آن را بپوشاند. (۱)(م ۴۲۹)

[۲۳۹] در این موارد پوشاندن صورت جایز است:

* گذاشتن صورت روی بالش، برای خوابیدن،

* گذاشتن دستها روی صورت.

* پایین انداختن چادر یا جامه‌ای که بر سر افکنده تا مقابل چانه، برای رو گرفتن از نامحرم. (۲) (م ۴۳۰، ۴۳۱ و ۴۳۳)

۱- آیةاللّه تبریزی، آیةاللّه سیستانی: بنا بر احتیاط واجب.

آیـةاللّه خامنه‌ای: پوشانـدن گوشه‌هایی از بالا یا پایین صورت یا دو طرف آن به طوری که پوشانـدن صورت بر آن صدق نکند مانع ندارد، چه در نماز چه در غیر آن.

آیةاللّه مکارم: پوشاندن بخشی از صورت به طوری که نقاب و بُرْقَعْ به آن نگویند جایز است.

۲- آیةاللّه تبریزی: احتیاط آن است که قسمت پایین آمده را به وسیلهٔ دست یا چیز دیگر از صورت خود دور نگه دارد.

آیةاللّه صافی: باید با دست یا چیز دیگری آن را از صورت دور نگه دارد.

آیةاللّه سیستانی: و در جایی که نامحرم نیست، اینگونه پوشش نیز جایز نیست.

ص: ۱۲۱

[۲۴۰] احتیاط مستحب است که وقتی چادر یا جامه را از سر پایین می‌اندازد، با دست یا چیز دیگری از صورت خود دور نگه دارد که به صورت نچسبد. (۱) (م ۴۳۴)

[۲۴۱] زن مُحْرِم هنگام نماز خواندن برای آنکه یقین کند تمام سر را پوشانده است، واجب است مقداری از صورت را نیز بپوشاند، ولی واجب است (۲) بعد از نماز فوراً آن قسمت از صورت را که پوشانده است، باز کند. (م ۴۳۲)

[۲۴۲] احتیاط واجب آن است که زن مُحْرِم صورت خود را با حوله خشک نکند. (۳) (س، ۵۰۶)

[۲۴۳] بانوان، در حال احرام برای پوشیدن و بیرون آوردن

۱- آیۀاللّه بهجت، آیۀاللّه مکارم: نگه داشتن آن از چسبیدن به صورت لازم نیست.

آیۀاللّه تبریزی: احتیاط واجب است.

آیۀاللّه صافی: باید با دست یا چیز دیگری، آن را از صورت دور نگه دارد.

۲- آیۀاللّه بهجت، آیۀاللّه مکارم: واجب نیست.

آیۀاللّه تبریزی، آیۀاللّه سیستانی: احتیاط واجب آن است که پس از نماز آن را بردارد.

۳- آیۀاللّه فاضل: جایز نیست.

آیۀاللّه خامنه‌ای: اگر حوله را بر روی همۀ صورت بیندازد اشکال دارد و در غیر این صورت مانعی ندارد.

آیۀاللّه مکارم: مانعی ندارد.

آیۀاللّه صافی: به طوری که صورت پوشیده نمی‌شود خشک کند.

آیۀاللّه بهجت: اگر تدریجی باشد مانعی ندارد.

ص: ۱۲۲

مقنعه از سر، باید سعی کنند، صورتشان پوشیده نشود (۱) ولی اگر سهواً پوشیده شود اشکال ندارد. (س، ۵۰۷)

بیرون آوردن خون از بدن

بیرون آوردن خون از بدن (۲)

[۲۴۴] در حـال احرام زخم کردن بـدن، خراشـیدن آن که بـاعث بیرون آمـدن خون شود، خون گرفتن و حتی مسواک زدن (۳) که سبب زخم شدن لثه‌ها بشود حرام است. (م ۴۵۱)

[۲۴۵] بیرون آوردن خون از بدن دیگران، مثل خون گرفتن پزشک مُحرم از بدن بیمار یا کشیدن دندان او- هرچند خون بیاید (۴)- اشکال ندارد. (س ۵۲۴)

[۲۴۶] خاراندن بدن و مسواک کردن دندانها، اگر خون بیرون نیاید و خمیر دندان خوشبو بکار نبرد، مانعی ندارد.

۱- آیهٔ‌اللّه مکارم: این مقدار مانعی ندارد.

آیهٔ‌اللّه سیستانی: پوشیدن مقنعه که مقداری از اطراف صورت را می‌پوشاند به احتیاط واجب جایز نیست.

به حاشیهٔ مسألهٔ ۲۳۸ نیز مراجعه شود.

۲- آیهٔ‌اللّه سیستانی: بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.

۳- آیهٔ‌اللّه مکارم: بنابر احتیاط مستحب ترک شود.

آیهٔ‌اللّه تبریزی، آیهٔ‌اللّه سیستانی: مسواک کردن عیبی ندارد اگرچه بداند خون خارج می‌شود.

آیهٔ‌اللّه بهجت: بنابر احتیاط واجب.

۴- آیهٔ‌اللّه مکارم: در فرض خون‌ریزی مکروه است.

ص: ۱۲۳

[۲۴۷] بیرون آوردن خون از بدن خود در حال ناچاری؛ مثلًا برای تشخیص بیماری اشکال ندارد. (م ۴۵۲)

[۲۴۸] تزریق آمپول در حال احرام مانعی نـدارد، ولی اگر سـبب بیرون آمدن خون از بدن می‌شود تزریق نکند، (۱) مگر در صورت نیاز و ضرورت. (س، ۴۸۷)

کشیدن دندان

[۲۴۹] کشیدن یا کندن دندان، هر چند خون نیاید، بنابر احتیاط (۲) واجب بر شخص مُحرم حرام است. (۳) (م ۴۶۸)

[۲۵۰] کشیدن دندان در حال ناچاری مانعی ندارد، ولی بنابر احتیاط واجب کفّاره دارد. (۴) (همان)

۱- آیهٔ‌اللّه مکارم: مکروه است.

آیهٔ‌اللّه سیستانی: بنا بر احتیاط جایز نیست، مگر در حال ضرورت.

۲- آیهٔ‌اللّه مکارم: اگر خون بیرون نیاید حرام نیست، ولی احتیاط مستحب است که بدون خونریزی هم دندان نکشد.

آیهٔ‌اللّه صافی: حرام است.

۳- آیهٔ‌اللّه تبریزی، آیهٔ‌اللّه سیستانی: بعید نیست این عمل جایز باشد.

۴- آیهٔ‌اللّه خامنه‌ای: کشیدن دندان بدون خونریزی نه حرام است و نه کفاره دارد و در صورتی که کشیدن دندان ضرورت پیدا کند و منجر به خونریزی شود، احتیاط مستحب آن است که یک گوسفند کفاره بدهد.

آیـهٔ‌اللّه بهجت: کنـدن دندان در صورتی که موجب خون آمدن شود حرام است ولی کفاره ندارد و اگر موجب خون آمدن نشود و یا کندن دندان ضرورت داشته باشد مانعی ندارد.

ص: ۱۲۴

فُسوق

[۲۵۱] فسوق؛ یعنی دروغ گفتن، فحش دادن و فخرفروشی (۱) به دیگران. (م ۳۷۲)

[۲۵۲] آنچه در بین مردم متعارف است که مُحرم به دیگری دوستانه دستور می‌دهد، یا درخواست می‌کند؛ مثلًا می‌گوید: «یک لیوان آب به من بدهید»، که همراه با فخرفروشی به دیگران نمی‌باشد، اشکال ندارد. (س، ۵۲۷)

جِدال

[۲۵۳] قسم خوردن به «اللّه»، یا ترجمهٔ آن به زبان دیگر؛ مثلًا به «خدا» در مقام اثبات یا ردّ چیزی «جدال» است و از محرّمات احرام شمرده شده است. (م ۳۷۳)

۱- آیةاللّه تبریزی: فخر کردن بر دیگران اگر برای اثبات فضیلت و برتری‌برای خود باشد که توهین دیگری را دربر داشته باشد این عمل خود بخود حرام است.

آیةاللّه مکارم: بنا بر احتیاط واجب فخر فروشی نیز از فسوق است.

آیةاللّه سیستانی: فخر کردن اگر مستلزم اهانت و تحقیر مؤمن باشد همیشه حرام است و در حال احرام حرمتش مؤکّد است و اگر چنین نباشد اشکالی ندارد حتی در حال احرام.

ص: ۱۲۵

[۲۵۴] کلمه «لا» و «بلی» دخالتی در مطلب ندارد، (۱) بنابراین اگر بدون این دو کلمه هم قسم بخورد، جدال است. (همان)

[۲۵۵] بنا بر احتیاط واجب، سایر اسماء الهی؛ مانند رحمان، رحیم، خالق السموات و الأرض، حکم «اللّه» را دارد و در حال احرام از قسم خوردن به این الفاظ نیز باید پرهیز شود. (۲) (م ۳۷۵)

[۲۵۶] در مقام ضرورت، برای اثبات حق یا ردّ باطل قسم خوردن به «اللّه» و غیر آن جایز است. (۳) (م ۳۷۶)

کندن درخت و گیاه حرم

[۲۵۷] کنـدن و بریـدن درختـان و گیاهـانی کـه در منطقـهٔ حَرَم روییـده اسـت، بر مُحرم و غیر مُحرم حرام اسـت و ایـن از مُحرَّمـات مخصوص حَرَم است. (بیست و سوم از محرمات احرام و مسأله ۴۷۸)

۱- آیهٔاللّه فاضل: این دو کلمه دخالت در مطلب دارد.

۲- آیهٔاللّه فاضل: در صورتی که با کلمه «لا» یا «بلی» باشد بنا بر احتیاط مستحب حکم جدال را دارد.

آیهٔاللّه سیستانی: در جدال، کافی است که قسم به خدای متعال باشد ولو به لفظ جلاله نباشد.

آیهٔاللّه بهجت: اگر قسم به «اللّه» نباشد جدال نیست.

۳- آیهٔاللّه سیستانی: در صورتی که ترک آن موجب ضرری برای او باشد، مثلًا حق او را پایمال کنند.

آیهٔاللّه تبریزی، آیهٔاللّه صافی: برای اظهار مودّت و دوستی و اکرام مؤمن نیز جایز است.

ص: ۱۲۶

[۲۵۸] در این‌موارد کندن وبریدن درخت و گیاه حرم جایز است:

* درخت یا گیاهی که خودش در منزلش (۱) کاشته است.

* درختان میوه. (۲)

* گیاهی به نام اذْخِر. (۳)

* گیاهی که بر اثر راه رفتن- به‌طور متعارف- کنده شود. (۴)

(م ۴۶۹ و ۴۷۳ و ۴۷۹)

شکار حیوانات صحرایی

[۲۵۹] شکار حیوانات دریایی؛ مانند ماهی و خوردن گوشت آنها در حال احرام اشکال ندارد. (م ۳۰۷)

۱- آیـۀاللّه سیسـتانی: فرقی بین کاشـتن خود شـخص و دیگری در این صورت نیست، ولی اگر گیاه یا درختی را خود کاشـته باشـد می‌تواند قطع کند، هرچند در ملک دیگری باشد.

۲- آیۀاللّه مکارم: قطع درختان میوه اگر خودرو باشد، بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.

آیـۀاللّه فاضل: چیـدن میوه‌ها و شاخه‌هایی که برای هرس کردن که در بهتر و بیشتر شـدن میوه‌ها تأثیر دارد می‌چیننـد، اشـکال ندارد ولی خود درخت را نباید قطع کنند.

۳- اذخر/ کور گیاه، گزنۀ دشتی. گیاهی است با شاخه‌های باریک، برگهای ریز و سرخرنگ یا زرد و تندبو، شکوفه‌های سفید.

۴- آیۀاللّه بهجت: درصورتی که بداند با راه رفتن از آن‌جا گیاه کنده می‌شود و ضرورتی در رفتن نباشد، احتیاط در ترک است.

ص: ۱۲۷

[۲۶۰] ذبح و خوردن گوشت حیوانات اهلی؛ مانند مرغ خانگی و گوسفند، مانع ندارد. (م ۳۰۸)

[۲۶۱] احتیاط واجب (۱) است که در حال احرام، زنبور را اگر قصد اذیت او را ندارد، نکشد. (م ۳۱۰)

[۲۶۲] صید ملخ و سایر پرندگان در حال احرام جایز نیست. (م ۳۰۹)

۱- آیهٔ‌الله بهجت: اگر قصد اذیت او را ندارد، نباید آن را بکشد.

آیهٔ‌الله سیستانی: نباید بکشد.

ص: ۱۲۸

ص: ۱۲۹

بخش سوّم کودکان و عمرهٔ مفرده و ...

اشاره

۱- کودکان و اعمال عمرهٔ مفرده

۲- مستحبات مکّهٔ مکرّمه

۳- نماز زائران در مکه و مدینه

۴- اجازهٔ شوهر

۵- همراه

۶- نیابت

۷- مسائل متفرقه

ص: ۱۳۰

ص: ۱۳۱

کودکان و اعمال عُمره

اشاره

[۲۶۳] چون برخی از بانوان فرزندان خردسال خود را در سفر عمره به همراه دارند، بخشی از احکام عمرهٔ کودکان را به طور مختصر می‌آوریم: (۱)

[کودکان دو دسته‌اند:]

[۲۶۴] کودکان دو دسته‌اند:

۱- «مُمیِّز»، و آن کودکی است که خوب و بد را تشخیص می‌دهد و خودش می‌تواند اعمال را به طور صحیح انجام دهد.

۲- «غیر مُمیِّز»، که به حدّ ممیّز نرسیده است.

[۲۶۵] کودک مُمیِّز، خودش مُحرم می‌شود و اعمال را بجا می‌آورد، و در مواردی که خودش نتواند انجام دهد، سرپرست وی (مثلًا پدر یا مادر) او را در انجام اعمال یاری می‌دهد.

[۲۶۶] کیفیّت اعمال کودک غیر مُمیِّز، بدین گونه است:

۱- در چند مسأله از این بحث فتوای مراجع معظم تقلید به دست نیامد.

ص: ۱۳۲

۱- احرام: سرپرست وی لباس احرام بر او می‌پوشاند و از طرف او نیّت احرام می‌کند، و اگر می‌تواند لبیّک‌ها را به طور صحیح پاسخ دهد، برایش می‌گوید تا او هم بگوید، و اگر نمی‌تواند به طور صحیح پاسخ دهد، خودش از طرف او «لبیک‌ها» را می‌گوید.

۲- طواف: باید او را طواف دهد، اگر کودک بتواند، باید خودش راه برود، وگرنه او را حمل کرده، طواف می‌دهند. و برای طواف و نماز طواف، اگر بتواند خودش وضو می‌گیرد وگر نه باید او را وضو دهند (۱) یا او را در وضو کمک کنند و سرپرست وی از طرف او نیّت می‌کند.

۳- نماز طواف: سرپرست وی‌نماز را از طرف او می‌خواند.

۴- سعی: مانند طواف او را به سعی می‌برند.

۵- تقصیر: قدری از مو یا ناخن او را کوتاه می‌کنند.

۶- طواف نساء و نماز آن نیز همانند طواف عمره و نمازش انجام می‌شود.

(تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۷۱، م ۱ و مناسک، م ۸ و ۱۳ وس ۱۰۴ و ۱۰۵)

۱- آیهٔ اللّه فاضل: در اعمالی که نیاز به وضو دارد احتیاطاً طفل را وضو بدهدو خودش هم وضو بگیرد.

آیهٔ اللّه بهجت: احتیاط آن است که در حال طواف هر دو طهارت داشته باشند و نماز طواف را هر دو بخوانند.

ص: ۱۳۳

چند مسأله

[۲۶۷] مُحرم کردن طفل و بردن او برای اعمال عمره، واجب نمی‌باشد. بنابراین، افرادی که کودکان خود را برای زیارت همراه می‌برند، اگر بخواهند آنها را مُحرم کنند، باید کمال دقت را داشته باشند تا تمامی اعمالشان به طور صحیح انجام شود و با ناقص بودن اعمال، مشکلی در آینده برای آنها پیش نیاید. (مناسک، م ۷)

[۲۶۸] کودکی که برای عمرهٔ مفرده مُحرم شده است، باید طواف نساء و نماز آن را نیز بجا آورد، و چنانچه انجام ندهد، نمی‌تواند ازدواج کند. (تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۴۵۳، م ۷)

[۲۶۹] پسر بچه‌ای که خَتنه نشده است، بنابر احتیاط واجب، طوافش صحیح نیست، بنابراین بر اولیای کودکان است که پسر بچهٔ ختنه نشده را مُحرم نکنند. هر چند غیر ممیّز باشد.

(تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۴۳۱، الرابع)

[۲۷۰] سرپرست طفل، باید در مدّت احرام، او را از کارهایی که بر مُحرم حرام است، باز دارد (۱)

(تحریرالوسلیه، ج ۱، ص ۳۷۱، م ۱، مناسک، م ۱۰)

[۲۷۱] در حال طواف و سعی، شرایط این اعمال باید مراعات

۱- آیات عظام تبریزی، سیستانی، بهجت: این حکم در مورد محرم کردن کودک غیر ممیّز است.

ص: ۱۳۴

شود؛ مثلًا در حال طواف بایـد بـدن و لباس کودک پاک باشد (۱) و شانـهٔ چپ او به طرف کعبه باشد (۲) و در حال طواف و سعی بیدار باشد. (۳) لذا توصیه می‌شود کسانی که نمی‌توانند نظارت کامل بر اعمال کودک داشته باشند، آن عزیزان را مُحرم نکنند. (مناسک، ص ۵۲۶، س ۱۳ و ۱۴)

۱- آیۀاللّه تبریزی: آن‌مقدار که‌بتوانند، بنابراحتیاط طهارت او را رعایت کنند.

آیۀ اللّه سیستانی: رعایت طهارت بدن و لباس او لازم نیست.

۲- آیۀ اللّه صافی: بنابر احتیاط شانۀ چپ کودک نیز به طرف کعبه باشد.

۳- آیۀاللّه مکارم: اگر کودک ممیز است و در ابتدای سعی نیّت کرده اشکال ندارد.

آیۀ اللّه تبریزی: بنابر احتیاط واجب باید بیدار باشد.

ص: ۱۳۵

مستحبّات مکهٔ معظّمه

[آداب و مستحبات شهر مکه]

[۲۷۲] آداب و مستحبات شهر مکه- بجز آنچه در اعمال عمره بیان شد- از این قرار است:

۱- زیاد ذکر خدا گفتن و خواندن آیات قرآن.

۲- خواندن یک دور کامل قرآن.

۳- از آب زمزم بیاشامد و بعد این دعا را بخواند:
«أللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْماً نافِعاً و رِزْقاً واسِعاً وَشِفاءً مِنْ کُلِّ داءٍ وَ سُقْمٍ».

و نیز بگوید:
«بِسْمِ اللّهِ وَبِاللّهِ وَالشُّکْرَ لِلّهِ».

۴- مکرّر به کعبه نگاه کردن.

۵- در هر شبانه روز ده مرتبه طواف کردن؛ در اول شب سه طواف، و در آخر شب سه طواف، و پس از اذان صبح دو طواف، و بعد ازظهر دو طواف.

۶- هنگام توقف در مکه، به تعداد روزهای سال؛ یعنی سیصد و شصت مرتبه طواف کند و اگر این مقدار نشد پنجاه و دو مرتبه و اگر آن هم ممکن نشد هر مقدار که بتواند. (م ۱۳۱۰)

ص: ۱۳۶

طواف وِداع

[۲۷۳] برای کسی که می‌خواهد از مکّه بیرون رود مستحب است طواف وداع انجام دهد. (م ۱۳۱۲)

[۲۷۴] طواف وداع نیز هفت شوط است و نماز آن هم مستحب می‌باشد. (م ۱۳۱۲)

[۲۷۵] مستحب است که از خداوند متعال توفیق مراجعت را بطلبد. (م ۱۳۱۲)

ص: ۱۳۷

اجازۀ شوهر

[۲۷۶] اگر زن، بخواهد عمرۀ مستحبی بجا آورد، باید از شوهرش اجازه بگیرد. (تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۸۴، م ۵۲ و س ۸۷)

[۲۷۷] اگر انجام عمرۀ مفرده بر زن واجب شده باشد، برای رفتن به عمره اجازۀ شوهر شرط نیست، (۱) و برای شوهر هم جایز نیست که او را از رفتن منع کند. (همان)

همراه

[۲۷۸] اگر زن بتوانـد به تنهایی به عمره برود و بر خود نترسـد، شـرط نیست که مَحرمی همراه او باشـد، ولی اگر امنیّت نـدارد و تنها نمی‌تواند به عمره برود، واجب است یکی از محارم یا فرد مورد اطمینانی را همراه ببرد.

(تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۸۴، م ۵۳)

۱- آیهٔاللّه مکارم: ولی بهتر آن است که رضایت او را جلب کند.

ص: ۱۳۸

نیابت

[۲۷۹] زنی که شرایط نیابت را داشته باشد، می‌تواند در انجام عمره، نایب زن یا مردی باشد؛ مثلًا اگر مردی برای انجام عمره وصیت کرده است، همسر یا دختر او هم می‌تواند به نیابت از او عمره بجا آورد.

(تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۹۲، م ۲)

[۲۸۰] کسی که برای انجام عمره، نایب می‌شود باید این شرایط را داشته باشد:

۱- بلوغ، بنابراحتیاط واجب، (۱) (نیابت کودک غیر بالغ

۱- آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه سیستانی: در عمرهٔ مستحبی نیابت غیر بالغ با اجازهٔولیّ خود صحیح است.

آیـهٔاللّه بهجت: نیـابت کودک غیر ممیز صـحیح نیست و اگر بچه ممیز باشـد و قائـل به شـرعیت عبـادت صبی ممیز باشـیم، خـالی از رجحان نیست که نیابت وی صحیح باشد.

آیهٔاللّه مکارم: در حج واجب.

ص: ۱۳۹

صحیح نیست).

۲- عقل، (دیوانه نمی‌تواند نایب شود).

۳- ایمان، (نایب باید شیعهٔ دوازده‌امامی باشد).

۴- اعتماد و اطمینان به انجام دادن اعمال. (۱)

۵- شناخت افعال و احکام عمره، هرچند با راهنمایی دیگری؛ مثلًا روحانی کاروان در هنگام عمل.

۶- بتواند اعمال عمره را خودش انجام‌دهد؛ یعنی‌نایب معذور درترک برخی از افعال عمره نباشد، (۲) پس‌اگرخودش نمی‌تواند طواف یا سعی را انجام دهد نیابتش صحیح نیست. (م ۱۰۷)

[۲۸۱] زن می‌تواند مردی را برای انجام عمره، نایب خود قرار دهد، همان‌گونه که می‌تواند، به زنی نیابت بدهد. (م ۱۰۷)

۱- آیهٔاللّه بهجت: باید یقین کند که نایب، اعمال را به طور صحیح بجا آورده یا دلیل معتبری بر اینکه اعمال را بجا آورده، داشته باشد.

۲- آیهٔاللّه فاضل: نیابت در هر صورت صحیح نیست ولی می‌تواند برای‌خود عمره انجام دهد و ثواب آن را اهدا کند.

ص: ۱۴۰

نماز زائران در مدینه و مکّه

[۲۸۲] زائرانی که در مدینهٔ منوره یا مکهٔ مکرّمه حداقل ده روز می‌مانند نمازشان در این دو شهر تمام است و رفتن به مزار شهدای احُدْ و مسجد قبا و مسجد ذوقبلتین این مسأله را تغییر نمی‌دهد. (توضیح المسائل، احکام مسافر)

[۲۸۳] زائرانی که کمتر از ده روز در مدینه یا در مکّه می‌مانند، نمازهای چهاررکعتی را باید دورکعتی بخوانند، بجز در مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله که حکم آن خواهد آمد. (م ۱۳۱۶)

[۲۸۴] مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را شکسته بخواند می‌تواند در مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله، آن نمازها را شکسته یا تمام بخواند و این حکم اختصاص به مسجد اصلی ندارد و در جاهای توسعه یافتهٔ مسجد هم جاری است. (۱) (م ۱۳۱۶)

۱- آیات عظام خامنه‌ای، سیستانی، فاضل، مکارم، صافی: مسافر در تمام مکّه و مدینه می‌تواند نمازش را تمام یا شکسته بخواند.
آیةاللّه تبریزی: مسافر در مکه و مدینهٔ قدیم زمان پیامبر می‌تواند نمازش را تمام یا شکسته بخواند.
آیةاللّه بهجت: مسافر در مسجدالحرام و مسجدالنبی می‌تواند نماز را تمام یا شکسته بخواند ولی احتیاط واجب آن است که در جایی که اوّل جزو این مساجد نبوده و بعد به آن اضافه شده نمازش را شکسته بخواند.

ص: ۱۴۱

[۲۸۵] خـارج شـدن از مسـجدالحرام یا مسـجد النبی صـلی الله علیه و آله هنگام شـروع نماز جماعت جایز نیست و بر شـیعیان واجب است که در این نماز جماعت‌ها شرکت کنند. (۱) (م ۱۳۱۳)

[۲۸۶] شـرکت در نمـاز جمـاعت اهـل سـنت اختصـاص به مسـجدالحرام و مسـجدالنبی نـدارد و در دیگر مساجـد هم از نماز واجب کفایت می‌کند. (۲) (م ۱۳۱۵)

[۲۸۷] سـجده کردن بر سنگهایی که هم اکنون مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله با آنها فرش شده است، اشکال ندارد. (م ۱۳۱۴)

[۲۸۸] درمسجدالنبی صلی الله علیه و آله سجده‌کردن روی‌فرشهای‌مسجد مانع ندارد و مهر گذاشتن جایز نیست (۳) و لازم نیست در جایی که سنگ

۱- آیهٔ اللّه بهجت: اگر کار ضروری ندارند خارج نشوند و خوب است شرکت کنند.

۲- آیـهٔاللّه سیسـتانی، آیـهٔاللّه تبریزی: در صورتی که قرائت حمد و سوره را برای خود آهسـته انجام دهد، کفایت می‌کند و در نماز جمعه بعد از فراغ از آن، نماز ظهر را اعاده کند.

۳- آیهٔاللّه تبریزی: با وجود امکان سنگ فرش، باید به آنجا برود.

آیـهٔاللّه فاضـل: اگر مخـالف تقیه نباشـد و موجب هتـک و انگشت‌نما شـدن نشود، بایـد در محلی که بتوانـد پیشانی او در سـجده بر سنگهای مسجد قرار گیرد سجده نماید.

آیهٔاللّه خامنه‌ای: اگر با فریضهٔ تقیه منافات ندارد، باید بر سنگ‌فرش سجده کند.

آیهٔاللّه بهجت: در صورتی که بتواند بر چیزی که سجده بر آن صحیح است سجده کند، سجده بر فرش خلاف احتیاط است.

ص: ۱۴۲

است نماز بخوانند (۱) و لازم نیست حصیر و مانند آن با خود ببرند، ولی‌اگر مراعات کنند که‌موجب توهین نشود وحصیر برای جا نماز با خودداشته باشند وروی آن‌نماز بخوانند، به طوری که متعارف سایر مسلمین است اشکال‌ندارد، لیکن تأکید می‌شود از عملی که موجب هتک وانگشت‌نما شدن‌باشد، اجتناب‌نمایند. (م ۱۳۳۴ و ۱۳۳۵)

مسائل متفرّقه

[۲۸۹] بیرون بردن قرآن‌هایی که در مسجدالحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله است بدون آن‌که از متصدی آنها اجازه بگیرند جایز نیست و اگر از مسجد بیرون آورده باشند باید برگردانده شود. (س ۱۳۴۶)

۱- آیۀاللّه سیستانی: در صورت تمکن لازم است.
آیـۀاللّه صافی: اگر فرادی نماز می‌خواند و ضـرورتی نباشد نباید به فرش سـجده کند و اگر به جماعت می‌خواند سـجده بر فرش در مواردی که به خاطر تقیّه ضرورت داشته باشد مانعی ندارد.

ص: ۱۴۳

[۲۹۰] آوردن سنگ از صفا و مروه جایز نیست. (۱) (س ۱۳۴۷)

[۲۹۱] اگر در منطقهٔ حرم چیزی پیدا کند، برداشتن آن کراهت شدید دارد، بلکه احتیاط (۲) آن است که برندارد. (م ۱۳۳۰)

[۲۹۲] اگر در منطقهٔ حرم چیزی پیدا کند و بردارد، پس اگر:

* قیمت آن از یک درهم کمتر باشد، می‌تواند به قصد آن‌که مِلک خودش باشد بردارد.

* قیمت آن یک درهم (۳) یا بیشتر است، (۴) باید تا یک سال اعلام کند تا صاحبش پیدا شود پس اگر صاحبش پیدا نشد، می‌تواند (۵) آن را برای صاحبش به فقیر صدقه بدهد، یا برای صاحبش نگهداری کند، تا پیدا شود. (م ۱۳۳۱ و ۱۳۳۲)

الحمد للّه‌اوّلًا وآخراً

۱- آیهٔ‌اللّه تبریزی: بنا بر احتیاط جایز نیست.

آیهٔ‌اللّه سیستانی: شکستن سنگ‌های صفا و مروه جایز نیست، ولی برداشتن آن‌چه از آن جدا شده مانعی ندارد.

۲- آیهٔ‌اللّه فاضل، آیهٔ‌اللّه مکارم: بنا بر احتیاط واجب نباید بردارد.

۳- درهم، یک واحد پولی نقره است که ارزش آن، امروزه بهار ۱۳۸۴ حدود ۸۰۰ تومان است.

۴- آیهٔ‌اللّه سیستانی، آیهٔ‌اللّه صافی: بنا بر احتیاط واجب باید صدقه بدهد.

۵- آیهٔ‌اللّه مکارم: هرگاه احتمال قابل توجه در مورد پیدا شدن صاحبش‌نمی‌دهد، صدقه بدهد.

ص: ۱۴۴

ص: ۱۴۵

زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

أَشْهَدُ أنْ لا إِلهَ إِلَّا اللّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّکَ رَسُولُ اللّهِ، وَأَنَّکَ مُحَمَّدُ بنُ عَبْدِاللّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّکَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسالاتِ رَبِّکَ، وَنَصَحْتَ لِأُمَّتِکَ، وجاهَدْتَ فِی سَبیلِ اللّهِ، وَعَبَدْتَ اللّهَ حَتّی أَتاکَ الْیَقینُ بِالْحِکْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَأَدَّیْتَ الَّذِی عَلَیْکَ مِنَ الْحَقِّ، وَأَنَّکَ قَدْ رَؤُفْتَ بِالْمُؤْمِنینَ، وَغَلُظْتَ عَلَی الْکافِرینَ، فَبَلَغَ اللّهُ بِکَ أَفْضَلَ شَرَفِ مَحَلِّ الْمُکَرَّمینَ؛ الْحَمْدُ للّهِ الَّذِی اسْتَنْقَذَنا بِکَ مِنَ الشِّرْکِ وَالضَّلالَةِ، اللّهُمَّ فَاجْعَلْ صَلَواتِکَ وَصَلَوةَ مَلائِکَتِکَ الْمُقَرَّبینَ، وَعِبادِکَ الصّالِحینَ، وَأَنْبیائِکَ الْمُرْسَلِینَ، وَأَهْلِ السَّماواتِ وَالْأَرَضِینَ، وَمَنْ سَبَّحَ لَکَ یا رَبَّ الْعالَمِینَ مِنَ الْأَوَّلِینَ وَالْآخِرینَ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَرَسُولِکَ وَنَبِیِّکَ وَنَجِیبِکَ

ص: ۱۴۶

وَحَبیبِکَ وَخاصَّتِکَ وَصَفِیِّکَ وَصَفْوَتِکَ وَخِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ؛ اللّهُمَّ أَعْطِهِ الدَّرَجَةَ الرَّفیعَةَ، وَآتِهِ الْوَسیلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ، وَابْعَثْهُ مَقاماً مَحْموداً یَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ؛ أَللّهُمَّ إِنَّکَ قُلْتَ: (وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جاؤُوکَ فَاسْتَغْفَرُوا اللّهَ وَاسْتَغفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللّهَ تَوّاباً رَحیماً) وَإِنِّی أَتَیْتُکَ مُستَغْفِراً تائِباً مِنْ ذُنُوبی، وَإِنِّی أَتَوَجَّهُ بِکَ إِلیَ اللّهِ عَزَّوَجَلَّ رَبِّی وَرَبِّکَ لِیَغْفِرَ لِی ذُنُوبی. (۱)

زیارت حضرت فاطمه علیها السلام

السَّلامُ عَلَیْکِ یا مُمْتَحَنَةُ قَدِ امْتَحَنَکِ الَّذی خَلَقَکِ قَبْلَ أَنْ یَخْلُقَکِ، فَوَجَدَکِ لِما امْتَحَنَکِ صابِرَةً، وَنَحْنُ لَکِ أَوْلِیاءٌ، صابِرُونَ وَمُصَدِّقُونَ لِکُلِّ ما أَتانا بِهِ أَبُوکِ صَلَّی اللّهُ عَلَیهِ وَآلِهِ وأَتانا بِهِ وَصِیُّهُ، فَإِنّا نَسْأَلُکِ إِنْ کُنّا

۱- تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۶، کامل الزیارات، ص ۱۶، مفاتیح‌الجنان، ص ۶۲۹

ص: ۱۴۷

صَدَّقْناكِ إلّا الْحَقْتِنا بِتَصْدِيقِنا لَهُما لِتُبَشِّرَ أَنفُسَنا بِأَنّا قَدْ طَهُرْنا بِوِلايَتِكِ.

السَّلامُ عَلَيْكِ يـا بِنْتَ رَسُولِ اللّهِ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ نَبِيِّ اللّهِ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ خَلِيلِ اللّهِ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ أَمِينِ اللّهِ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللَّه، أُشْـهِدُ اللّهَ وَرَسُولَهُ ومَلائِكَتَهُ أَنِّى راضٍ عَمَّنْ رَضِيتِ عَنْهُ، ساخِطٌ عَلى مَنْ سَخِطْتِ عَلَيْهِ، مُتَبَرِّئٌ مِمَّنْ تَبَرَّأْتِ مِنْهُ، مُوالٍ لِمَنْ والَيْتِ، مُعادٍ لِمَنْ عادَيْتِ، مُبْغِضٌ لِمَنْ ابْغَضْتِ، مُحِبٌّ لِمَنْ أَحْبَبْتِ، وَكَفى بِاللّهِ شَهِيداً وَحَسيباً وَجازِياً وَمُثِيباً.

پس از آن، بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وامامان علیهم السلام صلوات فرستاده شود. (۱)

۱- المزار الکبیر ص ۱۹، مفاتیح الجنان ص ۶۳۲

ص: ۱۴۸

زیارت ائمهٔ بقیع علیهم السلام «۱»

السَّلامُ عَلَیْکُم أَئِمَّةَ الْهُدی، السَّلامُ عَلَیْکُم أَهْلَ التَّقْوی، السَّلامُ عَلَیْکُمْ أَیُّهَا الْحُجَجُ عَلی أَهْلِ الدُّنْیا، السَّلامُ عَلَیْکُم أیُّهَا الْقُوّامُ فِی الْبَرِیَّةِ بِالْقِسْطِ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ أَهْلَ الصَّفْوَةِ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ آلَ رَسُولِ اللّهِ، السَّلامُ عَلَیْکُم أَهْلَ النَّجْوی، أَشْهَدُ أَنَّکُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ ونَصَحْتُمْ وَصَبَرْتُمْ فی ذاتِ اللّهِ، وَکُذِّبْتُمْ وَأُسِیءَ إِلَیْکُمْ فَغَفَرْتُمْ، وَأَشْهَدُ أنَّکُمُ الْأَئِمَّةُ الرّاشِدُونَ الْمُهْتَدُونَ، وَأَنَّ طاعَتَکُمْ مَفْرُوضَةٌ، وَأَنَّ قَوْلَکُمُ الصِّدْقُ، وَأَنَّکُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجابُوا، وأَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطاعُوا، وَأَنَّکُمْ دَعائِمُ الدّینِ، وَأَرْکانُ الْأَرْضِ، لَمْ تَزالُوا بِعَیْنِ اللّهِ یَنسَخُکُمْ مِنْ أَصْلابِ کُلِّ مُطَهَّرٍ، ویَنْقُلُکُمْ مِنْ أَرْحامِ الْمُطَهَّراتِ، لَمْ تُدَنِّسْکُمُ

ص: ۱۴۹

الْجّاهِلِيَّةُ الْجَهْلاءُ، وَلَمْ تَشْرَكْ فِيكُمْ فِتَنُ الْأَهْواءِ، طِبْتُمْ وَطابَ مَنْبَتُكُمْ مَنَّ بِكُمْ عَلَيْنا دَيّانُ الدّين، فَجَعَلَكُمْ فِى بُيُوتٍ أَذنَ اللّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَجَعَلَ صَلاتَنا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنا وَكَفّارَةً لِذُنُوبِنا إذ اخْتارَكُمُ اللّهُ لَنا وَطَيَّبَ خَلْقَنا بِما مَنَّ عَلَينا مِنْ وِلايَتِكُمْ وَكُنّا عِنْدَهُ مُسَمّينَ بِعِلْمِكُمْ، مُعْتَرِفينَ بتَصْديقِنا إيّاكُمْ وَهذا مَقامُ مَنْ أَسْرَفَ وَأَخْطأَ وَاسْتَكانَ وَأقَرَّ بِما جَنى، وَرَجى بِمَقامِهِ الْخَلاصَ وَأنْ يَسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلْكى مِنَ الرَّدى، فَكُونُوا لِى شُفَعاءَ فَقَدْ وَفَدْتُ إلَيْكُمْ إذْ رَغِبَ عَنْكُمْ أهْلُ الدُّنْيا، وَاتَّخَذُوا آياتِ اللّهِ هُزُواً، وَاسْتَكْبَرُوا عَنْها.

يا مَنْ هُوَ قائِمٌ لا يَسْهُو، ودائِمٌ لا يَلْهُو، وَمُحِيطٌ بِكُلِّ شَىْءٍ، لَكَ الْمَنُّ بِما وَفَّقْتَنِى، وَعَرَّفْتَنِى بِما اقَمْتَنى عَلَيْهِ إذْ صَدَّ عَنْهُ عِبادُكَ وَجَهِلُوا مَعْرِفَتَهُ، واسْتَخَفُّوا بِحَقِّهِ، وَمالُوا إلى سِواهُ، وَكانَتِ الْمِنَّةُ مِنْكَ عَلَيَّ، مَعَ أَقْوامٍ خَصَصْتَهُم بِما خَصَصْتَنِى بِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِى مَقامِى هذا مَذْكُوراً مَكْتُوباً، فَلا تَحْرِمْنِى ما

ص: ۱۵۰

رَجَوْتُ، وَلا تُخَیِّبْنی فیما دَعَوْتُ بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرینَ وَصَلَّی اللّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ. (۱)

پس از آن برای خود دعا کن و بعد برای هر امام دو رکعت نماز زیارت بخوان.

جهت حفظ قداست و احترام ائمۀ بقیع علیهم السلام، زائران عزیز نماز زیارت را در مسجد النبی صلی الله علیه و آله بخوانند و از خواندن نماز در قبرستان بقیع پرهیز کنند.

۱- مفاتیح الجنان، تهذیب الاحکام ج ۶ ص ۸۰، کامل الزیارات ص ۵۵

ص: ۱۵۱

اصطلاحات و لغات

اتمام: تمام کردن، به پایان رساندن.

اثناء: وسط، بین.

احراز: به دست آوردن، رسیدن به چیزی.

احوط: همان احتیاط است که اگر همراه با فتوا باشد احتیاط مستحب و اگر همراه با فتوا نباشد، احتیاط واجب است.

ازاله: برطرف کردن.

اعاده: کاری را دوباره انجام دادن، تکرار کردن.

اعمال: جمع عمل، کارها.

بُطلان: باطل شدن.

تروک احرام: کارهایی که مُحرم باید ترک کند، محرّمات احرام.

حاشیه: کنار، در اینجا به معنای پاورقی.

حدّت: تندی، خشم و غضب، تیزی.

حدوث: پدید آمدن، ایجاد شدن.

حَرَج: سختی، دشواری، تنگی و فشار.

حواشی: جمع حاشیه.

ص: ۱۵۲

دالّ: دلالت کننده، راهنمایی کننده.

ذِراع: قسمتی از دست انسان از آرنج تا سر انگشتان.

ذمّه: عهده، بر ذمّه بودن، بر عهده بودن، بر کسی لازم بودن.

رجاءً: به امید مطلوب بودن و پاداش داشتن.

شاذروان: پیش آمدگی کنار دیوار کعبه، به مسألهٔ ۱۱۴ مراجعه شود.

شوط: دور، به مسألهٔ ۱۶۷ مراجعه شود.

عدول: بازگشت، برگشتن.

عُرف: شناخته، خوی و عادت، آنچه میان مردم متداول شده.

عُسر: سختی، تنگدستی.

عُقلاء: جمع عاقل، صاحبان خرد.

علم و عمد: با آگاهی و توجّه و با قصد.

قصد اجمالی: قصد و نیّتی که قطعی نباشد.

ما فی الذمّه: آنچه بر عهده است، آنچه وظیفهٔ انسان است.

محاذی: روبرو، مقابل، به مسألهٔ ۱۵ مراجعه شود.

مُخَیَّر: دارای اختیار.

مستلزم: چیزی که لازمهٔ چیز دیگر است، آنچه که چیز دیگری را لازم دارد.

مُسطح: هموار، بدون پستی و بلندی.

مشقّت: سختی، دشواری، رنج.

مطالبه: درخواست.

ممیّز: کسی که خوب و بد را تشخیص می‌دهد.

ص: ۱۵۳

مُنجر: کشیده شده، کشیده شده به جایی یا به سوی چیزی.

موالات: پی‌درپی، بی‌فاصله.

مودّت: دوستی، محبّت.

مؤکّد: تأکید شده، سفارش شده.

وثوق: اطمینان.

هتک: بی‌احترامی کردن، رسوا ساختن کسی.

ص: ۱۵۴

ص: ۱۵۵

منابع و مآخذ

در تهیهٔ این نوشته از این کتابها استفاده شده است:

۱- استفتاآت، امام خمینی قدس سره، دفتر انتشارات اسلامی، قم.

۲- تحریر الوسیله، امام خمینی قدس سره، دار الانوار، بیروت.

۳- رسالهٔ توضیح المسائل، امام خمینی قدس سره، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، مشهد.

۴- رسالهٔ توضیح المسائل، مراجع‌معظّم تقلید- دامت برکاتهم-.

۵- العروه الوثقی (دو جلدی، محشّی)، سید کاظم یزدی قدس سره، المکتبه الاسلامیه، تهران.

۶- مناسک حج، امام خمینی قدس سره، با حواشی مراجع معظّم تقلید- دامت برکاتهم-، نشر مشعر، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۷ ه. ش.

۷- مفاتیح الجنان، حاج شیخ عباس قمی.

۸- تهذیب الأحْکام، شیخ طوسی.

۹- کامل الزیارات، ابن قولویه.

ص: ۱۵۶

رهنمودی از امام خمینی قدس سره:

مراتب معنوی حجّ که سرمایهٔ حیات جاودانه است و انسان را به افق توحید و تنزیه نزدیک می‌نماید، حاصل نخواهد شد مگر آنکه دستورات عبادی حجّ به طور صحیح و شایسته و مو به مو عمل شود و حجّاج محترم و روحانیون معظّم کاروانها تمام همّ خود را صرف در تعلیم و تعلّم مناسک حجّ کنند و بر مسأله‌دانان است که از همراهان خود مواظبت کنند که خدای نخواسته تخلّف از دستورات نشود و بُعد سیاسی و اجتماعی آن حاصل نمی‌گردد مگر آنکه بُعد معنوی و الهی آن جامهٔ عمل پوشد و لبّیک‌های شما جواب دعوت حقّ تعالی باشد و خود را مُحرم برای وصول به آستانهٔ محضر حقّ تعالی نمایید و لبّیک گویان برای حقّ، نفی شریک به همهٔ مراتب کنید و از خود که منشأ بزرگ شرک است به سوی او جلّ و عَلا هجرت نمایید و امید است برای جویندگان، آن موتی که دنبال هجرت است حاصل آید و اجری را که علی اللّه است دریافت نمایند و اگر جهات معنوی به فراموشی سپرده شود گمان نکنید که بتوان از چنگال شیطان نفس رهایی یابید و تا در بند خویشتن خویش و هواهای نفسانی خود باشید نمی‌توانید جهاد فی سبیل اللّه و دفاع از حریم اللّه نمایید.(۱)

۱- صحیفهٔ نور، ج ۱۹، ص ۴۴

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹